



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

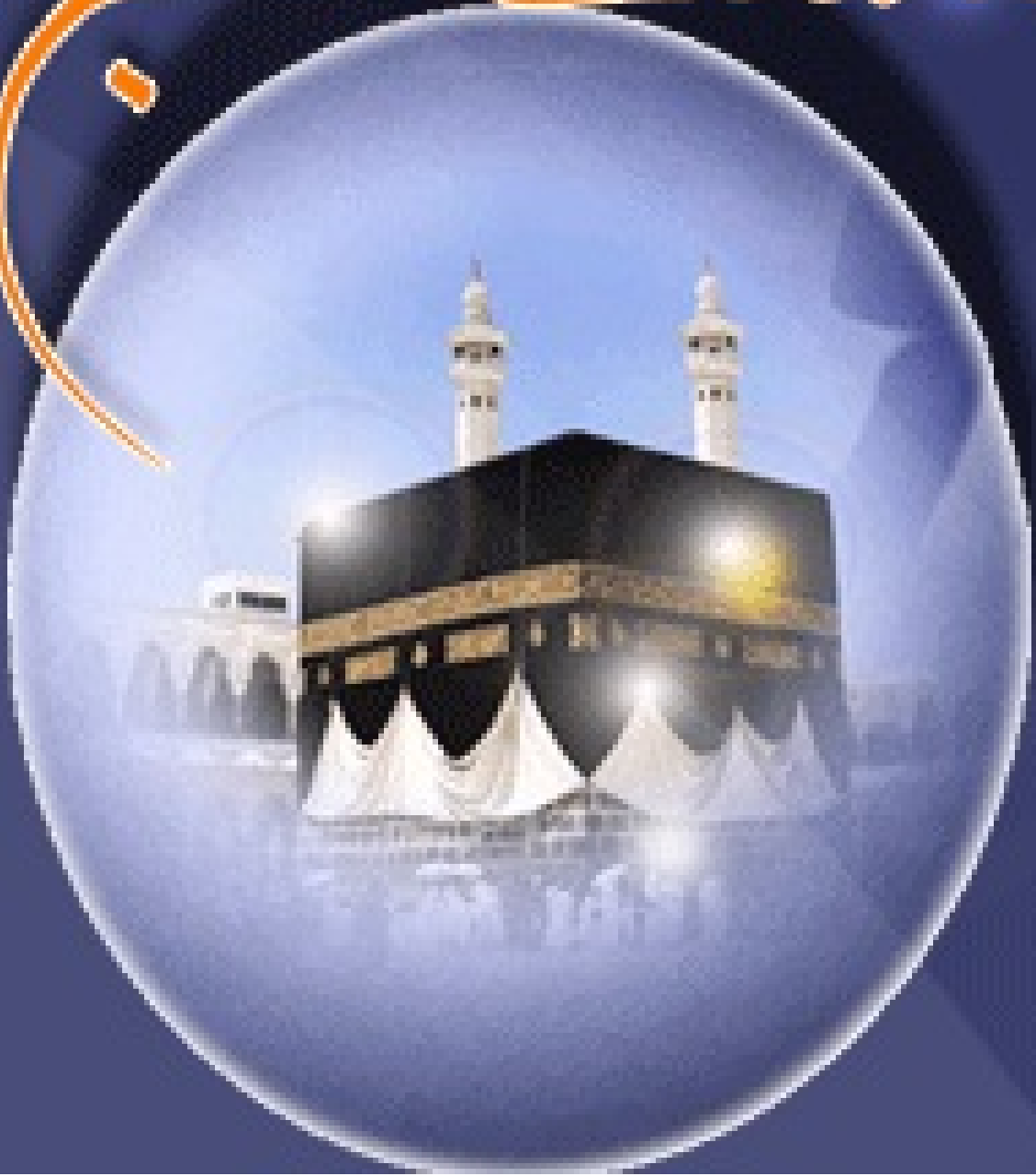
.com

.org

.net

.ir

مناجیگ حج



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک حج

نویسنده:

آیت الله ناصر مکارم شیرازی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	مناسک حج
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اهمیت حج در اسلام
۱۰	اشاره
۱۳	اسرار حج
۱۵	شرایط وجوب حج
۱۷	حج مستحبی
۱۸	حج نیابتی
۱۹	حج نذری
۲۰	اقسام حج
۲۱	صورت حج تمتع
۲۳	شرایط حج تمتع
۲۷	میقاتهای احرام
۳۲	احکام میقاتها
۳۴	۱- کیفیت احرام
۴۰	کارهایی که در حال احرام حرام است
۴۰	اشاره
۴۱	۱- پوشیدن لباس دوخته
۴۳	۲- چیزی که تمام پشت پا را بپوشاند(کفش و جوراب)
۴۳	۳- پوشانیدن سر برای مردان
۴۴	۴- پوشانیدن صورت برای زنان
۴۴	اشاره
۴۴	۵- زینت کردن

- ۴۶ ۶- سرمه کشیدن
- ۴۶ ۷- نگاه کردن در آئینه
- ۴۶ ۸- استعمال بوی خوش
- ۴۸ ۹- مالیدن انواع روغن‌ها و کرم‌ها به بدن
- ۴۸ اشاره
- ۴۸ ۱۰- ناخن گرفتن
- ۵۰ ۱۱- زیر سایه رفتن در حال سفر
- ۵۱ ۱۲- زایل کردن مو از بدن
- ۵۲ ۱۳- عقد ازدواج
- ۵۳ ۱۴ و ۱۵ و ۱۶- نگاه کردن و لمس کردن و بوسیدن
- ۵۳ ۱۷- نزدیکی کردن
- ۵۵ ۱۸- استمناء کردن
- ۵۵ ۱۹- کشتن حشرات
- ۵۵ ۲۰- بیرون آوردن خون از بدن
- ۵۵ ۲۱- کشیدن دندان
- ۵۵ ۲۲- دروغ گفتن و دشنام دادن و تفاخر نمودن
- ۵۶ ۲۳- مجادله و نزاع
- ۵۷ ۲۴- شکار کردن حیوانات صحرائی
- ۵۸ ۲۵- برداشتن سلاح
- ۵۸ کفّارات احرام
- ۶۰ ۲- طواف
- ۶۰ اشاره
- ۶۴ واجبات طواف
- ۶۷ احکام طواف
- ۶۹ کم یا زیاد کردن طواف
- ۷۱ شک در مقدار طواف

۷۲	۳- نماز طواف
۷۲	اشاره
۷۵	طوافهای مستحبی
۷۶	۴- سعی صفا و مروه
۷۶	سعی صفا و مروه
۷۹	واجبات سعی
۸۱	مستحبات سعی
۸۳	۵- تقصیر
۸۳	تقصیر
۸۴	حج تمتع
۸۴	اشاره
۸۶	۱- احرام بستن از مکه
۸۶	۲- وقوف در عرفات
۸۸	۳- وقوف در مشعر الحرام
۹۲	۴- رمی جمره عقبه
۹۶	۵- قربانی
۱۰۱	۶- تقصیر
۱۰۳	۷ تا ۱۱- واجبات پنجگانه مکه
۱۰۶	۱۲- توقف شبانه در منی
۱۰۷	۱۳- رمی جمرات در روزهای ۱۱ و ۱۲
۱۰۷	مصدود و محصور
۱۱۱	مسائل متفرقه حج
۱۱۳	احکام عمره مفرده
۱۱۵	چند مسئله مهم و محلّ ابتلاء در حج و عمره
۱۲۱	آداب و مستحبات حج و عمره
۱۲۳	مستحبات احرام

۱۲۶	مکروهات احرام
۱۲۶	مستحبات دخول حرم
۱۲۷	مستحبات ورود به مکه معظمه
۱۲۷	آداب مسجدالحرام و مکه معظمه
۱۳۰	آداب و مستحبات طواف
۱۳۲	مستحبات نماز طواف
۱۳۳	مستحبات سعی
۱۳۴	مستحبات احرام تا وقوف به عرفات
۱۳۶	مستحبات وقوف به عرفات
۱۴۰	مستحبات وقوف به مشعر
۱۴۱	مستحبات رمی جمرات
۱۴۲	مستحبات قربانی
۱۴۳	مستحبات حلق
۱۴۳	مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی
۱۴۳	مستحبات منی
۱۴۵	مستحبات دیگر مکه معظمه
۱۴۷	طواف وداع
۱۴۷	زیارت رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) بعد از حج
۱۴۷	زیارت حضرت رسول اکرم(صلی الله علیه وآله)
۱۴۷	زیارت حضرت صدیق(علیه السلام)
۱۴۸	زیارت جامعه که هر یک از ائمه(علیهم السلام) را می توان با آن زیارت نمود
۱۴۸	زیارت ائمه بقیع(علیهم السلام)
۱۵۱	دعاء امام حسین(علیه السلام) در روز عرفه
۱۵۱	قسمت اول
۱۶۰	قسمت دوم
۱۶۶	چند سؤال و جواب درباره قربانی

سرشناسه : مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۰۵ -

عنوان و نام پدیدآور : مناسک حج / مولف مکارم شیرازی ؛ مترجم اخلاق حسین صاحب.

مشخصات نشر : قم مدرسه الامام علی بن ابی طالب ع ۱۴۲۶ق. = ۲۰۰۵م. = ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۲۲۰ ص.

شابک : ۸۰۰۰ ریال ۹۶۴-۸۱۳۹-۴۵-۸ :

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : Makarem Shirazi. The Comprehensive Rites of hajj.

یادداشت : عنوان روی جلد: مناسک حج (اردو).

عنوان روی جلد : مناسک حج (اردو).

موضوع : حج

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

شناسه افزوده : صاحب، اخلاق حسین، مترجم

شناسه افزوده : مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸ م/۷۵ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۷۸۱۵۱

اهمیت حج در اسلام

اشاره

حج یکی از ارکان مهم اسلام، و از بزرگترین فرائض دینی است.

قرآن مجید در یک عبارت کوتاه و پرمعنی می فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» برای خدا بر مردم است که حج خانه او کنند، آنها که توانائی رفتن به سوی او دارند» و در ذیل همین آیه می فرماید: «وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان بی نیاز است.» (۱)

پاورقی

۱- سوره آل عمران، آیه ۹۷.

صفحه ۱۰

جمله «برای خداست بر مردم...» به ضمیمه تعبیر به «کفر» در مورد کسانی که حج واجب را ترک می کنند، اهمّیت فوق العاده آن را در اسلام کاملاً روشن می سازد.

قابل توجه این که در تفسیر آیه شریفه ۷۲، سوره اسراء: «وَمَنْ كَانَ

فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْأَخِرَةِ أَعْمَى وَ أَضَلَّ سَبِيلًا؛ کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است.» از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که یکی از معانی آیه، کسی است که حج واجب خود را پیوسته به تأخیر می اندازد تا مرگ او فرا می رسد (او در قیامت نابینا خواهد بود). (۱)

در حدیث دیگری آمده است: «هر کس حج واجب را بدون عذر ترک کند روز قیامت یهودی یا نصرانی محشور می شود.»

و در مقابل برای حج آنچنان پاداشهای عظیمی در روایات اسلامی وارد شده که درباره کمتر عملی دیده می شود.

پاورقی

۱- این حدیث شریف و احادیث آینده را مرحوم محقق یزدی در «العروه الوثقی» در کتاب حج و مرحوم شیخ حرّ عاملی و دیگر بزرگان در کتاب «وسائل الشیعه» و سایر کتب معروف حدیث آورده اند.

صفحه ۱۱

چنانکه در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: «کسانی که حج و عمره به جا آورند میهمان خدا هستند، هر چه بخواهند خدا به آنها می دهد، و هر دعائی کنند به اجابت می رسد، و اگر درباره کسی شفاعت کنند پذیرفته می شود... و اگر در این راه بمیرند خداوند تمام گناهان آنها را می بخشد.»

و نیز در حدیث دیگری می خوانیم: «إِنَّ الْحَجَّ الْمَبْرُورَ لَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ وَلَا جَزَاءَ لَهُ إِلَّا الْجَنَّةُ؛ حج مقبول چیزی با آن برابری نمی کند و پاداشی جز بهشت ندارد!»

«وَأَنَّ الْحَاجَّ يَكُونُ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ؛ کسی که حج به جا آورد از گناه پاک می شود، همانند روزی که از مادر متولد شده است.»

و این بزرگترین

اسرار حج

بدون شک ثوابهای عظیم و فوق العاده ای که برای حج در اخبار بالا و سایر روایات آمده، و همچنین کیفرهای سختی که برای ترک آن در قرآن مجید و روایات اسلامی ذکر شده، همه به خاطر اسرار و فلسفه های مهمی است که این عبادت بزرگ اسلامی دارد.

قرآن مجید در یک جمله کوتاه و بسیار پرمعنی درباره حج می فرماید: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» (مردم را دعوت به حج کن) تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند! (۱)

این منافع، فراوان است که در روایات معصومین (علیهم السلام) به آن اشاره شده، از جمله:

۱- تربیت نفوس و تهذیب اخلاق و تقویت پایه های تقوی و خلوص است، تعبیری که در احادیث بالا- آمده بود که حج مقبول سبب می شود انسان از تمام گناهانش خارج شود و همانند روزی که از مادر متولد شده گردد، دلیل روشنی برای تأثیر حج بر پاکی دل و صفای روح و زدودن آثار گناهان یک عمر است، البته این فایده بزرگ اخلاقی هنگامی به دست می آید که زائران بیت الله الحرام به اسرار اعمال و مناسکی که انجام می دهند دقیقاً توجه داشته باشند، تا هر قدمی که بر می دارند قدمی به سوی خدا و معبود و محبوب حقیقی باشد، و این عبادت بزرگ و پرمحتوی برای آنان به منزله «تولد دوباره» گردد.

پاورقی

۱- سوره حج، آیه ۲۸.

کسانی که با توجه به اسرار این عبادت و با نهایت خلوص نیت، این عبادت بزرگ روحانی را انجام می دهند آثار عمیق آن را در درون جان خود تا پایان عمر احساس می کنند، و هر

زمان به یاد خاطره های این سفر روحانی و صحنه های مملو از روحانیت و صفا و اخلاص بیفتند روح تازه ای در آنها دمیده می شود (این اثر تربیتی و اخلاقی حج است).

۲- «آثار سیاسی» که در کنار آثار تربیتی حج قرار دارد

صفحه ۱۴

بسیار مهم است چراکه حج - اگر همان گونه که اسلام دستور داده و ابراهیم بت شکن، جهانیان را به آن فراخوانده انجام شود - سبب عزت مسلمین و تحکیم پایه های دین، و وحدت کلمه، و مایه قدرت و شوکت در برابر دشمنان و برائت از مشرکین جهان خواهد شد، و این کنگره عظیم الهی که هر سال در کنار خانه خدا تشکیل می شود بهترین فرصت را به مسلمانان برای بازسازی نیروهای خویش، و تقویت پایه های اخوت و برادری، و خنثی کردن توطئه ها و نقشه های دشمنان اسلام در طول یک سال می دهد.

ولی متأسفانه همانگونه که گروهی از مسلمین به عمق فلسفه اخلاقی حج نمی رسند، از فلسفه سیاسی آن نیز بی خبرند، تنها به ظواهری قناعت می کنند و از روح این عبادت بزرگ غافلند و به گفته یکی از سیاستمداران بیگانه: «وای به حال مسلمانان اگر معنی حج را نفهمند، و وای به حال دشمنان اسلام اگر مسلمین معنی حج را بفهمند!»

صفحه ۱۵

۳- «آثار علمی و فرهنگی» یکی دیگر از آثار مهم حج که در روایات معصومین (علیهم السلام) به آن اشاره شده، آثار فرهنگی آن است، چراکه آثار رسول الله (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) در جای جای مکه و مدینه و موافق حج به چشم می خورد، و حضور دانشمندان بزرگ اسلامی از

تمام کشورها، اعم از علمای بزرگ دینی، و اساتید فنون دیگر و گویندگان و نویسندگان که همه سال در حج شرکت دارند فرصت خوبی به همه مسلمین جهان برای مبادله اطلاعات و دانستنیها در تمام زمینه های دینی و علمی می دهد، و از همه گذشته آگاهی خوبی از وضع همه مسلمین جهان در آن محیط پیدا می شود که اگر برای این کار نیز برنامه ریزی شود آثار عظیم آن در جهان اسلام همه ساله ظاهر می گردد.

۴- در روایات اسلامی «فلسفه اقتصادی» نیز یکی از اسرار و اهداف حج شمرده شده است، ممکن است کسانی تصور کنند که حج با مسائل اقتصادی چه کار دارد؟ ولی وقتی توجه می کنیم که مهمترین مشکل مسلمین امروز همان وابستگی اقتصادی آنها به دشمنان اسلام است و در کنار مراسم حج می توان کنگره ها و سمینارهای عظیمی از اقتصاددانان جهان اسلام به وجود آورد، و مسلمین را از این نظر از زیر سلطه اجانب رهائی بخشید، اهمیت این موضوع روشن می شود. (۱)

صفحه ۱۶

خلاصه این که حج، اسرار مهمی دارد که شایسته است در کتابهای جداگانه تدوین و به همه مسلمین، مخصوصاً جوانان مسلمان، تعلیم داده شود.

شرایط وجوب حج

مسأله ۱- حج با شرایط زیر در تمام عمر یک بار واجب می شود.

۱- بالغ بودن ۲- عاقل بودن ۳- با انجام عمل حج، واجب دیگری که مهمتر از حج است ترک نشود، یا کار حرامی که اهمّیتش در شرع بیشتر است به جا نیآورد.

پاورقی

۱- این چهار فلسفه در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقل شده است (وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۷، حدیث شماره ۱۵).

صفحه ۱۷

۴- مستطیع

بودن و آن به چند چیز حاصل می شود:

۱- داشتن زاد و توشه سفر، و آنچه مورد نیاز او است و هزینه مرکب سواری و مانند آن. ۲- داشتن جواز سفر و نبودن مانعی در راه و عدم خوف بر جان و مال و عرض (آبروی) خویش. ۳- داشتن توانائی جسمانی بر انجام اعمال حج. ۴- داشتن وقت کافی برای رسیدن به مکه و انجام اعمال. ۵- داشتن مخارج زندگی همسر و فرزند و کسانی که خرج آنها بر او شرعاً یا عرفاً لازم است در طول مدت حج. ۶- داشتن مال یا کسب و کاری که بعد از بازگشت بتواند با آن زندگی کند.

مسأله ۲- کسی که بدون خانه ملکی رفع احتیاجش نمی شود وقتی حج بر او واجب است که پول خانه را داشته باشد؛ ولی اگر با خانه اجاره ای یا وقفی و مانند آن می تواند زندگی کند با داشتن آن مستطیع می شود.

صفحه ۱۸

مسأله ۳- هرگاه کسی مخارج رفتن به مکه را ندارد، ولی دیگری مالی به او می بخشد یا در اختیار او می گذارد که با آن به حج برود و هزینه زن و فرزند او را نیز در این مدت می پردازد حج بر او واجب است، هرچند بدهکار باشد، و در موقع بازگشت وسیله کافی برای امرار معاش نداشته باشد، و قبول کردن چنین هدیه ای واجب است؛ مگر این که در آن مدت و ضرر یا مشقت غیر قابل تحمّلی باشد، و این حج کفایت از حج واجب می کند.

مسأله ۴- کسانی را که برای خدمت در سفر حج استخدام می کنند خواه به عنوان روحانی کاروان

باشد یا مدیر و معاون کاروان و یا اعضاء ستاد و بعثه حج و یا طبیب و پرستار یا مأمورین انتظامی و مسؤولین بانک و غیر اینها، و به این صورت حج خود را به جا می آورند حج واجب آنها محسوب می شود، به شرط این که هزینه خانواده اش در این مدت نیز تأمین باشد؛ ولی قبول چنین استخدای واجب نیست.

صفحه ۱۹

مسأله ۵- کسی که می تواند با وام گرفتن حج به جا آورد مستطیع نیست، هر چند بعداً بتواند وام خود را یکجا یا به اقساط بپردازد؛ مگر این که معادل آن اموالی داشته باشد که از محل آن دین خود را به آسانی بپردازد.

مسأله ۶- جایز نیست با مال حرام یا مالی که خمس آن را نداده اند حج به جا آورد و اگر لباس احرام و طواف و سعی یا پول قربانی و اجرت چادر و فرشی که بر آن وقوف به عرفات و منی می کند حرام باشد حج او بنا بر احتیاط باطل است.

مسأله ۷- هرگاه ثبت نام برای حج کرده و پیش از آن که نوبت او برسد از دنیا برود، یا استطاعت بدنی او زائل شود مستطیع نبوده است و فیش حج او در صورت فوت متعلق به ورثه است؛ مشروط به این که جز از طریق نام نویسی قادر بر حج نبوده باشد.

مسأله ۸- پولی که برای نام نویسی داده می شود اگر از درآمد همان سال بوده خمس ندارد.

صفحه ۲۰

حج مستحبی

مسأله ۹- مستحب است برای کسانی که استطاعت یا سایر شرایط در آنها جمع نیست و یا حج واجب را به جا آورده اند حج را به جا

آورند، بلکه مستحب است هر سال تکرار کنند و ولی چنانچه ازدحام بیش از حد حجاج تولید مزاحمت شدید برای کسانی که هنوز حج به جا نیاورده اند می کند سزاوار است موقتاً از انجام حج مستحبی خودداری نمایند، و همچنین هنگام نوبت بندی سزاوار است نوبت را به کسانی دهند که می خواهند برای نخستین بار حج واجب به جا آورند و ولی اگر خانه خدا (فرضاً) یک سال از زوار به اندازه کافی خالی بماند بر حاکم شرع واجب است عده ای را به حج بفرستد، هر چند حج واجب خود را انجام داده باشند.

مسأله ۱۰- در حج واجب اجازه شوهر برای زن لازم نیست، ولی در حج مستحبی اجازه شوهر لازم است و حتی اگر حج مستحبی باعث آزار پدر یا مادر شود اشکال دارد.

صفحه ۲۱

حج نیابتی

مسأله ۱۱- جایز است کسی را از طرف میت برای حج واجب، یا مستحب، اجیر کند، اما از طرف کسی که زنده است فقط برای حج مستحبی می توان اجیر کرد، مگر کسانی که حج بر آنها واجب شده باشد و بر اثر کوتاهی، آن را به جا نیاورده اند، و اکنون به خاطر بیماری یا پیری و ناتوانی قادر بر حج نیستند، در این صورت واجب است نایب بگیرند، اما اگر وقتی استطاعت مالی پیدا کرده استطاعت جسمی نداشته، و یا طریق رفتن برای او باز نبوده حج بر او واجب نیست، و گرفتن نایب نیز واجب نمی باشد، چه در حیات باشد و چه بعد از مرگ او.

مسأله ۱۲- زن می تواند از طرف مرد، و مرد می تواند از طرف زن نیابت کند، و هر کدام باید وظیفه

خودشان را در چنین حجتی رعایت کنند؛ اگر زن است وظایف زنان را به جا آورد، و اگر مرد است مطابق وظائف مردان، ولی بهتر آن است که زن برای زن و مرد برای مرد نیابت کند.

صفحه ۲۲

مسئله ۱۳- کسی که حج واجب بر او است جایز نیست از طرف دیگری اجیر برای حج شود؛ ولی اگر این کار را کند حج نیابتی او صحیح است هر چند گناه کرده است. و کسی که مستطیع نیست می تواند حج نیابتی به جا آورد و با رسیدن به مکه از این طریق مستطیع نمی شود.

مسئله ۱۴- هر گاه کسی برای حج اجیر شود و تعیین نکنند در چه سالی باید انجام دهد، وظیفه او این است که در اولین سال انجام دهد.

مسئله ۱۵- جایز است برای انجام حج واجب از طرف میت کسی را اجیر کنند که از «میقات» حج را به جا آورد، و پول آن از اصل ترکه خارج می شود؛ ولی اگر وارثها اجازه دهند می توان از طرف او حج «بلدی» انجام داد (یعنی کسی اجیر شود که از همان شهری که میت در آن بوده حج به جا آورد) ولی تفاوت حج بلدی و میقاتی را فقط وارثان کبیر می توانند پردازند.

صفحه ۲۳

مسئله ۱۶- «نائب» باید مسائل حج را بداند، ولی لازم نیست قبلاً حج به جا آورده باشد. و کسانی از خدمه کاروان یا مانند آنها که از اول می دانند قادر به درک وقوف اختیاری مشعر یا مانند آن نیستند می توانند نیابت قبول کنند.

حج نذری

مسئله ۱۷- کسی که عاقل و بالغ باشد و از روی قصد و اختیار نذر کند که حج

به جا آورد، حج بر او واجب می شود؛ ولی نذر زن بدون اجازه شوهر - اگر با حقّ او منافات داشته باشد - جایز نیست، و در صورتی که منافات نداشته باشد صحیح است.

مسأله ۱۸- هرگاه نذر حج کند و زمانی برای آن تعیین ننماید می تواند آن را تأخیر بیندازد؛ ولی اگر زمانی برای آن معین کرده، واجب است در همان زمان انجام دهد، و چنانچه عمداً انجام ندهد باید کفّاره بدهد و احتیاط آن است که حج را نیز قضا کند

صفحه ۲۴

مسأله ۱۹- هرگاه کسی نذر کند اگر فلان حاجتش روا شد حج به جا آورد و قبل از روا شدن آن از دنیا برود قضای نذر لازم نیست، اما اگر بعد از روا شدن حاجتش از دنیا برود باید ورثه او آن را قضا کنند، یا برای او اجیر بگیرند، و احتیاط آن است که پول آن را از اصل ترکه بردارند، با رضایت ورثه اگر همه کبیر باشند.

اقسام حج

مسأله ۲۰- حج بر سه گونه است: «حجّ تمتّع» و «حجّ قران» و «حجّ افراد»

«حجّ تمتّع» وظیفه کسانی است که فاصله محلّ سکونت آنها تا مکه چهل و هشت میل یا بیشتر باشد (یعنی حدود هشتاد و شش کیلومتر) و قسم دوم و سوم حج، وظیفه اهالی مکه معظمه و کسانی است که منازل آنها در کمتر از این مسافت قرار داشته باشد.

مسأله ۲۱- کسی که اهل مکه است اگر به خارج از مکه سفر کند سپس به سوی مکه بازگردد می تواند حجّ تمتّع یا حجّ قران و افراد به جا آورد.

صفحه ۲۵

کسی که اهل خارج از مسافت مزبور باشد هرگاه در مکه

بیش از دو سال اقامت کند وظیفه او همان وظیفه اهل مکه است، خواه قبلاً مستطیع بوده و یا بعد از اقامت مستطیع شده باشد و خواه اقامت او به قصد توطن بوده باشد یا به قصد ماندن برای یک مدت محدود.

مسأله ۲۲- از آنجا که بیشتر مسلمین در تمام نقاط جهان مشمول «حج تمتع» هستند، لذا احکامی که در این مناسک آمده است احکام حج تمتع است.

صورت حج تمتع

مسأله ۲۳- صورت حج تمتع به طور اجمال چنین است:

۱- عمره تمتع: عمره تمتع حتماً باید در ماههای حج (یعنی شوال و ذی القعدة و ذی الحجه) واقع شود و در آن اعمال زیر واجب است:

صفحه ۲۶

۱- احرام بستن از میقات به قصد عمره تمتع.

۲- هفت بار طواف خانه کعبه.

۳- دو رکعت نماز طواف نزد مقام ابراهیم.

۴- سعی بین صفا و مروه.

۵- تقصیر، یعنی گرفتن مقداری از مو یا ناخن، ولی قناعت به گرفتن ناخن نکند.

و بعد از آن که این اعمال پنجگانه را انجام داد از احرام بیرون می آید، و چیزهایی که به خاطر احرام بر او حرام شده بود حلال می شود.

۲- حج تمتع: حج تمتع شامل اعمال زیر است:

۱- بستن احرام از مکه.

۲- وقوف (یعنی ماندن) در عرفات از ظهر تا غروب روز نهم ذی الحجه.

۳- وقوف در مشعر الحرام و ماندن در آنجا از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع آفتاب.

صفحه ۲۷

۴- رفتن به منی و رمی جمره عقبه (یعنی هفت سنگ کوچک به ستونی که در آخر منی قرار دارد و نامش «جمره عقبه» یا

جمره قصوی «است می زند».

۵- قربانی کردن در منی روز عید (دهم ذی الحجّه)

۶- تقصیر، یعنی تراشیدن

سر یا گرفتن مقداری از مو یا ناخن.

با انجام این شش عمل تمام آنچه با احرام بر او حرام شده بود حلال می شود، جز زن و بوی خوش.

۷- طواف خانه کعبه (این طواف، طواف زیارت نام دارد).

۸- به جا آوردن دو رکعت نماز طواف.

۹- سعی (یعنی رفت و آمد) میان صفا و مروه.

هنگامی که این چند عمل انجام شد بوی خوش برای او حلال می شود.

۱۰- طواف دیگری اطراف خانه کعبه به جا می آورد (و این طواف، طواف نساء نام دارد).

صفحه ۲۸

۱۱- دو رکعت نماز طواف نساء.

با انجام این دو عمل زن نیز بر او حلال می شود.

۱۲- بازگشت به منی و اقامت شب یازدهم و شب دوازدهم (و در بعضی از حالات شب سیزدهم) در آنجا.

۱۴- رمی جمرات سه گانه (یعنی انداختن هفت سنگ به هر کدام از سه ستون که در منی قرار دارد) در روز یازدهم و دوازدهم.

و بعد از ظهر روز دوازدهم با انجام این اعمال، می تواند به مکه بازگردد و حج او تمام است.

این بود اعمال پنجگانه عمره تمتع، و اعمال سیزده گانه حج تمتع که شرح جزئیات آن در مسائل آینده خواهد آمد.

صورت حج افراد: حج افراد مانند حج تمتع است با این تفاوت که در حج تمتع قربانی هست و در افراد واجب نیست، ولی استحباب دارد و عمره آن بعد از حج می باشد به خلاف عمره تمتع که قبل از آن است و چون حج قرآن در این ایام مورد ابتلا نیست از شرح آن خودداری می شود.

صفحه ۲۹

شرایط حج تمتع

مسئله ۲۴- در حج تمتع پنج چیز شرط است:

۱- نیت و آن عبارت از این است

که قصد کند برای خدا این اعمال را به عنوان «حجّ تمتّع» به جا می آورد، بنابراین اگر نوع دیگری از حج را قصد کند، یا مردّد میان «حجّ تمتّع» و حجّ دیگری باشد یا قصد او خالص برای خدا نباشد حجّش صحیح نیست.

۲- «عمره» و «حج» باید هر دو در ماههای حج (ماه شوال و ذی القعدة و ذی الحجّه) واقع شود، بنابراین اگر تمام عمره یا قسمتی از آن را قبل از ماه شوال انجام دهد کافی نیست.

۳- «عمره تمتّع» و «حجّ آن» هر دو را باید در یک سال انجام دهد، اگر یکی را امسال، و دیگری را سال دیگر در ماههای حج انجام دهد صحیح نیست.

۴- احرام «حجّ تمتّع» چنانکه گفته شد باید از خود مکه

صفحه ۳۰

باشد، و تفاوتی میان محلّه ها و مناطق مختلف مکه نیست، از منزل باشد، یا از مسجد الحرام، یا حتی از کوچه و خیابان قصد احرام کند، ولی از همه جا بهتر برای احرام حج «مسجد الحرام» است.

۵- در صورتی که «حجّ تمتّع» عنوان نیابت داشته باشد باید «عمره» و «حج» هر دو به وسیله یک نفر انجام شود، بنابراین اگر یک نفر عمره را به جا آورد و دیگری حج را، کافی نیست.

مسأله ۲۵- احتیاط واجب آن است که بعد از انجام «عمره تمتّع» از مکه خارج نشود تا موقع حج فرا رسد، و حج را انجام دهد، مگر این که حاجت و ضرورتی پیدا کند که در این صورت باید بنا بر احتیاط واجب به نیت حج احرام ببندد و با احرام از مکه خارج شود و هنگام بازگشت به همان حال بماند تا مراسم

حج را انجام دهد؛ اما اگر بستن احرام برای حج، مایه مشقت و حرج شدید باشد می تواند آن را ترک کند، و در این احکام فرقی میان حج واجب و مستحب نیست.

صفحه ۳۱

مسئله ۲۶- ممنوع بودن خروج از مکه برای کسانی که عمره تمتع را انجام داده اند برای رفتن به نقاط دوردست است، بنابراین رفتن به نقاط نزدیک مانند یک فرسنگ و دو فرسنگ مانعی ندارد، و کسانی که منزلشان بیرون مکه است می توانند بعد از فراغت از عمره به منزل خود بازگردند.

مسئله ۲۷- شهر مکه امروز بسیار بزرگ شده، با این حال تمام آنچه به نام مکه نامیده می شود احکام مکه را دارد، همان گونه که مسجدالحرام توسعه یافته، در عین حال تمام آن، احکام مسجدالحرام را دارد.

مسئله ۲۸- هرگاه پس از انجام عمره بدون احرام از مکه بیرون رفت و از میقاتها گذشت به هنگام بازگشت باید از میقات مُحَرَّم شود و عمره به جا آورد مگر این که بازگشت او در همان ماهی باشد که خارج شده است (مثلاً در ذی القعدة خارج شده و در همان ذی القعدة بازگشته است).

مسئله ۲۹- کسی که وظیفه او حج تمتع است نمی تواند

صفحه ۳۲

به حج افراد یا حج قران بازگردد، مگر این که وقت تنگ باشد، به طوری که نتواند عمره را تمام کرده و به حج برسد، در این صورت می تواند «عمره تمتع» را رها کرده، و نیت حج افراد یا قران کند، و وظائف حج را به جا آورد، و بعد از پایان حج، عمره مفرده انجام دهد (مانند سایر کسانی که حج قران و افراد انجام می دهند)

و منظور از تنگ بودن وقت برای حج این است که نتواند وقوف در عرفات را از ظهر تا غروب روز عرفه درک کند.

مسأله ۳۰- هرگاه زن گرفتار عادت ماهانه شود و نتواند طواف و نماز طواف را، که شرط آن طهارت است، پیش از رسیدن موسم حج (و وقوف به عرفه) انجام دهد باید نیت حج افراد کند و با همان احرام به عرفات برود و اعمال حج را انجام دهد، و بعد از بازگشت به مکه و پاک شدن، طوافهای حج و نمازهای طواف را انجام می دهد، و پس از اتمام حج برای «عمره مفرده» به مسجد تنعیم رفته و از آنجا مُحَرَّم می شود و اعمال عمره مفرده را انجام می دهد، و احتیاط آن است که در پایان آن طواف نساء را نیز به جا آورد.

صفحه ۳۳

مسأله ۳۱- مانعی ندارد که زنان به وسیله خوردن قرص و مانند آن از عادت ماهانه خود جلوگیری کنند تا بتوانند اعمال حج تمتع، از جمله طواف و نماز طواف را در حال پاکی انجام دهند.

میقاتهای احرام

مسأله ۳۲- منظور از میقات جایی است که باید از آنجا برای حج یا عمره احرام بست، و بدون احرام نمی توان از آن گذشت.

مسأله ۳۳- میقاتهای احرام ده محل است که پنج میقات آن اصلی می باشد.

۱- مسجد شجره

مسأله ۳۴- مسجد شجره در کنار مدینه قرار دارد، و امروز به نام «آبارعلی» معروف است، تمام کسانی که می خواهند از راه مدینه به حج روند باید از آنجا مُحَرَّم شوند، و جایز نیست تأخیر بیندازند، و مثلاً از «جحفه» که میان راه مکه و مدینه است مُحَرَّم گردند،

مگر بیماران و افراد ضعیف و کسانی که موانع دیگری دارند.

صفحه ۳۴

مسأله ۳۵- واجب نیست احرام از داخل مسجد شجره باشد، بلکه می توان در کنار مسجد نیز احرام بست، و تفاوتی میان مسجد سابق و مسجد امروز که بسیار توسعه یافته است وجود ندارد، بنابراین زنانی که در حال عادت ماهانه هستند می توانند در بیرون مسجد احرام ببندند.

۲- جُحْفَه

مسأله ۳۶- «جحفه» محلی است میان مدینه و مکه در فاصله ۱۵ کیلومتری مکه و با جاده اصلی مقصداری فاصله دارد، و آن میقات کسانی است که از مصر و شمال آفریقا و سوریه و اردن و لبنان (از طریق زمینی) به حج می آیند، بلکه میقات تمام کسانی است که از آنجا عبور می کنند.

صفحه ۳۵

مسأله ۳۷- مسلمانان ایران و سایر نقاط که با هواپیما وارد فرودگاه جده می شوند، و نمی خواهند به مدینه روند می توانند به جحفه رفته، و از آنجا مُحَرَّم شده، به مکه بروند.

مسأله ۳۸- در «جحفه» مسجدی است که می توان از بیرون مسجد یا داخل آن احرام بست و بهتر داخل مسجد است.

۳- وادی عقیق

مسأله ۳۹- وادی عقیق محلی است در سمت شمال شرقی مکه، و حدود ۹۴ کیلومتر با آن فاصله دارد و آن میقات اهل «عراق» و مردم «نجد» است، و تمام کسانی که از آن محل عبور می کنند می توانند از آنجا مُحَرَّم شوند، این میقات دارای سه قسمت است: قسمت اول را «مسلخ» می نامند، و قسمت دوم را «غمره» و قسمت سوم را «ذات عرق» و احرام بستن از تمام آنها جایز است هر چند افضل احرام از «مسلخ» است که قسمت اول آن

می باشد.

صفحه ۳۶

۴- قرن المنازل

مسأله ۴۰- «قرن المنازل» محلّی است نزدیک «طائف» که حدود ۹۴ کیلومتر با مکه فاصله دارد و آن میقات مردم آنجا یا کسانی است که از آنجا عبور می کنند، بلکه تمام کسانی که به جدّه وارد می شوند می توانند به آنجا رفته و از آنجا مُحرّم شوند.

۵- یلملم

مسأله ۴۱- «یلملم» نام کوهی است در نواحی جنوبی مکه (حدود ۸۴ کیلومتر با آن فاصله دارد) و آن میقات کسانی است که از جنوب شبه جزیره عربستان مانند یمن به سوی مکه می آیند، و نیز تمام کسانی که از آنجا می گذرند می توانند از آنجا مُحرّم شوند.

این پنج میقات اصلی است.

۶- شهر مکه

مسأله ۴۲- «مکه» میقات برای «حجّ تمتّع» است، یعنی پس از انجام عمره برای ادای مناسک حجّ، که نخستین عمل آن رفتن به «عرفات» است، از شهر مکه احرام می بندند.

صفحه ۳۷

مسأله ۴۳- فرقی بین محلات مکه نیست و از هر نقطه آن می تواند مُحرّم شود، حتّی در نقاطی که بر اثر توسعه شهر مکه امروز به آن اضافه شده است، ولی احتیاط واجب آن است که از محدوده حرم خارج نباشد، مثلاً امروزه مکه امتداد یافته و از مسجد تنعیم که نزدیکترین حدّ حرم است فراتر رفته، اگر کسی از آنجا که بیرون حدّ حرم است مُحرّم به احرام حجّ تمتّع شود خالی از اشکال نیست و بهتر از همه جا مسجدالحرام است.

۷- منزل خود انسان

مسأله ۴۴- کسانی که منزلشان از میقات به مکه نزدیکتر است میقاتشان همان منزل خودشان است، ولی جایز است بلکه بهتر است که آنها هم به یکی از میقاتهای پنجگانه نخستین رفته

و از آنجا مُحرِم شوند.

۸- جعرانه

مسأله ۴۵- «جعرانه» محلی است در انتهای حرم میان

صفحه ۳۸

طائف و مکه و بنا بر احتیاط واجب اهل مکه باید از آنجا احرام ببندند، همچنین کسانی که مدت دو سال در مکه اقامت کرده اند.

۹- محاذات یکی از میقاتها

مسأله ۴۶- کسانی که از میقات نمی گذرند هرگاه به محاذات هر یک از میقاتها برسند باید از همانجا مُحرِم شوند و لزومی ندارد حتماً به یکی از میقاتهای پنجگانه نخستین بروند، و اگر از محاذات دو میقات می گذرند باید وقتی به محاذات نخستین میقات می رسند احرام ببندند.

مسأله ۴۷- هرگاه محاذات میقات را به طور قطع بدانند و یا از گفته اهل اطلاع گمان حاصل شود کافی است از همان جا احرام ببندد، اما اگر شک کند و راهی برای تحقیق نباشد بهتر است قبل از رسیدن به آن محل نذر احرام کند و از آنجا مُحرِم شود.

مسأله ۴۸- هرگاه از راهی بگذرد که محاذی هیچیک از میقاتها نیست احتیاط آن است که به میقات رود و از آنجا مُحرِم شود یا به جایی برود که محاذی یکی از میقاتها باشد، و اگر آن هم امکان ندارد از هر جا که احتمال دهد محاذی یکی از میقاتها است مُحرِم می شود سپس به اولین نقطه حرم (در اطراف مکه) که رسید احرام خود را تجدید می کند (یعنی از نو نیت کرده و «لَبَّيْكَ» می گوید).

صفحه ۳۹

مسأله ۴۹- فرقی در مسأله محاذات میقات، میان صحرا و دریا و هوا نیست، بنابراین هرگاه با هواپیما از محاذات یکی از میقاتها عبور کند باید از همانجا مُحرِم شود و بلافاصله «لَبَّيْكَ» بگوید (و این که

در چنین صورتی در حال احرام زیر سقف خواهد بود حکمش بعداً خواهد آمد).

۱۰- أدنی الحل

مسأله ۵۰- «أدنی الحل» یعنی اولین نقطه خارج از حرم، میقات کسانی است که عمره مفرده به جا می آورند (اعم از عمره حج قران و افراد یا عمره مفرده که در هر موقع از سال می توان به جا آورد).

مسأله ۵۱- بهتر این است که برای عمره مفرده از یکی از سه محل زیر «حدیبیه» یا «جعزانه» یا «تنعیم» که نزد اهل مکه معروف است، احرام ببندد و آسانتر برای کسانی که می خواهند بعد از حج، عمره مفرده به جا آورند این است که به مسجد تنعیم که حدود هشت کیلومتر با مسجدالحرام فاصله دارد و در حال حاضر جزء شهر مکه شده، رفته، از تنعیم مُحَرَّم شوند.

صفحه ۴۰

مسأله ۵۲- کسانی که از طریق جدّه برای عمره مفرده به سوی مکه می روند باید از «حدیبیه» (که فاصله آن با مکه حدود ۱۷ کیلومتر است) مُحَرَّم شوند (حدیبیه دورترین حدّ حرم است).

مسأله ۵۳- بهتر این است که احرام عمره مفرده، نیز از یکی از میقاتهای پنجگانه اوّل (مسجد شجره، جحفه، قرن المنازل، وادی عقیق و یلملم) انجام گیرد، بنابراین کسانی که قصد عمره مفرده دارند و قبلاً به مدینه می روند، بهتر است از مسجد شجره یا لااقل جحفه مُحَرَّم شوند.

مسأله ۵۴- ترتیب میقاتها به طور خلاصه به صورت زیر است:

صفحه ۴۱

میقات «عمره حج تمتع» یکی از میقاتهای پنجگانه اوّل است خواه حج واجب باشد یا مستحب.

۲- میقات «حج تمتع»، مکه است.

۳- میقات «حج افراد یا قران» یکی از میقاتهای پنجگانه است.

۴- میقات «عمره مفرده» أدنی الحل است؛ یعنی نخستین

محلّی است که از حرم مکه بیرون می باشد (مانند تنعیم و جعرانه و حدیبیه).

۵- میقات کسانی که خانه آنها بعد از میقات است همان منزلشان می باشد که برای عمره تمتّع یا حجّ «افراد» و «قران» می توانند از آنجا مُحَرَّم شوند، ولی بهتر است آنها نیز از یکی از میقاتهای پنجگانه مُحَرَّم شوند.

احکام میقاتها

مسأله ۵۵- احرام بستن قبل از میقات جایز نیست، همان گونه که گذشتن از میقات بدون احرام حرام است، تنها باید در خود میقات مُحَرَّم شوند؛ مگر در دو صورت

صفحه ۴۲

۱- در صورتی که نذر کند قبل از میقات مُحَرَّم شود لازم است به نذر خود وفا کند، از هر جا که باشد، و نیازی به تجدید احرام در میقات نیست، به همین جهت هنگامی که انسان در میقات یا محاذات آن شك کند می تواند قبل از رسیدن به محلّ مشکوک «نذر احرام» نماید، و از همانجا مُحَرَّم شود و فرقی میان حجّ واجب و مستحب نیست و نذر زن در صورتی که مزاحم حقّ شوهر نباشد اشکالی ندارد.

۲- برای کسی که می خواهد عمره ماه رجب را به جا آورد و بیم آن دارد که ماه رجب قبل از رسیدن به میقات بگذرد جایز است قبل از میقات، مُحَرَّم شود تا فضیلت عمره ماه رجب را درک کند.

مسأله ۵۶- رسیدن به میقات باید به طور یقین، یا اطمینان، یا مشهور بودن در میان اهل محل، یا حدّ اقل شهادت یک نفر عادل ثابت شود، و در صورت شك، احرام بستن جایز نیست (مگر به ترتیبی که در مسأله قبل اشاره شد، از طریق نذر کردن).

صفحه ۴۳

مسأله ۵۷- جایز نیست که انسان

بدون احرام از میقات بگذرد مگر این که میقات دیگری در پیش داشته باشد که در این صورت احرام از میقات دوم صحیح است؛ هر چند احتیاط واجب آن است که در همان میقات اول مُحَرَّم شود.

مسئله ۵۸- هرگاه از روی علم و عمد بدون احرام از میقات بگذرد باید به میقات بازگردد و مُحَرَّم شود، و اگر نتواند بازگردد حَجَّ او باطل است، و باید سال بعد به جا آورد.

مسئله ۵۹- هرگاه از روی جهل یا فراموشکاری در میقات مُحَرَّم نشود باید هنگامی که یادش آمد اگر بیرون حرم است از همانجا احرام ببندد، و اگر وارد حرم شده به بیرون حرم (مثلاً به تنعیم) برود و احرام ببندد، و اگر نمی تواند از حرم بیرون برود از همان جا که هست احرام می بندد.

صفحه ۴۴

مسئله ۶۰- هرگاه زن در عادت ماهانه باشد و خیال کند احرام بستن برای او جایز نیست، و در میقات احرام نبندد، اگر می تواند باید به میقات برگردد، و مُحَرَّم شود، و اگر نمی تواند به خارج حرم رود و اگر نمی تواند از همان جا که هست احرام ببندد و حَجَّ و عمره او صحیح است.

مسئله ۶۱- همانطور که قبلاً گفته شد احرام برای حَجَّ تمتع از خود مکه است، حال اگر از روی جهل یا فراموشی بدون احرام به سوی «عرفات» حرکت کند چنانچه امکان داشته باشد به مکه برمی گردد و مُحَرَّم می شود، و اگر نتواند به مکه برگردد در خود «عرفات» یا «مشعر» یا «منی» (قبل از رمی جمرات و قربانی کردن) مُحَرَّم می شود، و اگر بعد از رمی جمرات و قربانی کردن یادش

بیاید وقت احرام گذشته است و حجّ او صحیح است.

مسأله ۶۲- هر گاه از روی جهل یا فراموشی احرام را ترک کند و بعد از تمام شدن اعمال متوجه شود، اعمال او صحیح است؛ خواه در عمره تمتّع باشد، یا حج، یا عمره مفرده.

صفحه ۴۵

۱- کیفیت احرام

همان گونه که گفته شد نخستین اعمال عمره و حج، «احرام» است، و واجبات احرام سه چیز است:

اول: نیت

مسأله ۶۳- نیت احرام چنین است که قصد می کند اموری را که بعداً به آن اشاره می شود بر خود حرام بشمرد و به دنبال آن به اعمال عمره یا حج پردازد، و کافی است با در نظر گرفتن این معنی به زبان یا در قلبش بگوید: «احرام می بندم برای عمره تمتّع از حجّ واجب (یا مستحب) برای خودم (یا برای کسی که از طرف او نیابت دارم) قربه الی الله» و منظورش از احرام می بندم، بناگذاری بر تحریم کارهای مزبور بر خویش است.

و در احرام حج می گوید: «احرام می بندم برای حجّ واجب قربه الی الله» و در عمره مفرده می گوید: «احرام می بندم برای عمره مفرده قربه الی الله».

صفحه ۴۶

مسأله ۶۴- لازم نیست نیت را بر زبان جاری کند بلکه کافی است چنین قصدی در دل او باشد، ولی بهتر است علاوه بر قصد باطنی بر زبان نیز جاری سازد.

مسأله ۶۵- منظور از قصد قربت، قصد جلب رضای خدا و قرب به ذات پاک او است، و باید در همان حال، قصد انجام مناسک عمره یا حج را داشته باشد، و بهتر است از همان اول تعیین کند که قصد عمره دارد، یا حج، و منظورش مثلاً «حجّه

الاسلام» است (یعنی حجّ واجب به خاطر استطاعت) یا «حجّ مستحب»، یا «حجّ نذری»، یا «نیابت»، ولی اگر از اوّل نیت احرام کند به این قصد که نوع عمل را بعداً تعیین نماید نیز مانعی ندارد.

مسأله ۶۶- هرگاه در موقع نیت احرام و تحریم آنچه بر مُحْرِم حرام است بر خویش، نیت شکستن بعضی از اینها را داشته باشد (مثل این که در همان موقع در حال سفر باشد و بدون ضرورت زیر سقف اتومبیل یا هواپیما باشد) برای احرام او خالی از اشکال نیست.

صفحه ۴۷

و اگر در آغاز، نیت ترک همه را داشته باشد، و بعد از احرام بستن نیت او عوض شود، و یا بعضی از آن اعمال را مرتکب گردد، ضرر به احرام او نمی زند، هرچند در مواردی باید کفاره بدهد.

مسأله ۶۷- دانستن امور مزبور به طور مشروح لازم نیست بلکه کافی است اجمال آنها را بداند.

دوم: گفتن لَبَّيْكَ

مسأله ۶۸- واجب است هنگام احرام «لَبَّيْكَهَائِیَ چَهار گانه» را با عربی صحیح بگویند و احتیاط واجب آن است که به صورت زیر باشد:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ»;

یعنی، خداوندا اجابت (و اطاعت) می کنم تو را، باز هم اجابت می کنم تو را، و دگر بار هم اجابت می کنم تو را، همتائی برای تو نیست، اجابت می کنم تو را، ستایش تنها تو را سزاوار است. و نعمت و ملک از آن تو است، هیچ همتائی نداری!

صفحه ۴۸

و بهتر است از افزودن عبارات دیگر خودداری شود مگر آنچه در مستحبات خواهد آمد.

مسأله ۶۹- در صورتی که نتواند خودش این عبارات را با عربی

صحیح ادا کند کافی است دیگری شمرده برای او بخواند و او تکرار نماید، و چنانچه قادر بر تلفظ صحیح نباشد احتیاط آن است آنچه را می تواند، بگوید، و ترجمه آن را نیز بگوید، و یک نفر که توانائی دارد به نیابت او نیز «لَبَّيْكَ» بگوید.

مسأله ۷۰- در احرام فقط یک بار لبیک گفتن (به صورتی که گفته شد) واجب است و بعد از آن مستحب است آن را در حالات مختلف به مقدار امکان تکرار کند، یعنی در موقع سوار شدن بر مرکب و پیاده شدن، و گذشتن از پستیها و بلندیها، و بعد از خواب، و بعد از نمازها تکرار می نماید، و بهتر است مردان صدای خود را به لبیک بلند کنند.

مسأله ۷۱- در احرام عمره تمتع واجب است مُحَرَّم

صفحه ۴۹

هنگام مشاهده خانه های مکه «لَبَّيْكَ» را قطع کند، و در احرام حج به هنگام ظهر روز عرفه، و در عمره مفرد هنگام مشاهده کعبه (اگر از مکه برای احرام به خارج رفته است، و اگر از خارج مکه به سوی آن می آید هنگام داخل شدن به منطقه حرم لبیک را قطع می کند).

مسأله ۷۲- شخص گنگ به جای گفتن «لَبَّيْكَ» با دست خود اشاره می کند، و زبان خود را طبق معمول حرکت می دهد، و بهتر است علاوه بر این، کسی به نیابت او نیز لبیک بگوید، ولی واجب نیست.

مسأله ۷۳- کودکان نیز می توانند برای عمره یا حج مُحَرَّم شوند، و چنانچه خودشان تمیز بدهند «لَبَّيْكَ» را همراه با نیت می گویند، و اگر غیر ممیز باشند کسی از طرف آنها نیت می کند، و لبیک می گوید،

و هرگاه کسی در میقات بیهوش باشد از طرف او نیز می توان نیت کرد و لَبَّيْكَ گفت.

مسئله ۷۴- پیش از گفتن «لَبَّيْكَ» کارهای بیست و پنجگانه ای که بر مُحْرِم حرام است بر او حرام نمی شود،

صفحه ۵۰

هرچند نیت احرام کرده، و لباس احرام را نیز پوشیده باشد، بنابراین اگر قبل از گفتن لَبَّيْكَ چیزی از آنها را به جا آورد کفاره ای ندارد، در حقیقت «لَبَّيْكَ» مانند «اللَّهِ أَكْبَرُ» اول نماز است که تا آن را نگوید وارد نماز نمی شود، و هرگاه شک کند که «لَبَّيْكَ» گفته یا نه، باز هم چیزی بر او حرام نمی شود.

مسئله ۷۵- هرگاه در میقات باشد و شک کند لَبَّيْكَ گفته یا نه باید لَبَّيْكَ را بگوید و اگر از میقات گذشته، احتیاط آن است اگر می تواند باز گردد و بگوید و اگر نمی تواند در همان جا بگوید، و اگر لَبَّيْكَ گفته اما نمی داند صحیح گفته یا نه، بنا بر درست بودن می گذارد و احرامش صحیح است.

سوم: پوشیدن لباس احرام

مسئله ۷۶- شخصی که می خواهد احرام ببندد واجب است قبلاً لباسهایی را که پوشیدنش بر مُحْرِم حرام است از تن بیرون آورد، سپس دو جامه احرام را بر تن کند، یکی را به صورت لنگ دور کمر ببندد (و آن را «إِزار» گویند) و دیگری را مانند عبا بر دوش بیندازد (و آن را «رِدَاء» گویند)، این حکم مخصوص مردان است، و برای زنان پوشیدن این دو جامه، نه زیر لباسها، و نه روی لباسها، لازم نیست.

صفحه ۵۱

مسئله ۷۷- احتیاط واجب آن است که دو جامه احرام و طرز پوشیدن آن به همین شکلی که معمول

است باشد یعنی لنگ را طوری ببندند که لااقل از ناف تا زانو را بپوشاند، و رداء را روی شانه بیفکنند به طوری که بقیه بدن را بپوشاند، ولی جنس و رنگ خاصی در جامه احرام شرط نیست، اما باید دوخته نباشد.

مسأله ۷۸- احتیاط آن است که پوشیدن دو جامه احرام، قبل از نیت و گفتن لَبَّيْكَ، باشد.

مسأله ۷۹- احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند (اما گره زدن آن به دور کمر مانعی ندارد) و بهترین راه آن است که کمر بند روی لنگ ببندد.

اما گره زدن دو طرف رداء مانعی ندارد، همچنین بستن آن به وسیله یک سنجاق، یا گذاشتن سنگی در یک طرف حوله و بستن آن با ریسمانی به طرف دیگر (آن گونه که در میان بعضی از حجاج معمول است) هر چند ترک این امور بهتر است.

صفحه ۵۲

مسأله ۸۰- اگر از روی نادانی یا فراموشی در حالی که پیراهن یا لباسهای معمولی دیگر در تن دارد احرام ببندد، احرام او صحیح است، ولی باید فوراً آن لباس را از تن بیرون آورد و فقط لباس احرام بپوشد، و اگر این کار از روی علم و عمد باشد احتیاط آن است که در این صورت بعد از بیرون آوردن آن لباس و پوشیدن لباس احرام، دوباره نیت کند و لَبَّيْكَ بگوید.

مسأله ۸۱- هرگاه بعد از احرام به خاطر ندانستن مسأله یا فراموشی پیراهن به تن کند، باید آن را از طرف پائین بیرون آورد و اگر ممکن نشد باید آن را بشکافد و بیرون آورد.

مسأله ۸۲- واجب نیست همیشه لباس احرام را به تن داشته باشد، بلکه می تواند برای

شستن یا عوض کردن یا مقصودی دیگر آن را از تن درآورد.

صفحه ۵۳

مسأله ۸۳- هرگاه بیمار باشد و نتواند لباس معمولی خود را در میقات از تن درآورد، کافی است نیت احرام کند و لثیک بگوید، و اگر ممکن است لباسهای معمولی را موقتاً درآورد و لباس احرام بپوشد و مُحْرَم شود، و بعد اگر ناچار است لباس معمولی خود را به تن کند، و اگر در میقات این کار ممکن نشد و بعداً حال او برای پوشیدن لباس احرام مساعد شد احتیاط واجب آن است که اگر توانایی دارد به میقات برگردد و مجدداً احرام ببندد، و اگر بازگشت به میقات میسر نبود از همانجا لباس را عوض می کند و تجدید احرام لازم نیست.

مسأله ۸۴- پوشیدن بیش از دو جامه برای احرام جهت جلوگیری از سرما یا گرما یا غیر آن اشکالی ندارد.

مسأله ۸۵- تمام چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط است در دو جامه احرام نیز شرط می باشد، بنابراین باید

جامه های احرام پاک باشد، و از اجزای حیوان حرام گوشت، یا ابریشم خالص، و زربفت نباشد (در این حکم بنا بر احتیاط واجب فرقی میان زن و مرد نیست هر چند در نماز در مورد پارچه ابریشم و زربفت میان زن و مرد تفاوت است).

صفحه ۵۴

در مواردی که نجس بودن لباس نمازگزار بخشوده شده، در لباس احرام نیز بخشوده است.

مسأله ۸۶- اِزار (لُنگ) باید بدن نما نباشد، و احتیاط آن است که رداء نیز چنین نباشد.

مسأله ۸۷- هرگاه لباس احرام نجس شود باید آن را بشوید و اگر میسر نبود هر وقت برای او ممکن شد می شوید (اگر رداء نجس شود می تواند

موقتاً آن را بردارد.)

کارهایی که در حال احرام حرام است

اشاره

مسأله ۸۸- هنگامی که انسان مُحْرِم می شود کارهای زیر بر او حرام می شود و بعضی دارای کفاره است، بعضی از فقها این کارها را ۲۵ کار می دانند ولی به عقیده ما بعضی از آنها مکروه است که شرح آن خواهد آمد.

صفحه ۵۵

این کارها به ترتیب زیر است:

۱- پوشیدن لباس دوخته (برای مردان)

۲- پوشیدن چیزی که پشت پا را می پوشاند (برای مردان)

۳- پوشانیدن سر (برای مردان)

۴- پوشانیدن صورت (برای زنان)

۵- زینت کردن

۶- سرمه کشیدن

۷- نگاه در آئینه کردن

۸- استعمال بوی خوش

۹- مالیدن کرم و روغن به بدن

۱۰- ناخن گرفتن

۱۱- زیر سایه رفتن در حال سفر (برای مردان)

۱۲- زائل کردن مواز بدن

۱۳- عقد ازدواج

۱۴- نگاه کردن به همسر از روی شهوت

۱۵- لمس کردن

۱۶- بوسیدن

۱۷- نزدیکی کردن

۱۸- استمناء کردن

۱۹- کشتن حشرات

۲۰- و ۲۱- کندن دندان و خارج نمودن خون از بدن

۲۲- مجادله کردن

۲۳- دروغ گفتن

۲۴- صید حیوانات صحرائی

۲۵- حمل اسلحه

شرح احکام این کارهای ۲۵ گانه در مسائل آینده روشن خواهد شد.

۱- پوشیدن لباس دوخته

پوشیدن لباسهایی مانند پیراهن و قبا و شلوار و زیرپیراهن، بر مردان در حال احرام حرام است. بلکه احتیاط واجب آن است که از هر لباس دوخته اجتناب کند، همچنین از لباسهای بافتنی و لباسهایی که قطعات آن را به هم می چسبانند یا مانند نمدها درست می کنند، و به صورت پیراهن و پالتو و شلوار و مانند آن است، هرچند دوختنی نباشد و نخ و سوزن در آن به کار نرود، احتیاط این است که از همه اینها پرهیز کند.

مسأله ۸۹- در لباس دوخته شده تفاوتی میان لباس کوچک و بزرگ نیست ولی انداختن پتوهای که اطراف آن دوخته شده بر

شانه برای دفع سرما و مانند آن، یا کشیدن لحاف دوخته شده به روی بدن (به شرط اینکه سر خود را با آن نپوشاند) اشکال ندارد بلکه اگر لبه های احرامی نیز دوخته باشد ضرری ندارد هر چند احتیاط در ترک آن است.

مسأله ۹۰- بستن همیان بر کمر مانعی ندارد هر چند دوخته شده باشد (همیان چیزی است که پول نقد و مانند آن را در آن می گذارند و بر کمر می بندند) همچنین بستن کمر بند روی احرامی نیز مانعی ندارد، خواه کمر بند دوخته باشد یا غیر دوخته، همچنین بستن شال روی احرامی نیز بی مانع است، هر چند از پارچه دوخته شده باشد، اما احتیاط مستحب در تمام اینها ندوخته بودن است.

صفحه ۵۸

مسأله ۹۱- استفاده از فتق بند هر چند دوخته باشد مانعی ندارد، همچنین کیفهای دوخته ای که احياناً به گردن یا شانه می اندازند، و اشیاء مورد نیاز خود را در آن حفظ می کنند، دوخته بودن آنها ضرری ندارد.

مسأله ۹۲- همان گونه که گفتیم احتیاط واجب آن است که لنگ احرامی را به گردن گره نزنند، اما گره زدن آن به دور کمر مخصوصاً در آنجا که احتیاط به آن باشد، و همچنین گره زدن رداء و یا استفاده از سنجاق برای نگهداشتن رداء یا لنگ مانعی ندارد، ولی بهتر ترک آن است. و آنچه در میان بعضی از حجاج معمول است که سنگی در کنار حوله گذاشته و با یک قطعه کش یا نخ آن را به طرف دیگر می بندند نیز جایز است.

مسأله ۹۳- پوشیدن انواع لباس دوخته برای زنان بی مانع است، مگر دستکش که جایز نیست

صفحه ۵۹

مسأله ۹۴- کسی که عمدتاً یا

در حال اضطرار لباس دوخته بیوشد کفاره آن یک گوسفند است، اما اگر از روی فراموشی یا جهل باشد چیزی بر او نیست

۲- چیزی که تمام پشت پا را بپوشاند (کفش و جوراب)

مسئله ۹۵- پوشیدن کفشهایی که تمام پشت پا را می پوشاند مانند چکمه و گیوه و امثال آن و همچنین جوراب در حال احرام جایز نیست خواه ساق پا را بپوشاند یا نه اما اگر قسمتی از پشت پا را بپوشاند، مانند بند نعلین و کفشهایی که قسمتی از پشت پا در آن بیرون است مانعی ندارد، این حکم مخصوص مردان است، و کفش و جوراب برای زنان اشکال ندارد.

مسئله ۹۶- هرگاه حوله احرامی بلند باشد و پشت پا را بپوشاند، یا مثلاً برای رفع درد پا، پارچه ای را داغ کنند و روی پشت پا بگذارند اشکالی ندارد.

صفحه ۶۰

مسئله ۹۷- هرگاه مرد عمداً یا در حال اضطرار کفش و جوراب بیوشد کفاره ندارد، و احتیاط مستحب آن است که اگر مجبور به پوشیدن کفش و جوراب شود قسمت روی پا را شکاف دهد.

۳- پوشانیدن سر برای مردان

مسئله ۹۸- پوشانیدن تمام سر در حال احرام برای مردان مُحرِم حرام است، و احتیاط واجب آن است که قسمتی از سر را نیز نپوشاند، ولی پوشانیدن سر با دست یا به هنگام خواب به وسیله بالش جایز است، همچنین انداختن بند مشک و ساک و مانند آن بر سر جایز است، پوشانیدن صورت نیز برای مرد مانعی ندارد.

مسئله ۹۹- احتیاط واجب آن است که گوشها را نیز نپوشانند.

مسئله ۱۰۰- دستمالی که برای سردرد به سر می بندند اشکال ندارد و خشک کردن سر با دستمال و حوله نیز اشکالی ندارد مشروط بر این که سر را با آن نپوشانند.

صفحه ۶۱

مسئله ۱۰۱- اگر مُحرِم فراموش کند و سر را بپوشاند مستحب است دوباره لَبِیک بگوید اما واجب نیست.

مسئله ۱۰۲- احتیاط واجب آن است

که سر را با «گل» و «حنا» و مانند آن یا گذاشتن چیزی مانند طبق بر سر، نپوشاند.

مسئله ۱۰۳- جایز نیست مُحرِم سر خود را در آب فرو برد، خواه بقیه بدن زیر آب باشد یا نه، اما ریختن آب بر سر خواه برای غسل باشد یا غیر آن مانعی ندارد، همچنین رفتن زیر دوش و ولی در وان حَمَّام سر خود را زیر آب نکند.

مسئله ۱۰۴- کفّاره پوشانیدن سر به طور عمد برای مردان یک گوسفند است (بنا بر احتیاط واجب) و ولی در صورت جهل و فراموشی کفّاره ندارد.

۴- پوشانیدن صورت برای زنان

اشاره

مسئله ۱۰۵- پوشانیدن صورت برای زنان در حال احرام جایز نیست، خواه به وسیله نقاب باشد یا پوشیه یا بادبزن، و مانند آن، حتی احتیاط واجب آن است به وسیله گل و مانند آن هم صورت خود را نپوشانند.

صفحه ۶۲

مسئله ۱۰۶- پوشانیدن قسمتی از صورت به طوری که نقاب و برقع به آن نگویند حرام نیست، و همچنین پوشانیدن در حال خواب و گذاردن صورت بر بالش و یا پوشانیدن به وسیله دست مانعی ندارد.

مسئله ۱۰۷- جایز است زن چادر خود را پائین بکشد به طوری که نصف یا تمام صورت را فراگیرد، خواه به صورت بچسبید یا نه و ولی احتیاط واجب آن است که این کار را فقط زمانی انجام دهد که می خواهد خود را از مردان بپوشاند و در غیر این حال صورت خود را بازنگهدارد (باز بودن گردی صورت در غیر حال احرام نیز جایز است).

مسئله ۱۰۸- کفّاره پوشانیدن صورت برای زنان یک گوسفند است بنا بر احتیاط مستحب.

۵- زینت کردن

مسئله ۱۰۹- جایز نیست مردان انگشتر زینتی بپوشند ولی انگشترهایی که برای ثواب در دست می کنند، اگر جنبه

صفحه ۶۳

تزئینی ندارد بی اشکال است، بنابراین اگر انگشتر زینتی باشد باید از پوشیدن آن خودداری کند خواه به قصد زینت باشد یا نباشد.

مسئله ۱۱۰- پوشیدن زینت آلات مطلقاً برای زنان در حال احرام جایز نیست، اما زینت آلاتی که قبلاً به طور معمول آن را می پوشید، اگر در حال احرام پنهان باشد مانعی ندارد.

مسأله ۱۱۱- بستن حنا برای مردان و زنان اگر جنبه زینت داشته باشد در حال احرام جایز نیست.

مسأله ۱۱۲- احتیاط واجب آن است که مُحْرِم خواه زن باشد یا مرد، از

پوشیدن هرگونه زینت آلات دیگر نیز اجتناب کند، حتی احرامی زینتی یا نعلین تزئین شده نپوشد و از هرگونه آرایش سر و صورت و سایر اعضای بدن پرهیز نماید.

مسئله ۱۱۳- رنگ کردن موها در صورتی که به آن تزئین گفته شود برای مُحرِم اشکال دارد، هرچند قصد زینت نکرده باشد، و در صورتی که جنبه تزئین نداشته باشد (مثل این که برای درمان حنا ببندد) مانعی ندارد، همچنین رنگ کردن موها و بستن حنا قبل از احرام به طوری که اثرش تا موقع احرام باقی بماند اشکالی ندارد، مگر این که از اول قصد تزئین خود برای حالت احرام داشته باشد.

صفحه ۶۴

۶- سر مه کشیدن

مسئله ۱۱۴- سر مه کشیدن برای زنان و مردان با مواد سیاه یا غیر آن اگر جنبه زینت داشته باشد در حال احرام حرام است، و اگر جنبه زینت ندارد مثلاً برای درمان چشم سر مه بکشد و شکل زینت به خود نگیرد اشکالی ندارد.

۷- نگاه کردن در آئینه

مسئله ۱۱۵- نگاه کردن در آئینه برای تزئین خود، و اصلاح سر و وضع خویش در حال احرام جایز نیست، خواه مرد باشد یا زن، اما برای هدفهای دیگر مثل نگاه کردن رانندگان در آئینه برای دیدن اطراف اتومبیل، یا نگاه پزشک برای دیدن دهان و دندان بیمار، یا نگاه به آئینه بی آن که عکس خویش را در آن ببیند، یا نگاه کردن به آئینه برای دیدن محل زخم صورت و مانند آن، مانعی ندارد.

صفحه ۶۵

مسئله ۱۱۶- نگاه کردن در آب صاف و اشیاء صیقلی برای اصلاح سر و وضع خویش حکم نگاه در آئینه را دارد و در حال احرام جایز نیست.

مسئله ۱۱۷- اگر بدون اختیار چشمش به آئینه بیفتد اشکالی ندارد، و بهتر این است در ایام حج در اطاقهایی که افراد مُحرِم سکونت دارند روی آئینه چیزی بیندازند که نگاه غیر اختیاری نیز به آن نیفتد.

مسئله ۱۱۸- نگاه کردن در شیشه اطاق یا شیشه عینک که پشت آن پیدا است در حال احرام بی مانع است.

۸- استعمال بوی خوش

مسئله ۱۱۹- استعمال بوی خوش، مانند انواع عطرها، و مشک و زعفران و گلاب، و غیر آن خواه از طریق بوئیدن باشد، یا مالیدن بر بدن و لباس یا پراکندن در فضای اطاق به وسیله اسپری یا خوردن غذاهای معطر، بر مرد و زن مُحرِم حرام است.

مسأله ۱۲۰- خوردن میوه های خوشبو مانند سیب و پرتقال و غیر آن مانعی ندارد، ولی بهتر است از بوئیدن آنها خودداری شود.

مسأله ۱۲۱- مُحَرَّم نمی تواند با صابونهای عطری یا شامپوهای معطر خود را بشوید، و لازم است از گذاشتن این گونه اشیاء در کنار لباس احرامی خود که

سبب بو گرفتن آنها می شود خودداری کند و حجاج باید این گونه اشیاء را در ساکهای لباس احرامی خود قرار ندهند.

مسئله ۱۲۲- هرگاه مُحرِم در جائی قرار بگیرد که بوی خوش در آنجا باشد باید چیزی در برابر بینی خود قرار دهد که بوی خوش را استشمام نکند؛ مگر این که موجب عسر و حرج شود، ولی بعکس اگر از محلی بگذرد که بوی بد در آنجا است نباید بینی خود را بگیرد، ولی می تواند با سرعت از آنجا بگذرد.

مسئله ۱۲۳- بوئیدن گلها بنا بر احتیاط واجب برای مُحرِم جایز نیست.

صفحه ۶۷

۹- مالیدن انواع روغنها و کرمها به بدن

اشاره

مسئله ۱۲۴- مالیدن هر نوع روغن و کرم به بدن خواه معطر باشد یا نه برای مُحرِم جایز نیست، حتی مالیدن روغنهای خوشبو قبل از احرام در صورتی که عطر آن در حال احرام باقی بماند ممنوع است، اما روغن و کرم غیر معطر قبل از احرام مانعی ندارد.

مسئله ۱۲۵- خوردن غذاهای چرب هر چند اطراف دست و دهان را چرب کند برای مُحرِم جایز است.

مسئله ۱۲۶- مالیدن انواع پمادها بر بدن برای معالجه و درمان مانعی ندارد.

۱۰- ناخن گرفتن

مسئله ۱۲۷- گرفتن ناخن دست یا پا، حتی گرفتن یک ناخن یا بعضی از آن، بر مُحرِم حرام است، ولی اگر ناخن آسیب دیده و ماندنش ضرر دارد، یا مایه ناراحتی شدید است می تواند آن را قطع کند.

مسئله ۱۲۸- هرگاه گرفتن ناخن از روی فراموشی یا ندانستن مسئله بوده باشد چیزی بر او نیست، و اگر از روی عمد باشد کفّاره گرفتن هر ناخن یک مدّ طعام است (حدود ۷۵۰ گرم) و هرگاه تمام ناخن دستها را بگیرد کفّاره آن یک گوسفند است، همچنین اگر تمام ناخنهای دست و پا را در یک مجلس بگیرد کفّاره آن یک گوسفند است، اما اگر ناخن دستها را در یک مجلس و ناخن پاها را در مجلس دیگر بگیرد، کفّاره آن، دو گوسفند است.

صفحه ۶۸

مسئله ۱۲۹- تفاوتی در گرفتن ناخنها با قیچی و ناخن گیر و حتی با دندان نیست.

مسئله ۱۳۰- در صورت اضطرار و ناچاری می تواند ناخن را بگیرد، ولی احتیاط واجب آن است که همان کفّاره را بدهد.

مسأله ۱۳۱- هرگاه مُحرِم به فتوای کسی (یا به نقل فتوا توسط شخصی) ناخن خود را در حال احرام بگیرد، و

خون بیاید یک گوسفند کفّاره بر فتوا دهنده واجب می شود، بلکه بنا بر احتیاط اگر خون هم نیاید یک گوسفند واجب است.

صفحه ۶۹

۱۱- زیر سایه رفتن در حال سفر

مسأله ۱۳۲- مرد مُحْرِم هنگام سفر نباید زیر سایه برود، یا سایبانی مانند چتر بر سر بگیرد، بنابراین سوار شدن بر هواپیما یا اتومبیل سرپوشیده و مانند آن برای مردان مُحْرِم جایز نیست، ولی برای زنان جایز است.

مسأله ۱۳۳- در منازل وسط راه یا در مکه و عرفات و مشعر و منی، رفتن زیر خیمه و سقف منزل مانعی ندارد، همچنین گذشتن از بازارهای سرپوشیده و تونلهائی که برای عابران درست کرده اند.

مسأله ۱۳۴- در مواقعی که سایبان اثری برای حفظ از آفتاب و باران و سرما ندارد، رفتن مردان مُحْرِم زیر سایبان در حال سفر مانعی ندارد بنابراین مردان مُحْرِم می توانند در این شبها یا بین الطلوعین یا روزهای کاملاً ابری از ماشین سقف دار یا هواپیما استفاده کنند، ولی در شبهای بارانی و سرد استفاده از سایبان کفّاره دارد.

مسأله ۱۳۵- گذشتن از زیر پلهای وسط راه مانعی ندارد، و همچنین بودن در سایه ای که از دیواره های اتومبیل سرباز به وجود می آید جایز است.

صفحه ۷۰

مسأله ۱۳۶- بیماران و کسانی که از حرارت آفتاب شدیداً ناراحت می شوند، یا تابش آفتاب به آنها زیان می رساند می توانند از ماشین سقف دار و مانند آن استفاده کنند، اما باید کفّاره بدهند (کفّاره آن در مسأله بعد خواهد آمد).

مسأله ۱۳۷- هرگاه مُحْرِم از روی سهو و فراموشی یا جهل زیر سایه برود کفّاره ندارد، اما اگر عمداً یا به خاطر ضرورتی باشد کفّاره دارد و کفّاره آن یک گوسفند برای

هر احرام است، یعنی برای مجموع احرام عمره یک گوسفند، و برای مجموع احرام حج نیز یک گوسفند واجب است.

مسئله ۱۳۸- بهتر است کفاره های مربوط به احرام عمره را در مکه و مربوط به احرام حج را در منی ذبح کنند، ولی جایز است آن را به تأخیر اندازند و در وطن انجام دهند بلکه در شرایط فعلی که پیدا کردن مستحق در آنجا مشکل است اولی آن است که در وطن انجام دهند، ولی مراقب باشند فراموش نکنند.

مسئله ۱۳۹- گوسفند کفاره باید تماماً به مصرف فقرا برسد و شخصاً از آن چیزی نخورد.

صفحه ۷۱

۱۲- زایل کردن مواز بدن

مسئله ۱۴۰- مُحَرَّم نباید مواز بدن خود جدا کند، خواه با تراشیدن باشد یا قیچی کردن، یا کندن به هر وسیله دیگر، خواه شخصاً این کار را انجام دهد، یا دیگری را وادارد که او را اصلاح نماید، حتی یک مواز بدن جدا کردن جایز نیست، و فرقی میان اعضای بدن نمی باشد.

مسئله ۱۴۱- شانه زدن موی سر و صورت اگر بداند سبب جدائی موها می شود جایز نیست، بلکه احتیاط آن است که در حال احرام از شانه کردن موها خودداری کند، و هنگام خاراندن بدن نیز باید مواظب باشد موئی جدا نشود.

مسئله ۱۴۲- هرگاه داشتن مو سبب بیماری گردد، یا ناراحتی شدید تولید کند، جایز است آن را زایل کند، ولی کفاره دارد، و کفاره آن در مسئله آینده می آید.

مسئله ۱۴۳- هرگاه عمداً سر خود را بتراشد، یا موهای زیر هر دو بغل یا یکی را زایل کند، کفاره آن یک گوسفند است، ولی اگر از روی ضرورت سر خود را بتراشد مخیر است میان

یک گوسفند، یا سه روز روزه، یا اطعام شش فقیر به هر کدام دو مدّ طعام (تقریباً یک کیلو و نیم) و احتیاط واجب آن است که در زایل کردن موی زیر بغل نیز همین کفّاره را بدهد، اما اگر مقداری از موی سر یا صورت یا زیر گلو یا زیر بغل و مانند آن را زایل کند، یک فقیر را اطعام نماید کافی است.

صفحه ۷۲

مسأله ۱۴۴- اگر از روی ندانستن مسأله، یا فراموشی و غفلت موی بدن را زایل کند کفّاره ندارد، و هرگاه در موقع وضو و غسل دست بر بدن بکشد و موهائی کنده شود چیزی بر او نیست، اما اگر بدون هدفی دست بر سر و صورت یا بدن بکشد و موهائی از او جدا شود احتیاط واجب آن است که مقداری غذا به فقیر دهد.

مسأله ۱۴۵- مُحرّم نمی تواند مو از بدن دیگری زایل کند خواه طرف مقابل مُحرّم باشد یا غیر مُحرّم، خواه با تیغ باشد یا قیچی، یا وسیله دیگر (ولی این کار کفّاره ندارد) بنابراین در منی به هنگام بیرون آمدن از احرام، افراد مُحرّم نمی توانند سر دیگران را بتراشند، یا اصلاح کنند، بلکه باید اوّل خودشان از احرام بیرون آیند و بعد چنین کنند.

صفحه ۷۳

۱۳- عقد ازدواج

مسأله ۱۴۶- ازدواج کردن در حال احرام برای مُحرّم جایز نیست، خواه خودش صیغه عقد را بخواند، یا به دیگری وکالت دهد، خواه عقد دائم باشد یا موقت، و در این حال عقد او باطل است، و در صورتی که علم به حرام بودن آن داشته باشد و اقدام به این کار کند، آن همسر برای او حرام ابدی خواهد شد.

همچنین جایز

نیست مُحَرِّم برای دیگری صیغه عقد بخواند، هر چند او غیر مُحَرِّم باشد و در این صورت نیز عقد او باطل است، اما حرام ابدی نمی شود، و در هیچ یک از این دو صورت کفاره واجب نیست.

مسئله ۱۴۷- جایز نیست مُحَرِّم در مجلس عقد ازدواج برای شاهد بودن حضور پیدا کند، همچنین (بنا بر احتیاط واجب) جایز نیست شهادت بر انجام عقد ازدواج دهد، یا برای خود یا دیگری خواستگاری کند.

صفحه ۷۴

۱۴ و ۱۵ و ۱۶- نگاه کردن و لمس کردن و بوسیدن

مسئله ۱۴۸- جایز نیست مُحَرِّم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند، یا دست بر بدن او بگذارد، یا ببوسد، ولی نگاه و لمس بدون قصد لذت مانعی ندارد، و احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را نیز ترک کند.

مسئله ۱۴۹- هر گاه به قصد لذت به همسر خود نگاه کند یا او را لمس نماید باید یک گوسفند کفاره بدهد، و اگر با این کار انزال منی از او شود احتیاط واجب یک شتر است و اگر همسر خود را به قصد لذت ببوسد یک شتر بر او واجب می شود، خواه انزال شود یا نه.

۱۷- نزدیکی کردن

مسئله ۱۵۰- نزدیکی با زن در حال احرام ممنوع است و این سه حالت دارد:

۱- هر گاه در احرام حج از روی علم و عمد نزدیکی کند چنانچه قبل از وقوف به مشعرالحرام صورت گیرد حج او فاسد می شود، ولی باید آن را تمام کرده و سال آینده اعاده نماید، و کفاره آن یک شتر است، و باید آن زن و مرد، (بنا بر احتیاط واجب) تا آخر مناسک حج از هم جدا شوند یا این که شخص سومی با آنها باشد و در سال بعد نیز هنگامی که به آن مکان که عمل در آن واقع شده می رسند، باید از هم جدا شوند تا پایان اعمال حج.

صفحه ۷۵

حکم زن نیز اگر از روی علم و عمد و اختیار باشد همین است، ولی اگر همسرش او را مجبور کرده باشد کفاره ندارد، و مرد باید دو کفاره بدهد.

و اگر این عمل بعد از وقوف در مشعرالحرام و قبل از طواف نساء صورت گیرد حج آنها

صحیح است ولی گناه کرده و یک شتر کفّاره دارد.

۲- هرگاه نزدیکی عمداً در عمره تمتّع واقع شده باشد بنا بر احتیاط واجب یک شتر بر او است، ولی عمره او باطل نمی شود خواه این عمل قبل از سعی صفا و مروه باشد یا قبل از تقصیر و بیرون آمدن از احرام، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر قبل از سعی باشد عمره را در صورت امکان تمام کرده، سپس عمره را اعاده کند، و اگر ممکن نشد سال بعد حجّ تمتّع را از نو به جا آورد.

صفحه ۷۶

۳- هرگاه این عمل در عمره مفرده واقع شده باشد اگر قبل از اتمام سعی صفا و مروه باشد عمره او باطل است و یک شتر باید کفّاره بدهد، و احتیاط واجب آن است که عمره را تمام کرده و یک ماه صبر کند، سپس به یکی از میقاتها رفته مجدداً احرام ببندد و عمره مفرده را اعاده کند، و فرقی میان عمره واجب و مستحب نیست. اما اگر بعد از طواف و سعی (و قبل از تقصیر) باشد عمره او باطل نخواهد شد.

مسأله ۱۵۱- هرگاه از روی فراموشی یا غفلت یا ندانستن مسأله نزدیکی کند ضرری به حج یا عمره او نمی زند، کفّاره هم ندارد.

مسأله ۱۵۲- اگر با همسر خود نزدیکی بدون جماع کند باید یک شتر کفّاره بدهد، ولی حج در سال آینده لازم نیست، حکم زن نیز همین گونه است و در صورت اکراه، مانند مسائل سابق است.

صفحه ۷۷

مسأله ۱۵۳- کفّاره در همه این موارد بنا بر احتیاط واجب یک شتر است، و فرقی میان همسر دائم و موقت نیست، همچنین نزدیکی از جلو و عقب

هر دو در این احکام یکسان است.

مسأله ۱۵۴- احکام بالا در حج واجب و مستحب و حج نیابت یکسان است، ولی در صورت ارتکاب این عمل اجیر حق مال الاجاره را دارد، اما باید به وظایف بالا عمل کند (اینها همه در صورت عمد است).

۱۸- استمناء کردن

مسأله ۱۵۵- هرگاه مُحْرِم با آلت خود بازی کند و منی از آن بیرون آید حکمش حکم کسی است که با زنی نزدیکی کرده باشد که شرح آن در مسائل سابق گذشت و اگر با همسر خود بازی کند یا به وسیله نگاه کردن یا فکر و خیال نمودن چنین صحنه هائی، منی از او خارج گردد کفاره بر او واجب است، بلکه احتیاط واجب آن است که تمام احکام جماع را دارد که در مسائل سابق گذشت.

صفحه ۷۸

۱۹- کشتن حشرات

مسأله ۱۵۶- احتیاط واجب آن است که مُحْرِم حشرات را مانند پشه و مگس و شپش و امثال آن نکشد، چه روی بدن یا لباس او باشد یا نباشد، و هیچ جنبنده ای را به قتل نرساند، مگر این که مایه آزار او شوند، یا حیوانات موزی و خطرناک مثل مار و عقرب و مانند آنها باشد، حتی احتیاط واجب آن است که حشرات مذکور را از بدن نیفکنند، و اگر از روی خطا چنین کرد، مقداری طعام به فقیر دهد.

۲۰- بیرون آوردن خون از بدن

مسأله ۱۵۷- بیرون آوردن خون از بدن خواه به وسیله حجامت باشد، یا جراحی، یا مسواک نمودن و خاراندن بدن، به طوری که خون از آن خارج شود، در غیر حال احتیاج و ضرورت مکروه است، و چون جمعی از فقهاء آن را حرام می دانند احتیاط مستحب ترک آن است، حتی بهتر است که از دادن خون به روش امروز در حال احرام نیز خودداری کند، مگر در مواقع ضرورت و برای حفظ جان مسلمانی.

صفحه ۷۹

۲۱- کشیدن دندان

مسأله ۱۵۸- کشیدن یا کندن دندان اگر باعث خونریزی شود حکم آن همان است که در مسأله قبل گفته شد، یعنی این کار در حال احرام مکروه است، ولی اگر موجب خونریزی نشود اشکالی ندارد، هرچند احتیاط مستحب ترک آن است.

۲۲- دروغ گفتن و دشنام دادن و تفاخر نمودن

مسأله ۱۵۹- دروغ گفتن و دشنام دادن در همه حال حرام است، ولی در حال احرام بخصوص نهی شده، یعنی از کارهائی است که مُحرّم باید آن را ترک کند، بلکه احتیاط واجب آن است که از اظهار برتری بر دیگران یا بیان نقص دیگران نسبت به خود نیز اجتناب کند، و این سه کار طبق بعضی از روایات، که از معصومین (علیهم السلام) نقل شده، در معنی «فُسُوق» در آیه شریفه فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ (۱) جمع است و هرگاه کسی این امور را انجام دهد کار خلاف کرده، ولی احرام او باطل نمی شود، و کفّاره آن استغفار است، و بهتر این است که انسان در حال احرام زبان خود را از هر سخن ناروا و زشت حفظ کند و جز به نیکی سخن نگوید.

پاورقی

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۷.

صفحه ۸۰

۲۳- مجادله و نزاع

مسأله ۱۶۰- «جدال» در حال احرام ممنوع است همان گونه که در آیه بالا به آن اشاره شده است، و منظور از «جدال» در اینجا آن است که از روی خصومت و دشمنی برای اثبات مطلبی در مقابل دیگری به خدا سوگند یاد کند و بگوید: «بلی و اللّٰه» یعنی «آری به خدا سوگند که مطلب چنین است»، یا برای نفی مطلبی بگوید: «لا و اللّٰه» یعنی «نه به خدا سوگند مطلب چنین نیست» و فرقی در میان عربی و فارسی و زبانهای دیگر نمی باشد، هر عبارتی این مفهوم را بدهد در حال احرام حرام است.

مسأله ۱۶۱- سوگند دروغ و راست در این حکم یکسان است، ولی اگر قسم دروغ باشد کفّاره آن در همان مرتبه اوّل یک گوسفند است،

و اگر راست باشد چنانچه سه مرتبه تکرار کند، کفاره اش یک گوسفند می باشد، اما کمتر از سه بار کفاره ندارد، هر چند کار خلافی کرده، و باید استغفار کند.

صفحه ۸۱

مسأله ۱۶۲- بهتر است که در حال احرام از هر نوع مجادله و خصومت پرهیزد، هر چند جمله های قسم که در بالا گفته شد در آن نباشد، ولی اظهار تنفر و بیزاری و براءت از دشمنان اسلام نه تنها ضرری برای احرام ندارد بلکه از وظایف مسلمین در برابر کفار می باشد.

مسأله ۱۶۳- هر گاه از روی محبت (نه به خاطر خصومت) بگوید به خدا قسم این کار را نکن، یا بگوید به خدا سوگند بگذار من برای تو انجام دهم، حرام نیست و کفاره هم ندارد.

۲۴- شکار کردن حیوانات صحرائی

مسأله ۱۶۴- شکار کردن حیوانات صحرائی یا ذبح آنها در حال احرام، حرام است، همچنین شکار پرندگان. و فرقی نمی کند که به تنهایی شکار کند، یا به کمک دیگران، همچنین حرام است نشان دادن شکار به شخص شکار کننده، یا بستن و نگهداری آن، یا خوردن گوشت شکار، (هر چند دیگری شکار کرده یا خودش قبل از احرام آن را شکار کرده باشد).

صفحه ۸۲

مسأله ۱۶۵- کشتن ملخ نیز برای مُحْرِم جایز نیست بنابراین اگر از راهی بگذرد که ملخ در آن است چنانچه می تواند، راه خود را تغییر دهد، و اگر نمی تواند باید مواظب باشد ملخ ها را پایمال ننماید، ولی در صورت ناچاری و مشقت و عسر و حرج اشکالی ندارد، همچنین کشتن حیوانات موذی مانند مار و عقرب و درندگان در جایی که ایجاد خطر نمایند جایز است.

مسأله ۱۶۶- ذبح حیوانات اهلی مانند مرغ خانگی و گاو

و گوسفند و شتر در حال احرام اشکالی ندارد

مسئله ۱۶۷- شکار حیوانات دریائی برای مُحَرَّم جایز است.

صفحه ۸۳

مسئله ۱۶۸- برای کشتن و شکار کردن هر یک از حیوانات صحرا کفّاره ای معین شده است، ولی چون در حال حاضر این مسئله چندان مورد ابتلا نیست از شرح آن در این مختصر صرفنظر می شود.

۲۵- برداشتن سلاح

مسئله ۱۶۹- مُحَرَّم نباید با خود اسلحه بردارد خواه اسلحه گرم باشد یا سرد، بلکه احتیاط آن است که از سلاحهای دفاعی مانند سپر و امثال آن نیز استفاده نکند، ولی در موارد ضرورت و خطر و ترس از دزد و حیوان درنده و دشمن هر نوع سلاحی لازم باشد جایز است.

مسئله ۱۷۰- آنچه ممنوع است در بر کردن اسلحه و حمل نمودن با خویش است مانند بستن شمشیر به کمر و گرفتن تفنگ بر دوش یا با دست، ولی اگر در خانه و خیمه و اثاث اتومبیل او بوده باشد برای احرام او ضرر ندارد هر چند احتیاط مستحب آن است که آن را نیز در غیر موارد ضرورت ترک کند.

صفحه ۸۴

مسئله ۱۷۱- هرگاه عمداً اسلحه با خود بردارد احتیاط آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد.

کفّارات احرام

مسئله ۱۷۲- کفّارات احرام به شرح زیر است:

۱- کفّاره لباس دوخته عمداً یا در حال اضطرار یک گوسفند است و در حال فراموشی و جهل کفّاره ندارد.

۲- پوشیدن کفشی که تمام پشت پا را بگیرد و جوراب برای مردان جایز نیست؛ ولی کفّاره ندارد هر چند عمداً باشد.

۳- کفّاره پوشیدن سر به طور عمد برای مردان بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند و در حال جهل و فراموشی کفّاره ندارد.

۴- کفّاره پوشانیدن صورت برای زنان بنا بر احتیاط مستحب یک گوسفند است.

۵- کفّاره گرفتن ناخن عمداً برای هر ناخن یک مدّ طعام است (حدود ۷۵۰ گرم) و اگر تمام دست ها را بگیرد یا ناخنهای دست و پا را در یک مجلس بگیرد کفّاره آن یک گوسفند است؛ ولی اگر ناخن دستها را در یک مجلس و ناخن پاها را در

مجلس

دیگری بگیرد، دو گوسفند کفّاره دارد و در صورت فراموشی کفّاره ندارد و در صورت اضطرار و ناچاری احتیاط واجب آن است که همان کفّاره را بدهد.

صفحه ۸۵

۶- کفّاره زیر سایه رفتن در حال سفر عمدتاً و در حال اضطرار برای هر احرام یک گوسفند است؛ یعنی برای احرام عمره یک گوسفند و برای احرام حج نیز یک گوسفند است و در حال سهو و فراموشی و جهل کفّاره ندارد.

۷- کفّاره تراشیدن سر یا موهای زیر بغل (هر دو یا یکی) عمدتاً، یک گوسفند است، ولی در حال ضرورت در تراشیدن سر مخیر است میان یک گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام شش فقیر به هر کدام دو مدّ طعام، و احتیاط واجب در زایل کردن موی زیر بغل نیز همین کفّاره است؛ اما زایل کردن مقداری از موی سر یا صورت یا زیر گلو یا زیر بغل و مانند آن کفّاره آن اطعام یک فقیر است؛ ولی در صورت جهل به مسأله یا فراموشی و غفلت، کفّاره ندارد

صفحه ۸۶

۸- ازدواج برای خود یا اجرای صیغه عقد برای دیگران کفّاره ندارد.

۹- ۱۰- ۱۱- هرگاه به قصد لذّت به همسر خود نگاه کند یا او را لمس نماید باید یک گوسفند کفّاره بدهد و اگر با این کار انزال منی شود احتیاط واجب یک شتر است و اگر همسر خود را به قصد لذّت ببوسد یک شتر بر او واجب می شود، خواه انزال شود یا نه.

۱۲- کفّاره نزدیکی صورتهای مختلفی دارد که در مسائل «۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳» ذکر شده است.

۱۳- استمناء از نظر کفّاره شبیه نزدیکی است.

۱۴- کشتن حشرات مقداری طعام کفّاره

دارد؛ خواه عمداً باشد یا از روی خطا، بنا بر احتیاط واجب.

۱۵- دروغ گفتن، دشنام دادن و تفاخر نمودن کفّاره اش استغفار است.

۱۶- کفّاره قسم دروغ مرتبه اوّل یک گوسفند و اگر راست باشد و سه مرتبه تکرار کند کفّاره اش باز هم یک گوسفند است؛
اما کمتر از سه بار کفّاره ندارد.

صفحه ۸۷

۱۷- کفّاره حمل سلاح عمداً بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

۱۸- کفّاره استعمال بوی خوش از روی عمد بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند است.

۱۹- سرمه کشیدن کفّاره ندارد؛ مگر این که بوی خوش داشته باشد که کفّاره بوی خوش را دارد.

۲۰- نگاه کردن به آئینه کفّاره ندارد؛ لکن مستحبّ است بعد از نگاه کردن لثیک بگوید.

۲۱- پوشیدن زیورآلات حرام است، ولی کفّاره ندارد.

۲۲- اگر در روغن مالیدن به بدن بوی خوش باشد کفّاره آن یک گوسفند است، هر چند از روی اضطرار باشد.

۲۳- خون از بدن در آوردن کفّاره ندارد.

۲۴- کشیدن دندان بنا بر احتیاط مستحبّ یک گوسفند کفّاره دارد.

۲۵- در قطع گیاه حرم کفّاره ای نیست، جز استغفار.

صفحه ۸۸

۲- طواف

اشاره

مسأله ۱۷۳- دوم از واجبات عمره، طواف است؛ طواف یعنی گردش به دور خانه خدا (هفت دور) هم در عمره واجب است و هم در حج (یک مرتبه در عمره و دو بار در حج).

مسأله ۱۷۴- در طواف پنج چیز شرط است:

اوّل: «تیت» زیرا طواف از عبادات است و بدون تیت همراه با قصد قربت، صحیح نیست.

دوم: «طهارت از حدث» یعنی وضو داشتن و پاک بودن از جنابت و حیض و نفاس، و این در صورتی است که طواف واجب باشد، اما در طواف مستحب طهارت شرط نیست، هر چند افضل آن است که طهارت داشته باشد،

و اگر جنب بوده، و فراموش کرده است طواف مستحب او نیز صحیح است، اما در صورت علم و آگاهی چون بودن جنب در مسجد الحرام حرام است طواف او صحیح نمی باشد.

صفحه ۸۹

مسئله ۱۷۵- هرگاه دسترسی به آب پیدا نکند، یا از استعمال آب معذور باشد می تواند به جای آن تیمم کند، خواه تیمم بدل از غسل باشد یا بدل از وضو، و طواف را به جا آورد.

مسئله ۱۷۶- هرگاه زنی حائض باشد و نتواند طواف و نماز طواف را با طهارت قبل از وقوف به عرفات به جا آورد باید عدول به حج افراد کند، و بعد از اتمام حج، عمره مفرده با طهارت انجام دهد، خواه حائض شدن قبل از احرام باشد یا بعد از احرام، حکم زن زائو نیز همین است. ولی بانوان می توانند با خوردن قرص عادت را به عقب بیندازند و طواف حج و عمره را به جا آورند.

مسئله ۱۷۷- هرگاه کسی مشغول طواف واجب باشد و وضوی او باطل شود تجدید وضو می کند و باز می گردد، اگر حداقل چهار دور را تمام کرده باشد دنباله آن را به جا می آورد، و اگر کمتر از چهار دور بوده است از اول شروع می کند، و اگر زن در حال طواف، عادت ماهانه ببیند حکم او نیز بعد از پاک شدن همین است.

صفحه ۹۰

مسئله ۱۷۸- اگر به خاطر پیش آمدن حاجت ضروری برای خودش یا یکی از برادران و خواهران دینی طواف واجب خود را قطع کند مطابق مسئله سابق عمل می نماید.

مسئله ۱۷۹- اگر در اثناء طواف بیماری شدیدی به او دست دهد که قادر به

اتمام طواف نباشد، طواف را قطع می کند، اگر چهار دور را تکمیل کرده بعد از بهبودی باقیمانده را به جا می آورد و اگر کمتر از آن باشد طواف را از سر می گیرد، و اگر بیماری ادامه یافت و نتوانست شخصاً طواف کند او را طواف می دهند، و اگر به این صورت نیز نتوانست طواف کند، نایب می گیرد.

مسئله ۱۸۰- هرگاه طواف مستحب را رها کند و دنبال کاری برود (خواه ضروری باشد یا غیر ضروری) هنگامی که بازمی گردد از همانجا که رها کرده ادامه می دهد، خواه چهار دور تمام شده باشد یا نه.

صفحه ۹۱

مسئله ۱۸۱- نشستن در حال طواف برای رفع خستگی مانعی ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که موالات عرفی به هم نخورد (یعنی مطابق معمول طواف را پشت سر هم و بدون فاصله زیاد به جا آورد).

سوم: «طهارت» از نجاست است.

مسئله ۱۸۲- بدن و لباس طواف کننده خواه طواف واجب باشد یا مستحب باید از هر نجاستی پاک باشد، حتی بعضی از نجاسات که در نماز بخشوده شده (مانند خون کمتر از یک درهم) در طواف بخشوده نیست، ولی در مورد خون زخمها اگر شستن آن باعث مشقت و عسر و حرج باشد ضروری برای طواف ندارد.

مسئله ۱۸۳- لباسهای کوچک (مانند جوراب و شب کلاه و همیان که به تنهایی با آنها نمی توان ستر عورت کرد) اگر نجس باشد عیبی ندارد.

مسئله ۱۸۴- هرگاه لباس یا بدن نجس باشد و نداند، یا می دانسته و فراموش کرده است، چنانچه بعد از طواف بفهمد، طوافش صحیح است، و اگر در حال طواف بفهمد باید لباس خود را عوض

کند، و با لباس پاک، طواف را ادامه دهد، و اگر لباس پاکی همراه ندارد طواف را متوقف می کند، و لباس یا بدن را آب می کشد، سپس باقیمانده طواف را به جا می آورد و طوافش صحیح است، خواه قبل از تکمیل کردن چهار دور باشد یا بعد از آن.

صفحه ۹۲

چهارم: ختنه است.

مسئله ۱۸۵- هرگاه مردی ختنه نکرده باشد طوافش باطل است، و احتیاط واجب آن است که پسر بچه نیز ختنه کرده باشد.

مسئله ۱۸۶- هرگاه کسی از روی عمد یا فراموشی یا ندانستن مسئله، طواف را بدون ختنه انجام دهد، طوافش باطل است.

مسئله ۱۸۷- هرگاه مکلف ختنه نشده باشد و مستطیع گردد (مانند کسی که تازه مسلمان شده) چنانچه بتواند ختنه کند باید در همان سال به حج رود، و اگر نتواند، حج را به تأخیر می اندازد تا ختنه کند، و اگر ختنه کردن همیشه برای او ضرر دارد باید با همان حال حج را به جا آورد (ولی احتیاط مستحب آن است که علاوه بر طواف کردن خودش، نائب هم بگیرد تا برای او طواف کند).

صفحه ۹۳

پنجم: پوشانیدن عورت است.

مسئله ۱۸۸- پوشاندن عورت بر طواف کننده واجب است بلکه لازم است بدن خود را طوری بپوشاند که نگیند بدنش برهنه است.

مسئله ۱۸۹- احتیاط واجب آن است که تمام شرایط لباس نماز گزار را در حال طواف رعایت کند.

واجبات طواف

مسئله ۱۹۰- در طواف هفت چیز واجب است:

اول و دوم: باید طواف را از «حجرالاسود» شروع کند، و به «حجرالاسود» ختم نماید، و همین اندازه که در عرف بگویند از حجرالاسود شروع کرده و به آن خاتمه داده کافی است، و دقت در محاذی

بودن اجزای بدن با اجزای حجرالاسود لازم نیست، ولی احتیاط واجب آن است که کمی قبل از حجرالاسود شروع کند و کمی بعد از آن ختم نماید تا یقین حاصل کند که هفت دور تمام انجام داده است.

صفحه ۹۴

سوم: واجب است طوری طواف کند که خانه کعبه طرف دست چپ او باشد، همان گونه که معمول همه مسلمین است، و طواف در طبقات بالای مسجدالحرام در غیر حال ضرورت خالی از اشکال نیست.

مسأله ۱۹۱- لازم نیست شانه چپ در تمام حالات محاذی کعبه باشد، بلکه همین اندازه که مطابق معمول خانه کعبه را دور بزنند کافی است، حتی اگر گاهی رو به کعبه کند بعد به راه خود ادامه دهد مانعی ندارد، و آنچه بعضی از عوام در مورد محاذی بودن دائمی شانه چپ با کعبه (حتی موقعی که به حجر اسماعیل می رسند) انجام می دهند، هیچ لزومی ندارد، بلکه اگر موجب وهن مذهب گردد طوافشان اشکال دارد، و بهتر این است که به جای این گونه احتیاطهای بیجا در مورد محاذی بودن شانه چپ در تمام حالات، حضور قلب داشته باشند و مناجات و راز و نیاز با پروردگار کنند، و همانند سایر مسلمین کعبه را دور بزنند.

صفحه ۹۵

چهارم: واجب است «حجر اسماعیل» را داخل طواف کند، یعنی از بیرون حجر اسماعیل کعبه را دور بزنند، بنابراین اگر از داخل «حجر اسماعیل» طواف کند باید آن دور را نادیده گرفته و از حجرالاسود اعاده نماید (ولی نظر به این که به عقب برگشتن در این گونه موارد با ازدحام جمعیت مشکل است بهتر این است که همراه طواف کنندگان آن دور را بدون نیت

ادامه

دهد، تا به حجرالاسود برسد، سپس نیت می کند و آن دور را ادامه می دهد.

پنجم: طواف باید در خارج خانه کعبه باشد، بنابراین طواف در داخل خانه کعبه جایز نیست. همچنین جایز نیست روی آن قسمت از کناره کعبه که «شاذروان» نام دارد، طواف کند (هرچند امروز شاذروان طوری ساخته شده که عملاً امکان طواف روی آن نیست) و نیز جایز نیست روی دیوار «حجر اسماعیل» برود و طواف کند.

صفحه ۹۶

مسئله ۱۹۲- دست گذاشتن بر دیوار خانه کعبه یا بر دیوار حجر اسماعیل، یا روی حجر اسماعیل ضرری برای طواف ندارد، ولی احتیاط مستحب آن است که در آن طرف کعبه که شاذروان قرار دارد هنگام طواف دست بر دیوار کعبه نگذارد.

مسئله ۱۹۳- هرگاه در اثنای طواف داخل خانه کعبه شود طواف او باطل است و باید اعاده کند، و هرگاه از درون حجر اسماعیل طواف کند همان دور را چنانکه گفته شد از حجرالاسود اعاده می کند، اما اگر از روی دیوار حجر اسماعیل یا شاذروان طواف کند همان مقدار را اعاده می کند.

مسئله ۱۹۴- هرگاه طواف را عمداً قطع کند ولی از مسجد خارج نشود، و قبل از فوت موالات بازگردد و از همان جا که قطع کرده ادامه دهد طوافش صحیح است.

صفحه ۹۷

ششم: مشهور میان فقها این است که باید طواف در فاصله مقام ابراهیم و خانه کعبه باشد (این فاصله بیست و شش ذراع و نیم، یعنی کمتر از سیزده متر می باشد) و از هر طرف باید این فاصله در نظر گرفته شود.

بنابراین در طرف «حجر اسماعیل» محدوده طواف شش ذراع و نیم (کمتر از سه متر و نیم) است زیرا

حجر اسماعیل که مجموعاً بیست ذراع است، از آن کم می شود.

ولی حق این است که طواف در تمام مسجد الحرام جایز می باشد هر چند بهتر این است احتیاط را ترک نکنند. یعنی اگر طواف کردن در فاصله مزبور مشکل نباشد از آن حد خارج نشود؛ و طواف در طبقات بالا- در غیر حال ضرورت خالی از اشکال نیست.

هفتم: موالات در طواف شرط است؛ یعنی باید هفت دور پی در پی دور خانه خدا بگردد، و کمتر از هفت دور کافی نیست، ولی در طواف نافله چنانکه گفتیم موالات شرط نمی باشد.

صفحه ۹۸

مسأله ۱۹۵- هرگاه کسی مشغول طواف واجب باشد و وقت نماز فریضه یا نافله «وتر» فرا رسد، می تواند طواف را قطع کرده و نماز را به جا آورد، سپس بقیه طواف را تکمیل کند، خواه قبل از چهار دور باشد، یا بعد از آن.

صفحه ۹۹

احکام طواف

مسأله ۱۹۶- کم و زیاد کردن طواف جایز نیست. هرگاه کسی عمداً چیزی بر هفت دور بیفزاید طواف او باطل است، و اگر از روی عمد طواف واجب را کم کند، چنانچه قبل از فوت موالات باز گردد و طواف را ادامه دهد صحیح است، و الا طواف او باطل می شود، و باید از نو شروع کند.

مسأله ۱۹۷- هرگاه از روی سهو و فراموشی طواف واجب را ناقص بگذارد، اگر بعد از تمام کردن چهار دور باشد برمی گردد و طواف را کامل می کند (خواه موالات از دست رفته باشد یا نه) و اگر قبل از چهار دور باشد چنانچه موالات به هم نخورده، می تواند آن را تکمیل نماید، و گرنه باید از نو شروع کند.

مسأله ۱۹۸- کسی

که «طواف عمره تمتع» را ترک کند چند صورت دارد:

صفحه ۱۰۰

۱- هرگاه عمداً ترک کند تا وقت وقوف به «عرفات» تنگ شود احتیاط واجب آن است که نیت حج افراد کند، و بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد، و سال بعد حج تمتع را اعاده نماید (وقت وقوف به عرفات بنا بر احتیاط از ظهر روز عرفه، یعنی نهم ذی الحجه است تا غروب آفتاب).

۲- کسی که از روی جهل و نادانی طواف را ترک کند حج او مبدل به افراد می شود، و بنا بر احتیاط واجب بعد از آن عمره مفرده به جا می آورد. و سال بعد حج تمتع را اعاده می نماید، و احتیاط مستحب آن است که یک شتر به عنوان کفاره قربانی کند.

۳- کسی که از روی سهو و فراموشی طواف را ترک کند، حج او درست است، و هر وقت به خاطرش آمد طواف را به جا می آورد (و احتیاط مستحب آن است که سعی را هم بعد از آن اعاده کند) و اگر به وطن خود بازگشته، یا از مکه بیرون رفته، و مراجعت برای او زحمت دارد نایب بگیرد تا طواف او را به جا آورد، و در این مدت چیزی بر او حرام نیست، و احتیاط آن است که یگ گوسفند قربانی به مکه بفرستد و اگر فرستادن قربانی به مکه ممکن نیست در شهر خود قربانی کند.

صفحه ۱۰۱

۴- کسی که «طواف حج» را تا آخر ذی الحجه ترک کند اگر از روی عمد باشد حج او باطل است، و باید سال دیگر اعاده کند، و اگر از روی جهل و ناآگاهی باشد نیز

حجّ او باطل است (خواه جاهل مقصّر باشد یا غیر مقصّر) و علاوه بر اعاده حج، احتیاط آن است که شتری هم قربانی کند.

و اگر از روی سهو و فراموشی بوده طواف را قضا می کند و حجّ او صحیح است، و چنانچه بعد از مراجعت از حج یا بیرون رفتن از مکه متوجه شود و بازگشت برای او مشقّت داشته باشد کسی را نائب می گیرد که برای او طواف کند (و مستحبّ است سعی را نیز بعد از آن اعاده کند، و یک گوسفند در منی قربانی نماید، و اگر ممکن نشد در وطن خود قربانی کند و در این مدّت چیزی بر او حرام نیست).

۵- اگر «طواف نساء» را ترک کند خواه از روی عمد باشد یا جهالت یا فراموشی، زن بر او حرام است، تا بازگردد و طواف کند، و اگر ممکن نیست یا مشکل است نائب بگیرد، و اگر از دنیا برود «ولیّ» او قضای آن را جا می آورد. و اگر طواف نساءهای متعدّدی را ترک کرده باشد یک طواف نساء برای همه آنها کافی است. و در این حکم، یعنی ترک طواف نساء، فرقی میان زن و مرد و کودک نیست، زیرا طواف نساء بر همه لازم است، و بدون آن همسر برای او حلال نمی شود.

صفحه ۱۰۲

کم یا زیاد کردن طواف

مسأله ۱۹۹- هرگاه عمداً مقداری از طواف را کم کند و موالات از بین برود طوافش باطل است، و باید اعاده کند و اگر پیش از فوت موالات کمبود را جبران کند طوافش صحیح است، و طواف واجب یا مستحب را می توان قطع کرد و از نو شروع نمود.

مسأله ۲۰۰-

هرگاه طواف را عمداً بیش از هفت دور به جا آورد طواف او باطل است، خواه از اوّل قصد زیادی داشته باشد یا بعد از اتمام طواف قصد کند چیزی بر آن اضافه نماید، و خواه زیادی به اندازه یک دور باشد یا بیشتر یا کمتر، اما اگر مقدار اضافی را به قصد طواف به جا نیاورد، مثل این که در اوّل کار یک دور با جمعیت حرکت می کند تا به طواف آشنا شود، سپس هنگامی که مقابل «حجرالاسود» رسید قصد طواف کند، این کار ضرری ندارد.

صفحه ۱۰۳

همچنین اگر بعد از تمام شدن هفت دور بر اثر کثرت جمعیت نتواند فوراً از محلّ طواف خارج شود مانعی ندارد مقداری با مردم، بدون قصد طواف ادامه دهد، و بعد خارج شود.

مسأله ۲۰۱- هرگاه سهواً طواف را زیاده‌تر از هفت دور به جا آورد، اگر کمتر از یک دور باشد آن را قطع می کند و طوافش صحیح است، و اگر یک دور یا بیشتر باشد احتیاط واجب آن است که به قصد قربت بر آن بیفزاید تا هفت دور دیگر کامل شود، و بعد دو رکعت نماز طواف واجب به جا می آورد و بعد از سعی (در آنجا که سعی واجب است) دو رکعت دیگر برای طواف مستحب به جا می آورد (و لازم نیست قصد کند که طواف اوّل واجب است و دوم مستحب، همین اندازه که به قصد قربت انجام دهد کافی است).

صفحه ۱۰۴

مسأله ۲۰۲- «قران» در طواف (یعنی دو طواف کامل را قرین هم و پشت سر یکدیگر بدون آن که نماز طواف میان آن دو بخواند به جا آورد) در طواف واجب

حرام است، ولی طواف اوّل باطل نمی شود، مگر این که از آغاز چنین قصدی را داشته باشد که در این صورت صحیح بودن طواف او مشکل است؛ اما قرآن در طواف مستحب مکروه است، ولی حرام و باطل نیست.

مسئله ۲۰۳- هرگاه مقداری از طواف را سهواً کم کند. مطابق مسئله شماره ۱۹۷ عمل می کند.

صفحه ۱۰۵

شک در مقدار طواف

مسئله ۲۰۴- اگر بعد از فراغت از طواف شک در عدد دورهای طواف کند اعتنا نمی کند، همچنین اگر شک کند که شرایط آن را مانند وضو و غیره درست انجام داده یا نه، اعتنا نکند.

مسئله ۲۰۵- اگر بعد از رسیدن به «حجرالاسود» شک کند هفت دور به جا آورده یا هشت دور یا بیشتر، اعتنا نکند، و طوافش صحیح است؛ همچنین اگر در وسط دور، شک کند که دور هفتم است یا بیشتر، آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است.

مسئله ۲۰۶- هرگاه در طواف واجب شک در کمتر کند (مثل شک میان شش و هفت، یا پنج و شش و مانند آن) احتیاط واجب آن است که آن طواف را رها کرده، از نو شروع نماید (این در صورتی است که طواف واجب باشد)، اما در طواف مستحب بنا بر کمتر می گذارد و طوافش صحیح است.

صفحه ۱۰۶

مسئله ۲۰۷- ظن و گمان در مسائل گذشته در حکم شک است و باید مطابق حکم شک عمل کند.

مسئله ۲۰۸- مانعی ندارد که انسان برای شمردن دورهای طواف به رفیق و همراه خود اعتماد کند (در صورتی که فرد مورد اعتمادی باشد).

مسئله ۲۰۹- شخص کثیرالشک (یعنی کسی که زیاد در طواف شک می کند) اعتنا به شک خود نکند، و

آن طرفی را که مناسبتر برای او است بگیرد، مثلاً اگر شک میان پنج و شش کند بنا را بر شش می گذارد، و اگر شک میان هفت و هشت کند، بنا را بر هفت می گذارد.

مسأله ۲۱۰- سخن گفتن در حال طواف و خندیدن و حتی خوردن چیزی، طواف را باطل نمی کند، ولی البته بهتر است در حال طواف (خواه طواف واجب باشد یا مستحب) سخنی جز ذکر خدا و دعا نداشته باشد، و با حضور قلب این عبادت بزرگ را انجام دهد و از هر کاری که حضور قلب را کم می نماید پرهیز کند

صفحه ۱۰۷

۳- نماز طواف

اشاره

مسأله ۲۱۱- واجب است بعد از طواف واجب دو رکعت نماز به جا آورد، و احتیاط واجب آن است که این نماز را پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) به جا آورد، و لازم نیست متصل به آن باشد، همین اندازه که بگویند پشت مقام ابراهیم به جا آورده، کافی است.

مسأله ۲۱۲- محلّ نماز طواف واجب چنانکه گفتیم پشت مقام ابراهیم است، ولی اگر فشار جمعیت زیاد باشد می تواند در یکی از دو طرف مقام ابراهیم، یا عقب تر از مقام بخواند (مخصوصاً در مواقعی که جمعیت طواف کننده به قدری زیاد است که صفوف طواف کنندگان به پشت مقام ابراهیم می رسد، و خواندن نماز در آنجا مشکل می شود، در این حال نباید اصرار بر خواندن نماز در نزدیکی مقام ابراهیم داشت، بلکه در جایی که این مشکل وجود ندارد می خواند، و کارهایی که بعضی از عوام می کنند و گروهی دست به دست هم می دهند و حریمی برای نماز گزاران مورد نظر درست می

کنند هیچ ضرورتی ندارد، بلکه اگر برای طواف کنندگان یا سایر نماز گزاران ایجاد مزاحمت کند خالی از اشکال نیست.)

صفحه ۱۰۸

مسأله ۲۱۳- نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام می توان خواند، و مقام ابراهیم در آن شرط نیست.

مسأله ۲۱۴- نماز طواف را می توان بلند یا آهسته خواند، و اذان و اقامه ندارد، و در چیزهای دیگر شبیه نماز صبح است ولی جماعت در نماز طواف مشروع نیست، بنا بر احتیاط واجب.

مسأله ۲۱۵- هرگاه کسی عمداً نماز طواف را ترک کند باید برگردد و به جا آورد، ولی اگر بموقع به جا نیاورد حج او باطل نیست، فقط گناه کرده است.

مسأله ۲۱۶- هرگاه کسی سهواً یا از روی جهل و ندانستن مسأله، نماز طواف واجب را ترک کند اگر ممکن است برگردد و نماز را پشت مقام ابراهیم به جا آورد، و اگر برگشتن برای او مشقت دارد هر جا که هست نماز را به جا آورد، حتی اگر در وطن خود باشد، و اگر از دنیا برود و نماز طواف واجب را به جا نیاورده باشد ولی او قضا می کند (اگر دیگری نیز برای او قضا کند کافی است).

صفحه ۱۰۹

مسأله ۲۱۷- هرگاه نماز طواف را فراموش کند و مشغول سعی میان صفا و مروه شود، و در حال سعی یادش بیاید، در همان جا سعی را رها می کند و برمی گردد، و نماز طواف را به جا می آورد، سپس سعی را از همان جا که رها کرده، ادامه می دهد.

مسأله ۲۱۸- احتیاط واجب آن است که «نماز» طواف را بدون فاصله بعد از «طواف» به جا آورد، مگر آن که یادش برود که

حکم

آن در بالا گفته شد.

مسئله ۲۱۹- «طواف» و «نماز طواف واجب» را در هر ساعتی از شب و روز می توان به جا آورد، حتی به هنگام طلوع و غروب آفتاب چنین نمازی کراهت ندارد.

صفحه ۱۱۰

مسئله ۲۲۰- هرگاه به واسطه مانعی مثل باطل شدن وضو یا نجس شدن لباس و بدن، یا ازدحام جمعیت برای نماز جماعت روزانه، نتواند نماز طواف را بلافاصله به جا آورد، بعد از رفع مانع به جا می آورد، و «طواف» و «نمازش» صحیح است.

مسئله ۲۲۱- بر هر مکلفی واجب است قرائت نماز خود را یاد بگیرد؛ یعنی حمد و سوره و سایر ذکرهای نماز را بطور صحیح بخواند، ولی اگر به علت بیسوادی یا علل دیگر، بعد از تلاش لازم نتوانست قرائت را بطور کامل بخواند، همان مقدار که می تواند کافی است، و اگر می تواند یاد بگیرد اما کوتاهی کند، معصیت نموده، ولی اگر وقت تنگ باشد و فرصت برای یاد گرفتن نباشد باید به همان مقدار که توانائی دارد نماز طواف را بخواند، و نایب گرفتن لازم نیست، و خواندن نماز طواف به جماعت اشکال دارد.

مسئله ۲۲۲- اگر کسی نمی داند قرائت نمازش درست نیست و در نادانی خود معذور باشد نمازش صحیح است، و اعاده ندارد؛ اما اگر مقصر بوده لازم است پس از درست کردن قرائت، نمازش را اعاده کند و گرنه معصیت کرده است.

صفحه ۱۱۱

مسئله ۲۲۳- همه نمازها را باید با قرائت صحیح انجام داد و زوار خانه خدا باید از فرصت استفاده کنند و به هنگام اراده این سفر بزرگ روحانی قرائت نماز خود را دقیقاً برای اهل علم بخوانند و اگر ایرادی دارد برطرف نمایند تا

حج آنها از هر نظر خالی از اشکال باشد.

مسئله ۲۲۴- برای صحیح بودن قرائت دقتهای علمای تجوید شرط نیست، همین اندازه که در عرف عرب بگویند کلمات را صحیح ادا می کند کافی است.

صفحه ۱۱۲

طوافهای مستحبی

یکی از مستحبات بسیار مؤکد برای کسانی که در مکه هستند طواف خانه خداست، که مانند طواف واجب هفت دور است، و بعد از آن دو رکعت نماز طواف خوانده می شود و ولی سعی صفا و مروه ندارد.

و این از افضل عبادات در مسجد الحرام است و در حدیث معتبر از امام صادق (علیه السلام) آمده است که: «در اطراف کعبه صد و بیست رحمت الهی وجود دارد که نیمی از آن مخصوص طواف کنندگان و چهل قسمت دیگر از آن مربوط به نمازگزاران و بیست قسمت دیگر، از آن نگاه کنندگان به کعبه است» (۱)

و انسان می تواند به نیت خود یا به نیت دوستانی که در مکه نیستند، اعم از اموات و غیر اموات، این طواف را به جا آورد و بر عمره های متعدّد که به قصد رجا به جا می آورند ترجیح دارد.

پاورقی

۱- وسائل الشیعه، جلد ۹، صفحه ۳۹۸.

صفحه ۱۱۳

طواف مستحب مانند طواف واجب است و ولی در موارد زیر تفاوت دارد.

۱- در طواف مستحب طهارت شرط نیست و هر چند افضل آن است که با وضو باشد و ولی برای نماز طواف باید وضو بگیرد.

۲- نماز طواف مستحب را در هر جایی از مسجد الحرام می توان انجام داد.

۳- موالات در طواف مستحب لازم نیست.

۴- قطع طواف نافله بدون عذر و ضرورت جایز است و اگرچه نخواهد بقیه اشواط را به جا آورد. و اما در طواف واجب بنا بر احتیاط واجب در غیر

موارد ضرورت قطع نشود.

۵- شك در نقصان دورهای طواف مستحب اشکالی ندارد و بنا را بر کمتر می گذارد.

۶- در طواف واجب، قران جایز نیست (یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد، بدون آن که بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود) ولی در طواف مستحب مکروه است.

صفحه ۱۱۴

۷- قطع طواف مستحب در غیر موارد ضرورت نیز جایز است و بعداً از هر کجا قطع کرده باشد بقیه را به جا می آورد و احتیاج به گذشتن از دور چهارم نیست.

بهرتر است در مواقعی که گروه زیادی مشغول انجام طواف واجب هستند و ازدحام شدید است، از طواف مستحب خودداری شود تا مطاف در اختیار کسانی که طواف واجب می کنند قرار گیرد.

طواف مستحب وقت معینی ندارد و در هر موقع از شب یا روز می توان انجام داد، همچنین تعداد معینی ندارد ولی هر طواف باید هفت دور باشد.

طواف مستحب لباس احرام نمی خواهد و سکوت یا سخن گفتن و یا ذکر گفتن در آن جایز است، مانند طواف واجب؛ هرچند بهتر است که مشغول ذکر خدا باشد و یا دعا بخواند.

بلند خواندن دعاها در طواف مستحب و واجب بطوری که مزاحمت برای دیگران فراهم شود کار خوبی نیست.

صفحه ۱۱۵

۴- سعی صفا و مروه

سعی صفا و مروه

مسأله ۲۲۵- سعی صفا و مروه از واجبات «عمره تمتع» و «حج» است، و منظور از آن رفت و آمد میان این دو کوه کوچک است، از «صفا» به سوی «مروه» می رود، و از «مروه» به «صفا» باز می گردد، تا هفت دور تمام شود (رفتن از یکی به دیگری یک دور حساب می شود).

بنابراین چهار بار از صفا به

مروه می رود و سه بار آن، باز می گردد و دفعه چهارم باز نمی گردد و مجموعاً هفت دور می شود.

مسأله ۲۲۶- هر کس عمداً تمام هفت دور یا قسمتی از آن را ترک کند اگر در عمره تمتع بوده باشد، و نتواند قبل از وقوف به عرفات آن را جبران کند، احتیاط واجب آن است که حج خود را مبدل به افراد کند یعنی نیت حج افراد کند و اعمال حج را تمام نماید و سال آینده نیز حج تمتع را اعاده کند.

صفحه ۱۱۶

و اگر سعی را عمداً در حج ترک کند و بموقع آن را جبران ننماید حج او باطل می شود، و باید سال آینده دوباره حج را به جا آورد.

مسأله ۲۲۷- اگر ترک سعی از روی جهل و نادانی نسبت به مسأله بوده باشد احتیاط واجب آن است که همان حکم عمد را، که در مسأله قبل گفته شد، اجرا کند؛ اما اگر سهواً و از روی فراموشی سعی را ترک کند باید هر وقت یادش آمد برگردد و آن را به جا آورد، هر چند بعد از ماه ذی الحجه باشد، و اگر برگشتن برای او مشقت دارد، نایب می گیرد تا برای او به جا آورد، و در این مدت چیزی بر او حرام نیست.

مسأله ۲۲۸- هرگاه عمداً زیادتر از هفت مرتبه سعی را به قصد سعی واجب به جا آورد سعی او باطل است، و اگر سهواً یک دور یا کمتر یا بیشتر اضافه کند و بعد به خاطرش بیاید اعتنا نمی کند و سعی او صحیح است، و نیازی ندارد که مقدار زیادی را تا هفت دور تمام

کند؛ بلکه احتیاط ترک این کار است.

صفحه ۱۱۷

مسأله ۲۲۹- هرگاه از روی ندانستن مسأله چیزی بر هفت دور اضافه کند نیز حکمش مانند عمد است؛ یعنی سعی را از نو به جا می آورد.

مسأله ۲۳۰- هرگاه از روی سهو و فراموشی چیزی از سعی را کم کند، خواه قبل از اتمام چهار دور باشد یا بعد از آن، هر وقت به خاطرش آمد کمبود را به جا می آورد، و سعی او صحیح است، و اگر از مکه خارج شده، یا به وطن بازگشته، و برگشتن به مکه برای او مشقت دارد نائب می گیرد، و کفاره ای هم ندارد؛ هرچند کارهایی را که بر مُحْرِم حرام است انجام داده باشد.

مسأله ۲۳۱- هرگاه قبل از تقصیر گمان کند سعی خود را کامل کرده باید به این گمان قناعت نکند و تحقیق نماید و اگر فکرش به جایی نرسید، مقداری را که اطمینان به انجامش ندارد، به جا آورد؛ و اگر بدون تحقیق تنها به گمان این که سعی خود را کامل کرده، تقصیر کند (موی سر را کوتاه کند و ناخن بگیرد) و بعد از آن با همسر خود نزدیکی نماید احتیاط واجب آن است که علاوه بر تکمیل سعی خود یک گاو قربانی کند (قربانی را اگر بتواند در مکه و اگر نتواند در شهر خود ذبح می کند).

صفحه ۱۱۸

مسأله ۲۳۲- هرگاه مشغول سعی صفا و مروه است، و مقداری از آن را انجام داده - خواه کم باشد یا زیاد - و وقت نماز فرا رسد سعی را قطع می کند، و نماز را به جا آورده، سپس باقیمانده سعی را انجام می دهد.

مسأله ۲۳۳-

هرگاه حاجت ضروری برای او یا یکی از برادران و خواهران دینی پیدا شود می تواند سعی را قطع کرده، و به دنبال آن برود، بعد که برمی گردد از همان جا که رها کرده ادامه دهد و سعی او صحیح است. همچنین کسی که خسته شود می تواند برای استراحت در وسط سعی بنشیند، و بعد برخیزد و ادامه دهد (خواه در صفا باشد یا در مروه یا در میان این دو).

مسئله ۲۳۴- هرگاه مشغول سعی باشد و به خاطرش بیاید که نماز طواف را انجام نداده برمی گردد، و نماز طواف را نزد مقام ابراهیم می خواند، سپس سعی را از همان جا که رها کرده ادامه می دهد

صفحه ۱۱۹

مسئله ۲۳۵- احتیاط آن است در غیر مواردی که در بالا گفته شد موالات در سعی را مراعات کند، یعنی هفت دور را بدون فاصله زیادی پشت سر هم به جا آورد.

واجبات سعی

مسئله ۲۳۶- در سعی چند چیز واجب است:

اول: نیت - واجب است «سعی» را با «قصد» و برای رضای خدا انجام دهد، و همین اندازه که اجمالاً بدانند چه می کند، و برای حج یا عمره سعی می نماید کافی است، و گفتن به زبان لازم نیست.

دوم: شروع از «صفا» و سوم: ختم کردن به «مروه» است (صفا و مروه چنانکه گفته شد دو کوه کوچک است نزدیک مسجدالحرام که هنگام بیرون آمدن از مسجدالحرام «صفا» در طرف راست و «مروه» در طرف چپ قرار دارد، بنابراین

حاجی نخست به طرف صفا آمده و از آن شروع می کند).

صفحه ۱۲۰

رفتن از صفا به مروه یک دور و بازگشت از آن، دور دوم حساب می شود،

بنابراین دور هفتم به مروه ختم می شود.

مسأله ۲۳۷- باید تمام فاصله میان این دو کوه را بپیماید و با توجه به این که در حال حاضر قسمتی از دامنه این کوه پوشانیده شده همین اندازه که سربالائی را بپیماید کافی است، بنابراین لازم نیست به قسمت لخت کوه برود، و پای خود را به آن بچسباند، و کارهای وهن آوری که بعضی عوام انجام می دهند انجام دهد.

چهارم: باید سعی صفا و مروه هفت مرتبه تمام باشد نه کمتر و نه بیشتر و اگر عمداً کم و زیاد کند سعی او باطل است، و اگر سهواً باشد، در صورت نقصان، قبل از فوت موالات، کامل می کند و در صورت زیادی، ضرری ندارد.

پنجم: سعی میان صفا و مروه باید از طریق معمول باشد، بنابراین اگر قسمتی از سعی را از داخل مسجد الحرام، یا فضای بیرون انجام دهد، درست نیست و همچنین سعی از طبقه بالا که امروز ساخته شده و بالاتر از دو کوه صفا و مروه قرار دارد مشکل است، مگر این که ضرورت شدیدی باشد و نتواند سعی را در طبقه پائین به جا آورد، در این صورت سعی در طبقه بالا جایز است.

صفحه ۱۲۱

ششم: واجب است هنگام رفتن به مروه، رو به مروه باشد، و هنگام برگشتن به صفا، رو به صفا باشد، و اگر به عکس باشد، یعنی موقع رفتن به سوی مروه پشت به آن کرده عقب عقب برود، یا روی دست راست یا دست چپ حرکت کند اشکال دارد، ولی این مسأله نباید موجب وسواس شود، همین اندازه که مطابق معمول حرکت کند کافی است، هر چند صورت خود را

به راست و چپ برگرداند، یا مثلاً برای ملاحظه همراهان گاهی به عقب سر نگاه کند.

هفتم: برای صحت سعی احتیاط واجب آن است که لباس شخص سعی کننده و آنچه همراه خود دارد غصبی نباشد، و نیز احتیاط ستر عورت در مردان و حجاب شرعی در زنان است.

صفحه ۱۲۲

مسأله ۲۳۸- لازم نیست سعی را بلافاصله بعد از طواف و نماز آن به جا آورد، بلکه اگر خسته باشد یا هوا گرم باشد می تواند آن را تا شب به تأخیر اندازد، و حتی بدون خستگی و گرما نیز جایز است، ولی تأخیر آن تا فردا بدون ضرورت جایز نیست؛ اما اگر تأخیر انداخت گناه کرده و سعی او باطل نخواهد شد.

مستحبات سعی

مسأله ۲۳۹- در سعی امور زیر مستحب است:

۱- بهتر است در حال سعی وضو داشته باشد، ولی واجب نیست. حتی زنان در حالی که حائض هستند می توانند سعی بین صفا و مروه را انجام دهند. حتی سعی در حال خواب اشکالی ندارد (مثلاً در حالتی که روی چرخ نشسته، سعی می کند و مقداری خواب می رود).

۲- مستحب است اگر ازدحام مانع نشود بعد از تمام کردن طواف و نماز آن، دست به «حجرالاسود» بگذارد یا آن را ببوسد، و به سراغ آب زمزم برود، مقداری از آن بنوشد، و کمی بر سر و بدن خود بریزد، سپس به سراغ سعی برود، ولی اگر بوسیدن یا دست گذاردن بر حجرالاسود بر اثر ازدحام موجب آزار دیگران گردد باید آن را ترک کند.

صفحه ۱۲۳

۳- سعی را می توان پیاده یا سواره انجام داد، خواه سالم و توانا باشد، یا بیمار و ناتوان، اما برای اشخاصی که

توانائی پیاده روی دارند، بهتر پیاده رفتن است.

۴- مستحب است به هنگام رفتن از صفا به مروه یا هنگام بازگشت وقتی به محلّ علامتگذاری شده می رسد «هَرَوْلَه» کند (هروله یعنی حرکت سریع که میان راه رفتن و دویدن محسوب می شود) ولی اگر موجب ناراحتی اوست آن را ترک کند.

هروله کردن برای زنان مستحب نیست، و برای مردان نیز اگر فراموش شود احتیاط آن است که برنگردند.

۵- سخن گفتن و حتّی خوردن آب یا چیزی از غذا در حال سعی جایز است، ولی بهتر آن است که در این حال مشغول به دعا و ذکر خدا باشد و با سکینه و وقار و توجّه به ذات پاک خداوند سعی را به جا آورد.

صفحه ۱۲۴

مسأله ۲۴۰- استراحت در میان سعی صفا و مروه برای رفع خستگی یا غیر آن اشکالی ندارد، خواه در صفا باشد یا در مروه یا میان این دو، ولی بهتر آن است که بدون خستگی ننشیند و استراحت نکند.

مسأله ۲۴۱- هرگاه بعد از اتمام سعی و انجام تقصیر شک کند آیا هفت دور را درست به جا آورده یا نه، یا سایر شرایط، موجود بوده یا نه اعتنا نکند، ولی اگر قبل از تقصیر شک کند که ناقص به جا آورده یا کامل، باید سعی را از اوّل اعاده کند، اما اگر می داند هفت دور کامل به جا آورده و شک در بیشتر دارد سعی او صحیح است و اعتنا نکند.

مسأله ۲۴۲- هرگاه یقین داشته باشد که سعی را ناقص به جا آورده، مثلاً شش دور یا کمتر از آن بوده، برمی گردد و آنچه را می داند ناقص گذاشته تکمیل

می کند، و سعی او صحیح است.

صفحه ۱۲۵

۵- تقصیر

تقصیر

مسأله ۲۴۳- پنجمین واجب عمره، تقصیر است، یعنی کوتاه کردن موی سر یا صورت (ریش یا سبیل) و گرفتن مقداری از ناخن، و کافی است تنها کمی از موی سر یا صورت را کوتاه کند، و از کوتاه کردن ناخن صرفنظر نماید، ولی احتیاط آن است که به کوتاه کردن ناخن به تنهایی قناعت نکند.

مسأله ۲۴۴- کوتاه کردن موی سر یا صورت با هر وسیله ای باشد فرق نمی کند، ولی کندن مو کافی نیست.

مسأله ۲۴۵- تقصیر از عبادات است و باید با قصد قربت و برای خدا انجام شود.

مسأله ۲۴۶- برای تقصیر عمره تمتع محلّ معینی شرط نیست، پس می تواند در همان محلّ «مروه» پس از اتمام سعی، تقصیر کند، و یا بعد از مراجعت به منزل تقصیر نماید، و نیز تفاوت نمی کند که خودش کوتاه کند یا به دیگری بگوید کمی از موی او را کوتاه نماید.

صفحه ۱۲۶

مسأله ۲۴۷- تراشیدن سر به جای کوتاه کردن مو در تقصیر «عمره تمتع» جایز نیست، و هرگاه عمداً این کار را کند و در ماه ذی القعدة به بعد باشد احتیاط واجب آن است که گوسفندی کفّاره دهد، و اگر عمداً این کار را نکرده کفّاره ندارد.

مسأله ۲۴۸- بعد از تقصیر «عمره تمتع» از احرام بیرون می آید، و تمام آنچه بر مُحْرِم حرام بود بر او حلال می شود، مگر صید کردن که همچنان بر او حرام است؛ به خاطر این که صید حَرَم برای همه حرام می باشد.

مسأله ۲۴۹- هرگاه تقصیر را فراموش کند و به سراغ اعمال حج برود (یعنی احرام ببندد و به عرفات برود)

عمره و حجّ او صحیح است، و چیزی بر او نیست؛ ولی بهتر آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد.

مسأله ۲۵۰- اگر عمداً تقصیر را ترک کند و به سراغ اعمال حجّ برود، عمره او باطل است، و حجّ او مبدّل به افراد می شود، حجّ را باید تمام کند، و احتیاط واجب آن است که بعد از حجّ، عمره مفرده به جا آورد، و حجّ او صحیح است، هر چند احتیاط مستحب آن است که در سال بعد حجّ را اعاده کند.

صفحه ۱۲۷

مسأله ۲۵۱- کسی که از روی ندانستن، تقصیر را ترک کند نیز حکمش حکم عمد است.

مسأله ۲۵۲- در عمره تمتّع طواف نساء واجب نیست، حتّی ضرورتی ندارد که به قصد رجاء طواف نساء را به جا آورد.

صفحه ۱۲۸

حجّ تمتّع

اشاره

مسأله ۲۵۳- همان گونه که قبلاً گفتیم بعد از عمره تمتّع باید حجّ تمتّع را به جا آورد و اعمال آن سیزده چیز به ترتیب زیر است:

۱- احرام بستن از مکه.

۲- وقوف یعنی ماندن در «عرفات» از حدود ظهر تا غروب آفتاب روز نهم ذی الحجّه.

۳- وقوف در مشعرالحرام؛ یعنی ماندن از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع آفتاب.

۴- رفتن به منی و رمی جمره عقبه (یعنی هفت سنگ کوچک به ستونی که در آخر منی قرار دارد و نامش «جمره عقبه» یا «جمره اولی» است بزند).

۵- قربانی کردن در منی در روز عید (دهم ذی الحجّه).

۶- تراشیدن موی سر یا کوتاه کردن آن.

۷- طواف خانه کعبه (این طواف را طواف زیارت می گویند).

صفحه ۱۲۹

۸- به جا آوردن دو رکعت نماز طواف.

۹- سعی میان صفا و مروه.

۱۰- طواف دیگری که آن را «طواف نساء» می نامند.

۱۱- دو

رکعت نماز طواف نساء.

۱۲- اقامت شب یازدهم و شب دوازدهم در منی.

۱۳- رمی جمرات سه گانه یعنی انداختن هفت سنگ به هر کدام از سه ستونی که در منی قرار دارد در روزهای یازدهم و دوازدهم.

شرح هر کدام در مسایل آینده خواهد آمد.

۱- احرام بستن از مکه

مسأله ۲۵۴- قبلاً- نیز اشاره شد که میقات احرام برای «حَجِّ تَمَتُّع» «مکه» است، و از هر جای مکه باشد خواه مسجدالحرام، یا مساجد دیگر مکه، یا کوچه ها و خیابانها، و یا خانه و منزل کافی است و فرقی میان مکه قدیم و جدید نیست، حتی محلاتی از مکه امروز که به طرف منی و عرفات گسترش یافته از همه این مناطق می توان احرام حج بست، ولی احتیاط واجب آن است که نقاطی از شهر مکه که از «مسجد تنعیم» دورتر است، یعنی از محدوده حرم بیرون است، از آنجا احرام نبندد (مسجد تنعیم نزدیکترین حد حرم است) و بهتر از همه جا مسجدالحرام است.

صفحه ۱۳۰

مسأله ۲۵۵- بهترین وقت احرام برای حج، روز هشتم ذی الحجّه است، ولی از سه روز قبل از آن نیز می توان احرام بست و به سوی منی حرکت کرد تا از آنجا به عرفات برود، مخصوصاً افراد پیر و بیماران در صورتی که از ازدحام بترسند می توانند زودتر از این هم حرکت کنند.

مسأله ۲۵۶- آخرین وقت احرام حج موقعی است که تأخیر از آن سبب شود که به وقوف عرفات که از ظهر روز نهم تا غروب می باشد، نرسد؛ بنابراین صبح روز نهم نیز می تواند مُحَرَّم شود و خود را به عرفات برساند (در صورتی که امکان رسیدن در این موقع باشد).

صفحه ۱۳۱

۲- وقوف در عرفات

مسأله ۲۵۷- دومین واجب از واجبات حج وقوف عرفات است. «عرفات» بیابانی است در حدود بیست کیلومتری مکه که امروزه به صورت نیمه مشجر درآمده، و واجب است حجاج بعد از ظهر روز نهم ذی الحجّه را در آنجا بمانند.

مسأله ۲۵۸- احتیاط آن است که

از اوّل ظهر روز نهم تا غروب آفتاب، در آنجا توقّف کند، خواه سواره باشد یا پیاده، در حال حرکت باشد یا نشسته، در حال بیداری باشد و یا مقداری خواب و مقداری بیداری، و مستحبّ است در این مدّت مشغول به ذکر خدا و توجّه به ذات پاک او و توبه و دعا و نیایش باشد، و فضیلت دعا و نیایش در این مکان و این زمان بی نظیر است.

مسأله ۲۵۹- وقوف در عرفات عبادت است و باید با نیت و قصد قربت همراه باشد، و نیت آن عبارت خاصّی ندارد و همین مقدار که در دل قصد کند کافی است.

صفحه ۱۳۲

مسأله ۲۶۰- هرگاه قبل از غروب آفتاب از عرفات کوچ کند، اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد چیزی بر او نیست، ولی اگر عمداً باشد گناه کرده و باید یک شتر در منی قربانی کند (و اگر نتواند شتر قربانی کند باید هیجده روز، روزه بگیرد) و در هر صورت حجّش صحیح است.

مسأله ۲۶۱- هرگاه قبل از غروب آفتاب دوباره به عرفات باز گردد و تا غروب در آنجا بماند سپس کوچ کند کفّاره ای بر او واجب نیست.

مسأله ۲۶۲- گرچه وقوف در عرفات در تمام وقتی که در بالا- گفته شد واجب است و ترکش گناه می باشد، ولی از ارکان حج نیست، بلکه رکن حج فقط مقداری از این مدّت است، یعنی اگر کسی تنها مقداری از ظهر تا غروب را در عرفات توقّف کند حجّش صحیح است، و اگر عمداً تمام این مدّت را ترک کند حجّ او باطل خواهد بود.

مسأله ۲۶۳- کسی که موفق به درک وقوف در عرفات

از ظهر تا غروب نشود واجب است مقداری از شب عید را هرچند کم باشد در آنجا توقّف کند؛ بنابراین اگر بر اثر موانع، زمانی به عرفات برسد که مردم از آنجا کوچ کرده باشند مقداری از شب را می ماند به شرط این که قبل از طلوع آفتاب روز عید خود را به مشعر الحرام برساند و این را «وقوف اضطراری عرفات» می گویند.

صفحه ۱۳۳

و اگر موقّف به این وقوف اضطراری در عرفات نیز نشد یعنی نتوانست چیزی از شب را در آنجا بماند کافی است که مقداری از وقوف مشعر الحرام را، که بعداً اشاره خواهیم کرد، درک کند که در این صورت نیز حجّش صحیح است.

۳- وقوف در مشعر الحرام

مسأله ۲۶۴- مشعر الحرام، که نام دیگرش «مُزْدَلَفَه» و «جُمُع» می باشد، محلّ معروفی است میان منی و عرفات (و حدود آن مابین کوه مَأَزْمِن و حِیَاض و وادی مُحَسَّر می باشد) و واجب است بر کسانی که حج به جا می آورند بعد از وقوف به عرفات به آنجا کوچ کنند و احتیاط آن است که در صورت امکان، کوچ کردن به مشعر را به تأخیر نیندازند.

صفحه ۱۳۴

مسأله ۲۶۵- وقوف از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مشعر الحرام واجب است، بلکه احتیاط واجب آن است که شب را نیز در آنجا بماند و مقداری ذکر خدا بگوید و واجب است برای تمام اینها نیت کند و قصد قربت داشته باشد.

مسأله ۲۶۶- هرگاه بدون عذر شرعی قبل از طلوع فجر از مشعر کوچ کند و به منی برود اگر جاهل باشد چیزی بر او نیست و اگر از روی عمد باشد گناه کرده و باید یک گوسفند کفّاره بدهد؛

ولی حجّ او صحیح است.

مسأله ۲۶۷- وقوف در مشعر الحرام رکن است و هر کس عمداً آن را ترک کند حجّ او باطل می شود.

مسأله ۲۶۸- اگرچه ماندن تمام فاصله میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مشعر الحرام واجب است (و حتی ماندن در شب عید نیز بنا بر احتیاط، واجب می باشد) ولی هرگاه شب را به تنهایی در آنجا بماند برای صحیح بودن حجّ او کافی است، اما همانطور که گفتیم اگر عمداً باشد گناه کرده و یک گوسفند کفّاره دهد.

صفحه ۱۳۵

مسأله ۲۶۹- برای چند طایفه جایز است مقدار مختصری در مشعر توقّف کنند و سپس به منی بروند.

۱- زنان. ۲- بیماران. ۳- پیرمردان. ۴- تمام افراد معذور. به این ترتیب که کسانی که عذری دارند مقداری از شب را در مشعر توقّف کنند، سپس از آنجا کوچ کرده به منی بروند؛ بنابراین پیرمردان، بیماران، کودکان و تمام اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی باید همراه آنها باشند و آنها که می ترسند در ازدحام جمعیت صبح روز عید اذیت شوند می توانند شبانه (بعد از مقداری توقّف در مشعر الحرام و ذکر خدا) به منی بروند و همان شب نیز رمی جمره عقبه کنند؛ ولی احتیاط مستحب آن است که قبل از نصف شب از مشعر حرکت نکنند. و راهنمایان اگر بتوانند بعد از رساندن نفرات به مشعر برای وقوف بازگردند، احتیاط آن است که برگردند.

صفحه ۱۳۶

احکام وقوف در عرفات و مشعر

مسأله ۲۷۰- همان گونه که گفته شد هر یک از وقوف در «عرفات» و «مشعر» دارای دو قسم است:

۱- وقوف اختیاری ۲- وقوف اضطراری.

«وقوف اختیاری عرفات» از حدود ظهر تا غروب آفتاب است.

«وقوف

اضطراری عرفات» مقداری - هرچند کم - از شب عید است.

«وقوف اختیاری مشعر» از طلوع صبح روز عید تا طلوع آفتاب است.

«وقوف اضطراری مشعر» از طلوع آفتاب تا ظهر روز عید است.

البته «مشعر» وقوف اضطراری دیگری نیز دارد که

صفحه ۱۳۷

مربوط به زنان و افراد ضعیف و بیمار است و آن، مقداری از شب عید می باشد که در آنجا توقّف کوتاهی می کنند سپس از آنجا به منی کوچ می کنند.

در اینجا احکام کسی که همه این وقوفها یا بعضی از آنها را درک کند مشروحاً می آوریم.

۱- کسی که وقوف به عرفات و مشعر را هر دو در وقت اختیاری انجام دهد (یعنی از ظهر تا غروب روز عرفه در عرفات، و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب در مشعر الحرام باشد) مسلماً حجّ او صحیح است.

۲- کسی که هیچیک از وقوفهای اختیاری و اضطراری که در بالا گفته شد نه در مشعر و نه در عرفات درک نکند، چنین کسی حجّ او باطل است و باید نیت «عمره مفرده» کند، یعنی با همان احرامی که دارد طواف و نماز و سعی به جا آورد و تقصیر کند (و احتیاطاً طواف نساء و نماز آن را نیز به جا آورد) و از احرام بیرون آید، ولی باید در سال آینده حجّ تمتّع را اعاده کند.

صفحه ۱۳۸

۳- هرگاه «وقوف اضطراری عرفه» را با «وقوف اختیاری مشعر» به جا آورد (یعنی روز نهم به عرفات نرسیده و تنها مقداری از شب را در آنجا مانده، سپس در مشعر الحرام از طلوع صبح تا طلوع آفتاب وقوف کرده است، چنین کسی نیز حجّش صحیح و بلااشکال است.

۴- کسی که

«وقوف اختیاری عرفه» را با «اضطراری مشعر» درک کند (یعنی بعد از ظهر عرفه تا غروب در عرفات بوده، ولی به علتی بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مشعر نمانده است، امّا مقداری قبل از ظهر را در مشعر مانده است) چنین کسی نیز حجّش صحیح است.

۵- کسی که فقط «وقوف اختیاری عرفه» را درک کرده است (یعنی بعد از ظهر نهم تا غروب در عرفات بوده، امّا نتوانسته است در مشعر حتّی قبل از ظهر روز عید مقداری وقوف کند) چنین کسی نیز حجّش صحیح است (به هر علت که باشد).

۶- کسی که تنها «وقوف اختیاری مشعر» را درک کرده (یعنی مطلقاً به عرفات نرسیده، امّا در مشعر الحرام از طلوع صبح تا طلوع آفتاب توقّف نموده) حجّ او نیز صحیح است.

صفحه ۱۳۹

۷- کسی که «وقوف اضطراری عرفات» را در شب عید و «وقوف اضطراری مشعر» را در پیش از ظهر عید درک نموده، حق این است که حجّ او نیز صحیح می باشد.

۸- کسی که فقط «وقوف اضطراری مشعر» را درک کرده (یعنی تنها توانسته است خود را پیش از ظهر روز عید به مشعر الحرام برساند) چنین شخصی حجّ او فوت شده و باید نیت عمره مفرده کند و بعد از انجام اعمال عمره مفرده از احرام بیرون آید، و باید حجّ تمتّع را در سال آینده اعاده کند.

۹- کسی که تنها وقوف اضطراری عرفات را درک کند حجّ او نیز فوت شده و باید مطابق صورت قبل عمل کند.

۱۰- کسی که هیچیک از وقوفهای اضطراری و اختیاری را درک نکند (یعنی بعد از ظهر روز عید به آنجا برسد) حجّ او باطل

است و باید طبق مسأله قبل عمل کند.

صفحه ۱۴۰

۴- رمی جمره عقبه

مسأله ۲۷۱- چهارمین واجب از واجبات حج، رمی «جمره عقبه» در روز عید قربان است، منظور از آن، انداختن هفت عدد سنگ کوچک به محلی است که در آخر منی در طرف مکه واقع شده، و آن را «جمره عقبه» می نامند. (۱)

مسأله ۲۷۲- در رمی «جمره» چند چیز واجب است:

۱- نیت و قصد قربت و کافی است که در دل قصد داشته باشد که برای اطاعت فرمان خدا و انجام مناسک حج هفت سنگ کوچک به جمره می زند و به زبان آوردن نیت لازم نیست.

پاورقی

۱- به گفته مرحوم صاحب جواهر - رضوان الله تعالی علیه - نام «جمره» از «جمار» گرفته شده که در لغت به معنی سنگریزه است و در حقیقت جمره محلّ «جمار» و سنگریزه ها می باشد. باید توجه داشت که سه «جمره» داریم، «جمره اولی» و «جمره وسطی» و «جمره عقبه» که آخرین آنها به طرف مکه است.

صفحه ۱۴۱

۲- تعداد ریگها باید هفت عدد باشد (نه زیاد بزرگ باشد و نه زیاد کوچک، کافی است هر کدام به اندازه یک سر انگشت باشد).

۳- ریگها را یکی بعد از دیگری بزند و اگر دو عدد یا بیشتر را با هم بزند کافی نیست، و یکی حساب می شود.

۴- باید سنگها به جمره اصابت کند، حتی اگر شک داشته باشد کافی نیست و هر کدام را شک کند باید از نو بزند.

۵- باید ریگها را پرتاب کند نه این که روی جمره بگذارد، و اگر به کمک شخص یا چیز دیگری به جمره بخورد کافی نیست (مثلاً اگر سنگی را که او پرتاب کرده در

راه به کمک سنگی که شخص دیگری زده به جمره بخورد کافی نمی باشد) اما اگر سنگ او به زمین یا اطراف جمره بخورد و از آنجا برخیزد و به جمره بخورد کافی است.

۶- وقت زدن سنگها مابین طلوع آفتاب روز عید و غروب آفتاب می باشد، ولی همان طور که گفتیم برای «زنان» و «پیرمردان» و کسانی که از ازدحام روز عید ترسان هستند، جایز است شب عید رمی جمره کنند.

صفحه ۱۴۲

۷- سنگریزه ها سه شرط دارد:

«اول» این که سنگ باشد نه کلوخ و گل یا چیز دیگر.

«دوم» آن که آنها را از «حرم» جمع کند (باید توجه داشت که تمام مشعر الحرام و منی در داخل حرم قرار دارد اما عرفات خارج از حرم است) ولی بهتر آن است که همان شب عید که در مشعر الحرام است ریگها را از آنجا جمع آوری کند، جمع آوری از «منی» و «مکه» نیز مانعی ندارد.

«سوم» این که سنگریزه ها «بکر» باشد، یعنی قبلاً خودش یا دیگری از آنها برای رمی جمرات استفاده نکرده باشد.

بنابراین از سنگهایی که دور جمره افتاده و از آن استفاده کرده اند نمی توان استفاده کرد. ولی اگر در غیر آنجا سنگهایی ببیند و شک کند آیا از آن استفاده شده یا نه؟ می تواند از آنها در رمی استفاده کند.

صفحه ۱۴۳

باید توجه داشت تعداد سنگریزه های مورد نیاز او برای سه روز ۴۹ عدد می باشد (و اگر ناچار باشد روز سیزدهم را بماند ۷۰ عدد سنگ لازم است) که بهتر است شب عید آنها را از مشعر جمع کرده و در کیسه ای با خود بیاورد، ولی چون ممکن است بعضی

از آنها به جمره نخورد سزاوار است تعداد بیشتری جمع آوری کند.

مسأله ۲۷۳- احتیاط واجب آن است که آنها را از مساجد آنجا جمع آوری نکنند.

مسأله ۲۷۴- رمی جمره را می توان پیاده یا سواره انجام داد، و با دست راست یا چپ تفاوت نمی کند، در پرتاب کردن آن نیز طرز خاصی واجب نیست، وضو داشتن نیز شرط آن نمی باشد، هرچند بهتر است پیاده و با وضو باشد، و در آن حال، دعا و ثنای پروردگار گوید، و با دست راست رمی کند.

مسأله ۲۷۵- رمی کردن در شب جایز نیست، مگر برای زنان و بیماران و کسانی که از ازدحام در روز می ترسند، یا کسانی که روزها گرفتار کار حجّاج هستند و توانائی رمی در روز را ندارند (فرق نمی کند که در شب قبل رمی کنند یا شب بعد از آن).

صفحه ۱۴۴

مسأله ۲۷۶- جمره عقبه و سایر جمرات را از هر طرف که بخواهد می تواند رمی کند، هرچند مطابق مشهور مستحب است هنگام رمی جمره عقبه پشت به قبله و رو به جمره باشند، امّا در جمرات دیگر مستحب است شخص رمی کننده رو به قبله بایستد.

مسأله ۲۷۷- هرگاه در عدد سنگهائی که زده است شك کند بنا را بر کمتر می گذارد، و آنچه را که شك دارد به جا می آورد، و اگر یقین کند که کمتر به جا آورده، چنانچه موالات به هم نخورده باقیمانده را به جا می آورد، و اگر موالات به هم خورده، احتیاط آن است که آن را تکمیل کرده، سپس از نو هفت سنگ بزند.

مسأله ۲۷۸- هرگاه کسی از روی فراموشی یا ندانستن

صفحه ۱۴۵

مسأله،

رمی جمره را ترک کند لازم است، تا روز سیزدهم هر وقت یادش آمد یا متوجه مسأله شد قضا نماید، و بهتر این است آنچه را مربوط به قضای روز قبل است پیش از ظهر به جا آورد، و وظیفه همان روز را بعد از ظهر و ولی مانعی ندارد هر دو را در یک وقت به جا آورد (اول قضای روز گذشته، سپس وظیفه همان روز را به جا می آورد).

مسأله ۲۷۹- اگر بعد از بازگشت از منی به مکه متوجه شد که رمی جمره را به جا نیاورده باید به منی بازگردد و آن را به جا آورد، ولی اگر روز سیزدهم بگذرد باید آن را در سال آینده خودش در همان ایام قضا کند، و اگر نمی تواند کسی را نائب بگیرد که برای او قضا کند.

مسأله ۲۸۰- اگر کسی عمداً رمی جمره را ترک کند گناه کرده، ولی حج او باطل نمی شود و باید مطابق مسأله قبل عمل کند.

مسأله ۲۸۱- در روز یازدهم و دوازدهم، که رمی هر سه جمره واجب است، باید ترتیب را در میان جمرات رعایت کند، یعنی اول «جمره اولی» بعد «جمره وسطی» و سپس «جمره عقبه» را که آخرین جمره است سنگ می زند (این مربوط به روز یازدهم و دوازدهم است و ولی روز دهم یعنی روز عید فقط جمره عقبه را رمی می کند).

صفحه ۱۴۶

مسأله ۲۸۲- هرگاه ترتیب را در رمی جمرات رعایت نکرد باید برگردد و طوری به جا آورد که ترتیب حاصل شود، اما اگر چهار سنگ یا بیشتر را به هر کدام به ترتیب زده باشد بر می گردد و باقیمانده را به

ترتیب می زند، و اگر کمتر از چهار سنگ زده از اوّل شروع کند و هفت سنگ بزند، و اگر از یکی از جمرات سه سنگ یا کمتر را ترک کرده فقط همان را تکمیل می کند، و چیز دیگری بر او واجب نیست.

مسأله ۲۸۳- اگر از روی عمد ترتیب را رعایت نکرد احتیاط واجب آن است که برگردد و از آغاز شروع کند و فرقی میان چهار سنگ یا کمتر از آن نیست.

مسأله ۲۸۴- احتیاط واجب آن است که در رمی جمره «موالات» را رعایت کند؛ یعنی سنگها را پی در پی و با فاصله کمی به جمره بزند، ولی چنانکه گفتیم اگر چهار سنگ را پشت سر هم زده باشد و بقیه را از روی فراموشی یا عدم اطلاع ترک نماید مانعی ندارد که بقیه را بعداً بزند هرچند موالات به هم خورده باشد.

صفحه ۱۴۷

مسأله ۲۸۵- همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد کسانی که به واسطه عذر نمی توانند در روز رمی کنند باید در شب آن را به جا آورند، و اگر در شب هم از آن عاجز باشند، یا خوف خطر و ضرری باشد، باید کسی را نائب کنند که در روز به جای آنها سنگها را بزند.

مسأله ۲۸۶- این روزها طبقه دوم برای جمرات ساخته اند، ظاهر این است که به هنگام ازدحام مانعی ندارد از طبقه دوم رمی کند.

۵- قربانی

مسأله ۲۸۷- دومین واجب منی، قربانی است و از همه بهتر شتر و متوسط آن گاو و کمترین آن گوسفند است و تنها بر کسانی واجب است که حج تمتع به جا می آورند و بر غیر آنها واجب نیست.

صفحه ۱۴۸

مسأله ۲۸۸-

احتیاط واجب آن است که یک قربانی فقط برای یک نفر باشد، حتی در حال ضرورت. و اگر چند نفر فقط قادر بر یک قربانی باشند احتیاط آن است که هم قربانی کنند و هم روزه ای را که بعداً اشاره خواهیم کرد به جا آورند. ولی در قربانیهای مستحب که روز عید قربان انجام می شود مانعی ندارد عده ای یک قربانی کنند هر چند هفتاد نفر باشند.

مسأله ۲۸۹- بهتر است قربانی را روز عید ذبح کنند ولی تأخیر آن تا روز سیزدهم نیز جایز است.

مسأله ۲۹۰- اگر به خاطر عذری و یا بدون عذر و از روی عمد قربانی را تأخیر انداخت و واجب است تا آخر ذی الحجّه انجام دهد و اگر انجام نداد باید نایب بگیرد تا سال بعد در همان ایام عید و در همانجا انجام دهد.

مسأله ۲۹۱- حیوان قربانی باید شرایط زیر را داشته باشد، از نظر سن، شتر قربانی حدّ اقل ۵ سال تمام، و گاو ۲ سال تمام و گوسفند یک سال تمام داشته باشد. (بنا بر احتیاط واجب).

صفحه ۱۴۹

۲- چشم آن سالم باشد و گوش آن بریده نباشد و دست و پای آن نیز لنگ نباشد. (لنگی مختصر عیب ندارد) شاخ درونی آن شکسته نباشد. اما اگر شاخ بیرونی شکسته باشد ضرری ندارد.

مسأله ۲۹۲- هرگاه گوش حیوان را برای نشانه و علامت مقداری چاک داده یا سوراخ کرده، یا کمی از آن بریده باشند ضرری ندارد.

مسأله ۲۹۳- چنانچه نوعی از آن حیوانات در اصل خلقت بی شاخ یا بی دم یا بدون گوش باشد ضرری برای قربانی ندارد.

مسأله ۲۹۴- حیوان خصی و اخته شده (حیوانی که تخم آن را

کشیده باشند) برای قربانی جایز نیست؛ ولی اگر آن را کوبیده یا رنگ آن را از کار انداخته باشند اشکالی ندارد.

صفحه ۱۵۰

مسئله ۲۹۵- شرط سوم این است که آن حیوان لاغر نباشد، همین اندازه که مردم بگویند لاغر نیست، کافی است، بلکه اگر ظاهراً لاغر است ولی بر کلیه های آن مقداری چربی وجود داشته باشد کفایت می کند.

مسئله ۲۹۶- بعید نیست قول فروشنده در مورد سنّ حیوان یا اخته بودن و سایر امور پنهانی، که خریدار نمی تواند آن را تشخیص دهد، مقبول باشد.

مسئله ۲۹۷- هرگاه حیوانی را که به ظاهر چاق است خریداری کرد و بعد از ذبح کردن یا بعد از خریدن و پرداخت وجه و قبل از ذبح معلوم شد لاغر است، کافی است. همچنین اگر به گمان این که لاغر است خریداری کرد و بعد معلوم شد چاق است کفایت می کند، خواه قبل از ذبح باشد یا بعد از ذبح.

مسئله ۲۹۸- هرگاه حیوانی را که به ظاهر ناقص نیست خریداری کرد و بعد از ذبح و یا بعد از خریداری و پرداخت پول فهمید که ناقص است آن حیوان کفایت می کند، هر چند احتیاط مستحب آن است که به آن حیوان قناعت نکند.

صفحه ۱۵۱

مسئله ۲۹۹- مستحب است قربانی را سه قسمت کند. یک سوم آن را برای خود بردارد و یک سوم را در راه خدا صدقه بدهد و یک سوم را به دوستان و مؤمنان هدیه نماید؛ ولی دادن بخشی از آن به فقرا واجب است؛ اما خوردن چیزی از آن واجب نمی باشد.

مسئله ۳۰۰- هرگاه در منی مستحقینی نباشند می توان گوشت قربانی را به خارج از منی و

حتی خارج از حجاز برد و به فقرای مسلمین رساند، اما وکالت گرفتن از بعضی از مستحقین و یا مؤمنین برای قبول کردن سهم فقرا و یا سهم هدیه مؤمنان و رها کردن در آنجا، هرچند مطابق احتیاط است، اما واجب نیست. همانگونه که خوردن از آن نیز واجب نیست، هرچند موافق احتیاط است.

مسأله ۳۰۱- لازم نیست تقسیم به سه قسمت، به طور مساوی باشد.

صفحه ۱۵۲

مسأله ۳۰۲- احتیاط آن است که تا افراد نیازمند در منی پیدا شوند گوشت قربانی را از منی خارج نکنند و در صورتی که پیدا نشود، جایز است.

مسأله ۳۰۳- گوشت قربانی را به همه فقراء مسلمین اعم از شیعه و اهل سنت می توان داد ولی دادن به غیر مسلمانان و ناصیبها اشکال دارد.

مسأله ۳۰۴- هرگاه تا موقع بازگشت از مراسم حج دسترسی به قربانی پیدا نکند، ولی پول قربانی داشته باشد آن را نزد شخص مطمئن می گذارد که تا پایان ذی الحجه گوسفندی خریداری کرده و برای او قربانی کند اگر ممکن است در منی و اگر ممکن نیست در خود مکه، و چنانچه تا پایان ذی الحجه ممکن نشود باید در ذی الحجه سال آینده قربانی کند و اگر شخص مطمئن در آنجا نیابد می تواند در سال آینده از بعضی از حجاج مطمئن خواهش کند که از طرف او خریداری کرده، قربانی کند.

مسأله ۳۰۵- احتیاط آن است که قربانی کننده، پوست حیوان قربانی و مانند آن را نفروشد و اگر برای استفاده خود نگهدارد، به اندازه پول آن به فقرا دهد.

صفحه ۱۵۳

مسأله ۳۰۶- قربانی کردن در قربانگاههای موجود کافی است، هرچند معروف این است که در حال حاضر

همه آنها در خارج از محدوده منی است، و لازم نیست مخفیانه در گوشه ای از منی قربانی کنند یا برای روزهای بعد بگذارند.

مسئله ۳۰۷- مسلمانان باید کاری کنند که از گوشتهای قربانی استفاده شود و از بین نرود و مجبور به دفن کردن یا سوزاندن آن نشوند، زیرا این کار اسراف است و حرام و مخالف دستورهای اسلام است. و چنانچه مستحقیقی در منی یافت نشوند باید آن را به سایر کشورها برد و به فقرا و مؤمنان داد و چنانچه هزینه ای برای این کار لازم باشد باید حکومت اسلامی یا مردم آن را بپردازند.

مسئله ۳۰۸- استفاده از وسایل ماشینی برای ذبح حیوانات مانعی ندارد؛ ولی شرایط شرعی ذبح، مانند رو به قبله بودن و بسم الله گفتن و غیر آن باید رعایت شود (چنان که در توضیح المسائل اشاره کرده ایم).

صفحه ۱۵۴

مسئله ۳۰۹- چنانچه بعد از تلاش و کوشش لازم راهی برای استفاده از گوشتهای قربانی پیدا نشود و مجبور به نابود کردن آنها شوند در این صورت باید موقتاً از قربانی کردن در منی صرف نظر کرد و پول آن را کنار گذاشت تا هنگام بازگشت در محل خود قربانی کند و طبق دستور آن عمل نماید. و اگر مسئولین سازمانهای مورد اعتماد بپذیرند که قربانی را طبق آداب شیعه در آنجا ذبح کرده و گوشت آن را برای محرومین مناطق دیگر بفرستند، قربانی در منی اولویت دارد.

مسئله ۳۱۰- در فرض مسئله قبل باید قربانی را در باقیمانده ذی الحجه انجام دهد و یا اگر بازگشت او به طول می انجامد نائب بگیرد. و چنانچه در ماه ذی الحجه آن سال موفق

نشد باید در ایام عید قربان سال آینده انجام دهد.

مسأله ۳۱۱- قربانی را می توان شخصاً ذبح نمود یا به دیگری نیابت داد و در هر صورت نیت را خود حاجی می کند و لازم نیست نائب دقیقاً شناخته شده باشد، بلکه شناخت او اجمالاً کافی است. و نیز لازم نیست ذبح کننده شیعه باشد، بلکه تمام کسانی که ذبیحه آنها پاک و حلال است می توانند ذبح کنند؛ هرچند شیعه بودن بهتر است.

صفحه ۱۵۵

مسأله ۳۱۲- لازم نیست وکیل نام کسی را که برای او قربانی می کند بر زبان جاری سازد (هرچند نام بردن بهتر است) حتی اگر از روی اشتباه نام شخص دیگری را ببرد ضرر ندارد و برای موکل اصلی واقع می شود.

۶- تقصیر

مسأله ۳۱۳- واجب است حاجی بعد از قربانی کردن مقداری از موی سر خود را کوتاه کند یا تمام آن را بتراشد و اگر دفعه اول حج او باشد تراشیدن بهتر است؛ ولی واجب نیست و با این عمل از احرام بیرون می آید، یعنی پوشیدن لباس دوخته و سایر محرمات احرام بر او مباح می شود به استثنای بوی خوش و زن که در اعمال بعد (چنان که خواهد آمد) بر او حلال می شود.

صفحه ۱۵۶

مسأله ۳۱۴- برای کسانی که موهای خود را گره زده یا با موادی چسبانیده اند احتیاط واجب آن است که سر خود را بتراشند و برای کسانی که دفعه اول حج آنها است احتیاط مستحب تراشیدن است، ولی قناعت به کوتاه کردن مقداری از موی سر نیز جایز است. و برای دفعات بعد در میان این دو کار مخیر است؛ البتّه مسأله تراشیدن موی سر مخصوص

مردان است و در مورد زنان تراشیدن موی سر جایز نیست و تنها کوتاه کردن مقداری از آن واجب است.

مسأله ۳۱۵- کوتاه کردن ناخن همراه کوتاه کردن موی سر برای مردان و زنان خوب است؛ ولی بنا بر احتیاط واجب به کوتاه کردن ناخن قناعت نکنند.

مسأله ۳۱۶- واجب است وظایف سه گانه منی را از روی ترتیب انجام دهد؛ یعنی اول: رمی جمره عقبه، دوم: قربانی، سوم: تراشیدن سر یا کوتاه کردن مقداری از موی آن و ناخن، و هرگاه از روی نادانی یا فراموشکاری بر خلاف این ترتیب انجام دهد، عمل او صحیح است؛ حتی اگر عمداً آن را رعایت نکند گناه کرده اما چیزی بر او نیست، و تأخیر در تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر و ناخن تا آخر روز دوازدهم مانعی ندارد، ولی احتیاط آن است که در شب این کار انجام نشود.

صفحه ۱۵۷

مسأله ۳۱۷- واجب است تراشیدن یا کوتاه کردن مو قبل از طواف حج بوده باشد و اگر طواف را عمداً قبل از تقصیر انجام دهد باید طواف را بعد از تقصیر اعاده کند. یک گوسفند نیز کفاره بدهد. اما اگر طواف را از روی فراموشی یا نادانی مقدم داشته کفاره ندارد. ولی احتیاط واجب آن است که طواف را بعد از تقصیر اعاده کند.

مسأله ۳۱۸- لازم نیست انسان خودش موی سر را کوتاه کند، اگر به دیگری هم دستور این کار را بدهد کافی است خواه شیعه باشد یا سنی و در هر حال خودش باید نیت کند که مثلاً برای حجه الاسلام واجب تقصیر می کنم قربه الی الله.

صفحه ۱۵۸

مسأله ۳۱۹- واجب است تراشیدن یا کوتاه کردن مو در

منی باشد و کسی که از روی عمد یا نادانی و فراموشی در منی تقصیر نکرد واجب است به منی برگردد و این وظیفه را انجام دهد. و اگر نمی تواند برگردد یا مشقت شدید دارد در هر جا که هست انجام دهد. و احتیاط واجب آن است که اگر می تواند، موی خود را به منی بفرستد. و مستحب است در آنجا دفن کنند.

مسئله ۳۲۰- جایز نیست افرادی که تقصیر نکرده اند و محرم هستند سر دیگری را بتراشند یا کوتاه کنند، بلکه باید اول خودشان تقصیر کنند بعد درباره دیگری انجام دهند.

مسئله ۳۲۱- کسی که می داند اگر سرش را بتراشد زخمی می شود (و زخمی کردن بدن در حال احرام خلاف احتیاط است) احتیاط آن است که اول مقداری از موی سر را کوتاه کند سپس سرش را بتراشد

صفحه ۱۵۹

۷ تا ۱۱- واجبات پنجگانه مکه

مسئله ۳۲۲- بعد از انجام اعمال سه گانه «منی» واجب است حاجی برای انجام باقی مانده اعمال حج به مکه بازگردد و اعمال مکه را که پنج چیز است انجام دهد و آنها عبارتند از:

۱- «طواف حج» که آن را «طواف زیارت» نیز می نامند.

۲- «نماز طواف زیارت».

۳- «سعی بین صفا و مروه».

۴- «طواف نساء».

۵- «نماز طواف نساء».

این پنج واجب را به همان کیفیت که در عمره تمتع بیان کردیم بدون هیچ تفاوت به جا می آورد، مگر در نیت که اینجا باید به نیت طواف حج و نماز و سعی آن باشد یا به نیت طواف نساء و نماز آن.

مسئله ۳۲۳- حاجی می تواند بعد از اعمال منی بلافاصله در روز عید قربان به مکه برود و اعمال بالا را در همان

روز انجام دهد. و بهتر است که از روز یازدهم تأخیر نیندازد، و اگر تأخیر انداخت از روز سیزدهم نگذرد، ولی بعید نیست که تا آخر ذی الحجّه نیز بتواند این اعمال را انجام دهد، هر چند احتیاط مستحب عدم تأخیر از روز سیزدهم است.

صفحه ۱۶۰

مسأله ۳۲۴- اعمال مکه، یعنی طواف زیارت و نماز، و سعی، و طواف نساء، و نماز آن، را باید بعد از اعمال منی به جا آورد؛ ولی چند طایفه می توانند قبل از رفتن به عرفات آنها را به جا آورند:

۱- زنهایی که ترس دارند که هنگام برگشتن از منی گرفتار عادت ماهانه یا مسأله وضع حمل گردند و نتوانند بمانند تا پاک شوند.

۲- بیمارانی که نتوانند در ازدحام جمعیت طواف و سعی را به جا آورند.

۳- پیرمردان یا پیرزنانی که از انجام این اعمال هنگام بازگشت از منی به خاطر زیادی جمعیت عاجز باشند یا خوف خطر یا ضرر داشته باشند.

صفحه ۱۶۱

۴- تمام کسانی که می دانند بعد از مراجعت قادر به انجام این اعمال نیستند و یا فوق العاده به زحمت می افتند. (و فرقی میان طواف نساء و طواف حج در این مسأله نیست.)

مسأله ۳۲۵- در مواردی که این اعمال را مقدم می دارد احتیاط واجب آن است که محرم به احرام حج شود، سپس آنها را انجام دهد.

مسأله ۳۲۶- اگر بیمار بعد از بازگشت از «منی» بهبودی یابد، یا زن پاک باشد، و توانایی بر طواف و سعی پیدا کنند، احتیاط واجب آن است که اعاده نمایند.

مسأله ۳۲۷- طواف نساء بر مرد و زن و پیر و جوان و متأهل و مجرد و حتی کودکان ممیز و خنثی واجب

است، و بدون آن زن بر مرد و مرد بر زن حلال نمی شود؛ بلکه احتیاط واجب آن است که اگر کودک غیر ممیز را به حج آورند و محرم کنند ولی او همراه او طواف نساء را به جا آورد.

صفحه ۱۶۲

مسئله ۳۲۸- در عمره حج تمتع طواف نساء واجب نیست، ولی در حج تمتع و عمره مفرده طواف نساء واجب است.

مسئله ۳۲۹- هرگاه زنی طواف حج و طواف نساء را به جا نیاورده، گرفتار عادت ماهانه شود و پیش از پاک شدن ناچار به رفتن از مکه باشد (مثل این که کاروان مهلت نمی دهد تا پاک شود) لازم است برای طواف حج و نماز آن نایب بگیرد، سپس خودش سعی را به جا آورد، و بعد برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد. (همچنین کسان دیگری که به خاطر بیماری یا عذر دیگر قادر به انجام طواف و سعی نباشند باید نایب بگیرند.)

مسئله ۳۳۰- طواف نساء را نمی توان بلافاصله بعد از طواف حج و قبل از سعی به جا آورد، بلکه باید بعد از اتمام سعی به جا آورده شود؛ ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله، آن را قبل از سعی به جا آورد صحیح است.

صفحه ۱۶۳

مسئله ۳۳۱- با انجام اعمال سه گانه منی و اعمال مکه آنچه در احرام برای حاجی حرام بود در سه مرحله حلال می شود:

۱- بعد از تراشیدن سر یا کوتاه کردن موی آن تمام آنچه حرام بود حلال می شود؛ مگر بوی خوش و زن.

۲- بعد از طواف زیارت و نماز طواف و سعی صفا و مروه بوی خوش حلال می شود.

۳- بعد از طواف

نساء و نماز آن، زن نیز بر او حلال می گردد.

۱۲- توقّف شبانه در منی

(بیتوته در منی)

مسأله ۳۳۲- واجب است حاجی شب یازدهم و دوازدهم را در منی بماند (و در بعضی از مواقع، شب سیزدهم نیز واجب می شود) و اگر در این دو شب در غیر منی باشد باید یک گوسفند کفّاره بدهد و احتیاط واجب آن است که برای هر شب یک گوسفند بدهد.

صفحه ۱۶۴

مسأله ۳۳۳- کافی است نیمی از شب را در آنجا بماند خواه نیمه اوّل باشد یا دوم.

مسأله ۳۳۴- مانعی ندارد که حاجی شب یازدهم بعد از نیمه شب برای انجام اعمال مکه به مکه بیاید و یا همان روز عید بعد از انجام اعمال سه گانه منی به مکه بیاید و تا نیمه شب باز گردد.

مسأله ۳۳۵- بیتوته در منی نیز مانند سایر اعمال حج، نیت و قصد قربت می خواهد و کافی است در قلبش نیت کند که برای انجام حجّ تمتّع از حجّه الاسلام یا حجّ مستحب شب را در منی می مانم.

مسأله ۳۳۶- هرگاه کسی از روی اضطرار و ناچاری از بیتوته در منی خودداری کند گناهی بر او نیست، کفّاره هم ندارد و حجّ او صحیح است.

مسأله ۳۳۷- چند طایفه از بیتوته در منی معاف هستند: ۱- پیرمردان و پیرزنان و بیماران و پرستاران آنها که ماندن در منی برای آنها مشقّت شدید دارد.

صفحه ۱۶۵

۲- مسؤولان و خدمه کاروانها در صورتی که ناچار باشند برای حلّ مشکلات زوّار به مکه بیایند.

۳- کسانی که از ازدحام جمعیت هنگام بازگشت عمومی خوف ضرر یا خطر دارند.

۴- کسانی که در مکه در تمام شب مشغول انجام اعمال طواف یا عبادت دیگری باشند و جز

برای ضروریات خود، کار دیگری انجام ندهند.

۵- کسانی که برای انجام مناسک به مکه آمده و قبل از طلوع فجر به منی بازگردند.

مسأله ۳۳۸- بیتوته کردن در دامنه کوههای اطراف منی (مخصوصاً در موقع ازدحام) مانعی ندارد (همچنین در دامنه کوههای اطراف مشعر به هنگام وقوف در مشعر در شب عید، ولی در دامنه کوههای «مأزمین» که در آغاز مشعر قرار دارد و خارج از حدود مشعر است، جز در موقع ازدحام و ضرورت اشکال دارد).

صفحه ۱۶۶

مسأله ۳۳۹- سه طایفه باید شب سیزدهم را نیز در منی بمانند و در روز سیزدهم جمرات سه گانه را (بنا بر احتیاط واجب) رمی کنند:

۱- کسی که در احرام خود مرتکب صید حیوانی شده.

۲- کسی که در احرام با زن نزدیکی کرده باشد.

۳- کسی که روز دوازدهم از منی کوچ نکند تا آفتاب غروب کند و شب فرا رسد.

در این سه صورت ماندن شب سوم در منی واجب است، و در غیر این سه صورت می تواند روز دوازدهم به مکه بازگردد.

مسأله ۳۴۰- بازگشت از منی در روز دوازدهم باید بعد از اذان ظهر باشد، ولی کسانی که در روز سیزدهم کوچ می کنند قبل از ظهر جایز است.

۱۳- رمی جمرات در روزهای ۱۱ و ۱۲

مسأله ۳۴۱- همانگونه که قبلاً گفته شد یکی از واجبات حج، رمی هر سه جمره در روزهای یازدهم و دوازدهم است به ترتیبی که گفته شد

صفحه ۱۶۷

مصدود و محصور

(کسانی که به خاطر مانعی از ادامه اعمال حج یا عمره بازمانده اند)

مسأله ۳۴۲- «مصدود» به کسی گفته می شود که شخصی (خواه دشمن یا مأموران دولت) او را بعد از احرام برای عمره یا حج، از انجام اعمال بازدارد و «محصور» به کسی گفته می شود که بر اثر بیماری و امثال آن نتواند اعمال حج یا عمره را به جا آورد.

مسأله ۳۴۳- کسی که محرم به احرام «حج» یا «عمره» شود و دشمنی یا فرد دیگری مانند عمال دولت یا سارقین یا غیر آنها او را از رفتن به مکه بازدارند، و راه دیگری برای رفتن به مکه نداشته باشد، و یا اگر راهی باشد هزینه آن را ندارد، در همانجا یک قربانی می‌کند، و از احرام بیرون می‌آید و احتیاط آن است که قربانی را به قصد بیرون آمدن از احرام انجام دهد، و نیز احتیاط آن است که موی سر خود را کوتاه کند، و اگر دسترسی به قربانی پیدا نکرد همانجا «تیت» خارج شدن از احرام می‌کند، و احتیاط آن است که جای قربانی ده روز، روزه بگیرد (آن گونه که در «مسأله ۳۴۷» گفته می‌شود و اگر به آن صورت نتوانست روزه بگیرد تمام آن را در بازگشت روزه بگیرد).

صفحه ۱۶۸

مسأله ۳۴۴- مصدود شدن حاصل می‌شود به جلوگیری از آمدن به مکه، و یا آمدن به مکه و ممنوع شدن از انجام همه اعمال حج بر اثر زندان و

بازداشت و هر عامل دیگر، و یا ممنوع شدن از وقوف به عرفات و مشعر، اما اگر تنها از انجام اعمال منی ممنوع گردد نایب برای رمی و قربانی می گیرد، سپس موی سر را می تراشد یا کوتاه می کند و از احرام بیرون می آید، و بقیه اعمال مکه را شخصاً انجام می دهد؛ و اگر وقوفها را انجام داده و فقط از انجام اعمال منی و اعمال مکه ممنوع شود، برای رمی و قربانی نایب بگیرد سپس خودش تقصیر می کند، و بعد برای اعمال مکه نایب بگیرد. و در تمام این صورتهای حج او صحیح است، و از احرام بیرون می آید؛ مگر در جایی که ممنوع از ورود به مکه یا انجام وقوف به عرفات و مشعر گردد، و به تعبیر دیگر از به جا آوردن اعمالی که با ترک آنها (حتی بدون عمد) حج باطل می شود، ممنوع گردد که در این صورت اگر قبلاً مستطیع بوده یا استطاعت او تا سال آینده باقی بماند حج بر او واجب می شود و الا حج بر او واجب نیست.

صفحه ۱۶۹

مسأله ۳۴۵- «محصور»، یعنی کسی که بر اثر بیماری یا مجروح شدن یا شکستگی اعضای و مانند آن نتواند اعمال حج و عمره را به جا آورد، دارای چهار حالت است:

۱- محرم به احرام عمره مفرده باشد، ولی بر اثر بیماری و مانند آن مجبور است به وطن بازگردد، یا در همان جا بستری شود، و قادر به انجام اعمال عمره نیست، چنین کسی باید پول یک قربانی را به مکه بفرستد و با دوستان خود قرار بگذارد که در فلان روز

و فلان ساعت در مکه برای او قربانی کنند، سپس در همان موعد معین تقصیر می کند و از احرام بیرون می آید، و همه چیز برای او حلال می شود مگر زن، تا زمانی که حالش خوب شود و عمره مفرده به جا آورد، و اگر حالش خوب شد و نتوانست عمره به جا آورد، نائب می فرستد، و در صورتی که کسی نباشد که برای او در مکه قربانی کند در همان جا که هست قربانی می کند و از احرام خارج می شود و اگر آن هم ممکن نشد، در بازگشت به وطن قربانی می کند، و مطابق دستور بالا عمل می نماید.

صفحه ۱۷۰

۲- هرگاه محرم به احرام «عمره از حج تمتع» باشد، مانند مسأله قبل عمل می کند (بنا بر احتیاط واجب) و اگر حج او واجب بوده باید سال بعد به جا آورد.

۳- هرگاه محرم به احرام حج تمتع (از مکه) شده باشد و بر اثر یکی از این موانع نتواند هیچ یک از وقوف به «عرفات» یا «مشعر» را به جا آورد، در این صورت پول یک قربانی به وسیله دوستان خود به منی می فرستد تا در روز عید (یا بعد از آن تا سیزدهم ماه) برای او قربانی کنند و در آن روز و ساعتی که با دوستان خود قرار داده تقصیر می کند، و از احرام بیرون می آید، و همه چیز بر او حلال می شود جز زن (بنا بر احتیاط واجب) که باید در سال آینده حج به جا آورد تا بر او حلال شود، یا قبل از فرا رسیدن سال آینده عمره مفرده به

جا آورد، و اگر نمی تواند نائب می فرستد.

صفحه ۱۷۱

چنین کسی اگر حج بر واجب بوده باید سال آینده حج واجب را به جا آورد.

۴- هرگاه یکی از دو وقوف را درک کند حج او صحیح است و برای بقیه اعمال، هرچه را بتواند خودش به جا می آورد و هرچه را نتواند نائب می گیرد.

مسئله ۳۴۶- هرگاه بیمار بهبودی یابد و بتواند خود را به حج برساند و لا اقل یکی از دو وقوف را درک کند باید برود و بقیه اعمال را نیز به جا آورد.

صفحه ۱۷۲

مسائل متفرقه حج

مسئله ۳۴۷- کسی که نه قربانی دارد و نه پول آن، واجب است به جای قربانی ده روز روزه بگیرد؛ سه روز پی در پی در ایام حج (روزهای هفتم و هشتم و نهم ذی الحجّه) و هفت روز پس از بازگشت به وطن، و اگر نتوانست روز هفتم را روزه بگیرد، هشتم و نهم را پشت سر هم روزه بگیرد و یک روز هم بعد از سیزدهم، و این سه روز باید در ماه ذی الحجّه باشد (و مسافر بودن ضرری به آن نمی زند) اما هفت روز بعد را می تواند در ماههای دیگر به جا آورد، خواه پی در پی باشد یا نه.

مسئله ۳۴۸- هرگاه کسی عمره تمتع را به جا آورد و از احرام بیرون آید و بخواهد از انجام مراسم حج خودداری کند اگر به علت بیماری یا مانع دیگری باشد گناهی ندارد، و اگر سال اول استطاعت او بوده، معلوم می شود مستطیع

به حج نبوده است، و اگر حج قبلاً بر او واجب شده باید سال دیگر حج تمتع را به طور

کامل انجام دهد.

صفحه ۱۷۳

اما اگر بدون عذر از انجام حج منصرف شود گناه کرده (خواه حج واجب باشد یا مستحب) و چیز دیگری بر او نیست و باید در سال دیگر حج واجب خود را انجام دهد و در هر حال احتیاط واجب آن است که طواف نساء و نماز آن را به جا آورد.

مسئله ۳۴۹- کشتن زنبور و حشرات دیگر، مانند مگس و پشه، در حال احرام جایز نیست (بنا بر احتیاط واجب) و اگر عمداً آنها را بکشد کفاره دارد و کفاره آن مقداری غذا است (مثلاً یک نان به فقیر می دهد) اما اگر این حشرات موجب اذیت و آزار او شود کشتن آنها جایز است و کفاره ندارد.

مسئله ۳۵۰- کسی که عمره تمتع را به جا می آورد واجب است در مکه بماند تا مراسم حج را انجام دهد (خواه حج واجب باشد یا مستحب) و در صورتی می تواند از مکه خارج شود که اطمینان داشته باشد می تواند بازگردد و حج را به جا آورد، بنابراین رفتن به نقاط نزدیک، مانند غار حرا و امثال آن، که مشکلی در امر حج ایجاد نمی کند مانعی ندارد، همچنین خدمه کاروانها و غیر آنها می توانند برای انجام کارهای ضروری به جدّه یا مدینه و غیر آن بروند، به شرط آن که مطمئن باشند بموقع برای انجام مراسم حج باز می گردند. و احتیاط واجب آن است که وقتی می خواهند خارج شوند محرم به احرام حج شوند و تا موقع انجام اعمال حج در احرام بمانند؛ اما اگر این کار موجب مشقت است می توانند بدون احرام خارج شوند.

صفحه ۱۷۴

مسئله ۳۵۱- هرگاه

برای انجام کاری بعد از اتمام عمره از مکه خارج شود چنانچه در همان ماه برگردد احرام بر او واجب نیست (مثلاً در اوائل ماه ذی القعدة عمره تمتع را به جا آورده و از مکه خارج شده و به جدّه یا جای دیگر رفته و باز در همان ماه ذی القعدة بازگشته است) امّا اگر در ماه بعد وارد شود باید محرم گردد و دوباره عمره به جا آورد و همین، عمره تمتع او حساب می شود و احتیاط آن است که برای عمره سابق یک طواف نساء و نماز طواف به جا آورد.

صفحه ۱۷۵

مسأله ۳۵۲- سوار ماشین سرپوشیده شدن در حال احرام در داخل شهر مکه مانعی ندارد (خواه در روز باشد یا در شب) ولی لازم است در آن قسمتی که از حرم بیرون است (یعنی آن طرف که از مسجد تنعیم فراتر می رود) احتیاط کند.

صفحه ۱۷۶

احکام عمره مفرده

مسأله ۳۵۳- عمره مفرده یکی از بهترین اعمال است و فضیلت بسیار دارد و از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده که: «الْعُمْرَةُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ ذَنْبٍ» عمره کفّاره تمام گناهان است (و پشت انسان را از بار گناه سبک می کند.)»

مسأله ۳۵۴- عمره را در هر ماهی از سال می توان به جا آورد، ولی در ماه رجب از همه ماهها بهتر است و در اخبار اسلامی تأکید بسیار درباره آن شده است.

مسأله ۳۵۵- کسی که توانائی بر عمره مفرده داشته باشد احتیاط واجب آن است که آن را به جا آورد، هرچند استطاعت و توانائی بر حج نداشته باشد، و یک مرتبه در عمر بیشتر واجب نیست، بنابراین کسانی که حج نیابتی برای دیگران

به جا می آورند احتیاط واجب آن است که بعد از انجام عمل نیابت، عمره مفرده ای برای خودشان به جا آورند.

صفحه ۱۷۷

مسأله ۳۵۶- هر کس به هر دلیلی وارد مکه شود بدون احرام جایز نیست وارد شود و بعد از احرام باید عمره مفرده به جا آورد، و بدون آن از احرام خارج نمی شود، ولی چند گروه از این حکم مستثنی هستند: رانندگان اتومبیل و خدمه کاروانها و تمام کسانی که به طور مکرر به خارج از مکه (مانند جدّه و مدینه) رفت و آمد دارند، همچنین کسی که عمره تمتع یا عمره مفرده را به جا آورده و از مکه خارج می شود و در همان ماه قمری به مکه برمی گردد احرام و عمره بر او واجب نیست.

مسأله ۳۵۷- در هر ماه یک عمره مستحب است؛ بنابراین اگر کسی در اواخر ماه رجب وارد مکه شود و عمره مفرده را به جا آورد و بعداً ماه شعبان شروع شود می تواند دوباره عمره مفرده ای به جا آورد، و اما در همان ماه، دو عمره مفرده اشکال دارد و اگر کسی بخواهد در یک ماه بیش از یک عمره به جا آورد به قصد رجاء به جا می آورد؛ یعنی به امید این که مطلوب در گاه الهی باشد (نه به نیت دستور قطعی).

صفحه ۱۷۸

مسأله ۳۵۸- اعمال عمره مفرده هفت چیز است:

۱- احرام از میقات.

۲- طواف خانه خدا (هفت دور).

۳- نماز طواف.

۴- سعی صفا و مروه.

۵- تقصیر (کوتاه کردن مو و ناخن).

۶- طواف نساء.

۷- نماز طواف نساء.

طرز به جا آوردن احرام و طواف و سایر اعمال بالا درست همان گونه است که در همین

رساله قبلاً در مورد عمره حج تمتع آمده است، با این تفاوت که در همه اینها نیت عمره مفرده می کند.

مسأله ۳۵۹- برای عمره مفرده از هر یک از میقاتهای معروف مخصوصاً «مسجد شجره» (نزدیک مدینه) می توان احرام بست، و نیز جایز است از «ادنی الحل» یعنی اولین نقطه خارج از حرم محرم شود، و بهتر این است که برای عمره مفرده از یکی از سه محل زیر: «حدیبیه» یا «جعرانه» یا «تنعیم» که نزد اهل مکه معروف است احرام ببندد ولی برای کسانی که بعد از حج می خواهند عمره مفرده به جا آورند آسانتر این است که به مسجد تنعیم بروند که فعلاً داخل مکه است و حدود هشت کیلومتر با مسجد الحرام فاصله دارد و از آنجا محرم شوند و چون داخل شهر است می توانند با ماشین سرپوشیده حتی در روز رفت و آمد کنند.

صفحه ۱۷۹

مسأله ۳۶۰- کسانی که از طریق جدّه برای عمره مفرده به مکه می آیند باید از حدیبیه (که فاصله آن با مکه حدود ۱۷ کیلومتر است) محرم شوند، و اگر از طریق مدینه بروند و در مسجد شجره محرم شوند از همه اینها بهتر است.

صفحه ۱۸۰

چند مسئله مهم و محل ابتلاء در حج و عمره

۱- استفاده از ماشینهای سرپوشیده در حال احرام در شبها یا بین الطلوعین یا روزهای کاملاً ابری که سایبان تأثیری برای حفظ از آفتاب و باران و سرما ندارد جایز است.

۲- لازم نیست طواف در فاصله بین مقام ابراهیم و خانه کعبه (حدود ۱۳ متر) باشد بلکه در تمام مسجدالحرام طواف جایز است. (مخصوصاً هنگام ازدحام جمعیت) ولی در صورت امکان بهتر است از فاصله مزبور تجاوز نکند.

۳- لازم نیست شانه

چپ در تمام حالات محاذی کعبه باشد؛ بلکه همین اندازه که مطابق معمول، خانه کعبه را دور بزند، کافی است.

صفحه ۱۸۱

۴- هرگاه جمعیت طواف کننده بقدری زیاد است که انسان را با فشار و بدون اختیار به پیش می برد، ضرری برای طواف ندارد. و همین اندازه که از آغاز، نیت می کند که برای طواف به میان جمعیت برود کافی است.

۵- محلّ نماز طواف واجب، پشت مقام ابراهیم است ولی اگر ازدحام جمعیت زیاد باشد می توان عقب تر نماز خواند. مخصوصاً در موقعی که جمعیت طواف کننده بقدری زیاد است که به پشت مقام ابراهیم می رسد، نباید اصرار بر خواندن نماز در پشت مقام داشت و کارهایی که بعضی عوام می کنند و مزاحم طواف کنندگان می شوند صحیح نیست. (اما نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد می توان خواند.)

۶- سعی صفا و مروه در طبقه بالا جایز نیست؛ مگر این که ازدحام بقدری زیاد باشد که سعی در طبقه پائین مشقت شدید داشته باشد.

۷- هنگام سعی صفا و مروه کافی است مقداری از سربالایی صفا و مروه را طی کند و لازم نیست به قسمت لخت کوه برسد و پای خود را به آن بچسباند (سربالایی مفروش در صفا و مروه جزء کوه است.)

صفحه ۱۸۲

۸- نشستن در حال طواف واجب، برای رفع خستگی مانعی ندارد، ولی احتیاط آن است که موالات عرفی به هم نخورد و فاصله زیاد نشود؛ اما نشستن در حال سعی برای رفع خستگی و مانند آن به هر مقدار، مانعی ندارد؛ خواه در صفا باشد یا در مروه یا در میان آن دو.

۹- رمی جمرات (پرتاب کردن

سنگریزه به ستونهای سه گانه در منی) در طبقه بالا هنگام ازدحام جمعیت مانعی ندارد و کسانی که روز نمی توانند رمی کنند شب قبل یا بعد از آن می توانند رمی کنند.

۱۰- قربانی کردن در هر یک از قربانگاه های موجود در منی جایز است هرچند خارج از محدوده منی باشد.

۱۱- بهتر است قربانی را روز عید ذبح کنند؛ ولی تأخیر آن تا روز سیزدهم نیز جایز است.

صفحه ۱۸۳

۱۲- لازم نیست ذبح کننده شیعه باشد؛ بلکه هر مسلمانی که ذبیحه او پاک و حلال است جایز است ذبح کند.

۱۳- سر بریدن و ذبح حیوانات برای قربانی یا غیر آن با چاقوهای استیل و فلزات دیگری مانند آن، اشکالی ندارد.

۱۴- قربانی را می توان شخصاً ذبح نمود و یا به دیگری که به او اطمینان دارد نیابت دهد. خواه مدیر کاروان باشد یا بعثه حج یا بعضی از دوستان. (معیار، اطمینان داشتن به کار نایب است.) و لازم نیست وکیل، نام صاحب قربانی را بداند هرچند بردن نام او جایز است. ولی اگر کسی بدون گرفتن وکالت از طرف دیگری قربانی کند، صحیح نیست.

۱۵- مسلمانان باید کاری کنند که گوشتهای قربانی از بین نرود و مجبور به سوزاندن و دفن کردن آنها نباشند. زیرا این کار اسراف و حرام است و چنانچه مستحقینی در منی یافت نشوند لازم است آن را به سایر بلاد اسلامی برد و به فقرا و مؤمنین داد و اگر این کار هزینه ای دارد، بر عهده مسلمانان و حکومت اسلامی است.

صفحه ۱۸۴

۱۶- تا ممکن شود باید قربانی را در منی انجام داد و از تلف شدن گوشت آن جلوگیری کرد، اما اگر

بعد از تلاش و کوشش لازم یقین پیدا کند که راهی برای استفاده از گوشت قربانی نیست و حتماً ضایع می شود باید موقتاً از قربانی صرفنظر کند و پول آن را کنار بگذارد و هنگام بازگشت در محلّ خود قربانی کند. (در همان ماه ذی الحجّه یا در ذی الحجّه سال آینده) سپس مطابق دستوری که درباره گوشت قربانی گفتیم آن را مصرف می کند.

۱۷- استفاده از وسایل ماشینی برای ذبح حیوانات مانعی ندارد. ولی شرایط ذبح شرعی مانند رو به قبله بودن و بسم الله گفتن و غیر آن باید رعایت شود (شرح آن را در توضیح المسائل ذکر کرده ایم).

۱۸- بهتر است هنگام ازدحام جمعیت، طواف مستحبی را ترک کرد و محلّ طواف را برای کسانی که طواف واجب می کنند وا گذاشت.

صفحه ۱۸۵

۱۹- میقات برای احرام حجّ تمتّع مکه است و از هر جای مکه باشد کافی است و فرقی میان مکه قدیم و جدید نیست، حتی از محلاّتی از مکه که امروز به طرف منی گسترش یافته می توان احرام بست، امّا احتیاط واجب آن است که از نقاطی از شهر مکه که از مسجد تنعیم دورتر است (و از محدوده حرم بیرون است) احرام نبندد. (مسجد تنعیم نزدیکترین حدّ حرم است) ولی بهتر از همه جا مسجد الحرام می باشد.

۲۰- کارکنان کاروانها و بعثه حج و تمام کسانی که حجّ واجب خود را قبلاً به جا آورده اند و انجام تمام مراسم حجّ برای آنها مشکل است می توانند از اوّل نیت عمره مفرده کنند و آن را کامل کرده و از احرام بیرون آیند و بعد از آن برای رفتن به عرفات

و مشعر و منی (بدون نیت) یا نرفتن و ماندن در مکه و رسیدن به کارها آزادند.

۲۱- نماز خواندن با اهل سنت و شرکت در جماعات آنها در ایام حج و مانند آن از مستحبات مؤکد و موجب تقویت صفوف مسلمین در برابر دشمنان است و در روایات معصومین تأکیدهای بسیاری درباره آن شده است. و حق این است که چنین نمازی کفایت از نماز واجب می کند و اعاده آن لازم نیست و در مسئله وقت و مانند آن از آنها پیروی نمایند و در مورد سجده اگر بتواند، روی سنگهای کف مسجد سجده می کند (زیرا بر تمام این سنگها سجده کردن جایز است) و اگر نتواند، روی فرش سجده می کند ولی لازم نیست دست بسته نماز بخواند یا بعد از حمد آمین بگوید.

صفحه ۱۸۶

در مورد هلال ماه ذی الحجه نیز می توان از آنها پیروی کرد. همچنین در مورد وقت افطار روزه برای کسانی که در مسجد الحرام یا سایر مساجد آنان باشند و به آنها اصرار بر افطار کنند مانعی ندارد و روزه آنها صحیح است.

۲۲- استفاده کردن از بادبزن یا حصیرهای بدون نخ یا حصیرهای معمولی که نخ نازکی دارد برای سجده کردن در همه حال جایز است و لزومی ندارد که از مهر استفاده شود که مخالفان به خاطر تبلیغات نادرستی روی آن حساسیت دارند بلکه استفاده از مهر در بعضی از مواقع اشکال دارد.

صفحه ۱۸۷

۲۳- رفتن به غار حرا و مناطقی شبیه به آن در خارج از مکه بعد از اتمام عمره و قبل از حج مانعی ندارد ولی به نقاط دورتر نروند. مگر ضرورتی ایجاب کند.

۲۴- روحانیون کاروانها

و خدمه و کارکنان بعثه ها و کارمندان بانکها و پزشکان و پرستاران و تمام کسانی که به هر عنوان دعوت به حج می شوند می توانند قصد حج واجب کنند، هر چند مستطیع نباشد و حج دیگری بر آنها واجب نیست.

۲۵- احتیاط واجب آن است که افرادی که حج نیابتی انجام می دهند و سال اول آنهاست بعد از اتمام حج، عمره مفرده برای خودشان به جا آورند. (با طواف نساء).

۲۶- احتیاط واجب آن است افراد معذور که ناچارند بعضی از اعمال حج را ترک کنند نایب و اجیر نشوند، ولی عذرهایی که برای افراد معمولی در سفر حج پیدا می شود مانند تیمم و جبیره و نرسیدن به بعضی از وقفهای اختیاری و امثال آن مانع از عمل نایب نخواهد شد؛ بلکه مطابق دستور عمل می کند و حج او صحیح است. همچنین اگر بر اثر ضیق وقت مجبور به عدول از حج تمتع به حج افراد شود، ولی کسانی که بر اثر بیسوادی یا کم سوادی قادر به اصلاح حمد و سوره خود نیستند قبول نیابت نکنند هر چند حجشان برای خودشان در صورت ناچاری صحیح است.

صفحه ۱۸۸

۲۷- نایب و اجیر باید اعمال حج را مطابق اجتهاد یا تقلید خودش به جا آورد نه اجتهاد یا تقلید شخصی که برای او نیابت می کند.

۲۸- مسافران مخیرند در مکه و مدینه نماز خود را در مسجد الحرام و مسجد النبی بلکه در تمام شهر مکه و مدینه، تمام یا قصر بخوانند و نماز تمام افضل است. و فرقی میان مکه و مدینه قدیم و امروز نیست.

۲۹- کسانی که پیش از رفتن به عرفات قصد ده روز در

مکه کرده اند هنگامی که به عرفات و مشعر و منی می روند نمازشان همه جا تمام است. و این مسافت گرچه در گذشته به اندازه ۴ فرسنگ بوده؛ ولی امروز به خاطر توسعه مکه کمتر است.

صفحه ۱۸۹

۳۰- احرام بستن از تمام آنچه امروز جزء مسجد شجره است جایز است، و تمام آنچه امروز جزء مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) شده حکم آن را دارد.

۳۱- حاجیان شیعه و پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) نباید در ایام حج و مانند آن تشکیل نماز جماعت جداگانه به طور گروهی در کاروانها یا مسجد الحرام و مسجد النبی بدهند. و چنین نماز جماعتی اشکال دارد.

۳۲- زوآر خانه خدا باید از تمام کارهایی که موجب وهن مذهب است اجتناب کنند؛ مانند:

الف: بازگشت از مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) و صفوف جماعت آنان هنگام اذان یا نزدیک اذان.

ب: پرداختن به خرید و فروش در بازارها و خیابانها یا برگشتن با اجناس خریداری شده به سوی کاروانها در چنین ساعات.

صفحه ۱۹۰

ج: اجتماع پشت دیوار بقیع برای زیارت قبور معصومین (علیهم السلام) هنگام نماز جماعت.

د: پوشیدن لباسهای نامناسب که مایه وهن در انظار عموم است.

ه: برخورد خشونت آمیز در سخن یا رفتار با سایر زوآر خانه خدا یا ساکنان مکه و مدینه.

خلاصه باید چنان رفتار کنند که همه احساس نمایند آنها به برکت تأسی به اهل بیت (علیهم السلام) از تربیت بالائی برخوردارند و هیچ گونه بهانه ای به دست مخالفان ندهند که این کار اجر و ثواب حج آنها را مضاعف می سازد. انشاء الله.

صفحه ۱۹۱

آداب و مستحبات حج و عمره

در روایات اسلامی، و کلمات فقهای عظام (رضوان الله تعالی علیهم) آداب و مستحبات بسیاری برای هر یک از

اعمال «حج» و «عمره» ذکر شده است که قسمت قابل توجهی از آن را عیناً در اینجا می آوریم.

ولی از آنجا که بعضی از آنها دلیل کافی ندارد (و ما اصل تسامح در ادله سنن و مستحبات را صحیح نمی دانیم) بهتر است همه را به قصد «رجاء»، یعنی به امید این که مطلوب شرع مقدس و دارای ثواب باشد، به جا آورد.

«نکته مهم دیگر» این که انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما، و در آن انبوه جمعیت، برای بسیاری از مردم غیر ممکن است؛ بنابراین آنچه را ممکن است انجام می دهند، و آنچه را نمی توان انجام داد اگر مورد علاقه حاجی باشد و نیت انجام آن را، در صورت امکان داشته باشد، طبق روایات معصومین (علیهم السلام) خداوند مطابق نیتش به او پاداش خواهد داد.

صفحه ۱۹۲

مستحبات سفر: کسی که قصد سفر مکه یا سفر دیگری دارد. مستحب است که از خداوند متعال طلب خیر کند و وصیت بنماید و صدقه بدهد تا آن که به آن صدقه سلامت خود را خریداری نماید و وقتی که برای مسافرت مهیا می شود مستحب است در خانه خود چهار رکعت نماز به جا آورد در هر رکعتی سوره حمد و سوره قل هو الله را بخواند و بگوید:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِهِنَّ، فَاجْعَلْنِي خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَ مَالِي.)

و مستحب است بر در خانه خود ایستاده و سه مرتبه از پیش رو و از طرف راست و طرف چپ سوره حمد و به همین ترتیب سه مرتبه آیه الکرسی را بخواند و بعد از آن بگوید:

(اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا

مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است:

۱- قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و اطراف عورت را زایل کند.

۲- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قصد عمره مفرده دارد پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند و بعضی از فقهاء قائل به وجوب آن شده اند.

۳- پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و زنی که وضع حمل کرده نیز صحیح است و تقدیم این غسل بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود، جایز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را بپوشد یا چیزی را بخورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نماید آن غسل تا آخر شب آینده کفایت می کند و همچنین اگر در شب غسل نماید تا آخر روز آینده کافی است؛ ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام وضوی او باطل شد، غسل را اعاده نماید.

۴- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوَدِّي فِيهِ فَرْضِي وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغْنِي وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي

وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي.»

۵- دو حوله احرام از جنس پنبه باشد.

۶- احرام را به ترتیب ذیل ببندد: در صورت تمکن بعد از نماز ظهر و در صورت عدم تمکن بعد از نماز واجب دیگر و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو

صفحه ۱۹۵

رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون را بخواند و شش رکعت افضل است و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد؛ آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَآمَنَ بِوَعْدِكَ وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَلَا آخِذٌ إِلَّا مَا أُعْطَيْتَ وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَسِيْنِهِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُقَوِّبَنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ وَتُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيتَ وَارْتَضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شِقْمِهِ بَعِيدِهِ وَأَنْفَقْتُ مَالِي إِيْتِنَاءَ مَرْضَاتِكَ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَاجَتِي وَعُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسِيْنِهِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَخَلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةً فَعُمْرَةً أَحْرَمُ لِمَكَ شِعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَالثِّيَابِ وَالطَّيْبِ أَبْتِغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ

۷- نیت احرام را بر زبان جاری کند و تنها به نیت قلبی قناعت نکند، و برای مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند.

۸- سابقاً گفتیم که تلبیه واجب، که احرام به آن حاصل می شود، بنا بر احتیاط این است:

«لَيْبِكَ اللَّهُمَّ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْبِكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ.»

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَيْبِكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَيْبِكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ غَفَّارِ الذُّنُوبِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ أَهْلِ التَّلْبِيَةِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ تَبْدِئِ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ تَسْتَعْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ مَرْعُوبًا وَمَرْهُوبًا إِلَيْكَ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ إِلَهَ

الْحَقِّ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفُضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ كَشَافِ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ عَبْدِكَ وَابْنِ عِبْدِكَ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ يَا كَرِيمُ لَيْبِكَ.»

و خوب است این جمله ها را نیز بگوید:

«لَيْبِكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ بِحَجَّةٍ أَوْ عُمْرَةٍ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ وَ هَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَهُ إِلَى الْحِجِّ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ أَهْلِ التَّلْبِيَةِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ تَلْبِيَةٌ تَمَامُهَا وَ بَلَاغُهَا عَلَيْكَ.»

۹- تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند و در این موارد نیز تکرار کند: ۱- وقت برخاستن از خواب. ۲- بعد از هر نماز واجب و مستحب. ۳- وقت رسیدن به زوار دیگر که سوار هستند ۴- هنگام بالا رفتن از بلندی یا سرازیر شدن از آن. ۵- وقت سوار شدن یا پیاده شدن. ۶- در اوقات سحر تلبیه بسیار بگوید، و زن حائض و نفساء نیز این تلبیه ها را بگویند و شخصی که عمره به جا می آورد تلبیه گفتن او در عمره

مستمر خواهد بود تا خانه های مکه را ببیند، و پس از آن قطع خواهد شد و تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است و پس از آن قطع خواهد شد

صفحه ۱۹۸

صفحه ۱۹۹

مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

۱- احرام در جامه سیاه، و احتیاط ترک آن است و بهتر احرام در جامه سفید است.

۲- خوابیدن محرم در رختخواب و بالش زردرنگ.

۳- احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر است مکلف مادام که در حال احرام است آن را نشوید و ولی می تواند تبدیل کند.

۴- احرام بستن در جامه راه راه.

۵- استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶- بهتر است که محرم کیسه و مانند آن بر بدن نکشد.

۷- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید، بلکه احتیاط ترک آن است.

صفحه ۲۰۰

مستحبات دخول حرم

۱- برای تواضع و فروتنی در برابر خداوند متعال پابرهنه شده و کفشهای خود را در دست گرفته داخل حرم شود، این عمل ثواب زیادی دارد.

۲- هنگام دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: وَ أَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالاً وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ وَ قَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَ فَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعاً لِنِدَائِكَ وَ مُسْتَجِيباً لِمَكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ وَ كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ وَفَّقْتَنِي لِهَذَا بِيَدِكَ الرَّؤْفَةَ عِنْدَكَ وَ الْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَ

الْمُنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِتَذُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ يَدَيَّ عَلَى النَّارِ وَامْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

صفحه ۲۰۱

مستحبات ورود به مکه معظمه

برای دخول مکه معظمه نیز غسل کردن مستحب است و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود.

آداب مسجدالحرام و مکه معظمه

مستحب است مکلف برای دخول مسجدالحرام غسل نماید و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بنی شیبه» وارد شود و گفته اند که باب بنی شیبه در حال حاضر مقابل باب السلام است، بنا بر این بهتر است که انسان از باب السلام وارد شده و دم در مسجد الحرام ایستاده و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»

صفحه ۲۰۲

سپس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند نموده، بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَ فِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَن خَطِيئَتِي وَ أَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ آمناً مَبَارَكاً وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ الْبَلَدُ بِلَادُكَ، وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَ أُوْمُّ طَاعَتِكَ، مُطِيعاً لِأَمْرِكَ، رَاضِياً بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ.»

و در روایت دیگر وارد است که بر در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَ آلِهِ، وَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ
اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ
عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

صفحه ۲۰۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ
تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ عَلَى أَنْبِيَاءِكَ وَ رُسُلِكَ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ،
وَ سَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ،
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُورِهِ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ فِي

صفحه ۲۰۴

بَيْتِكَ وَ عَلَى كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ، وَ أَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ وَ خِدْعَكَ لِاشْرِيكَ لَكَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صِدْقٌ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَخَفَتَكَ إِيَّايَ بَزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ
شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. سپس سه مرتبه می گوید: «اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.» سپس می گوید: «وَ أَوْسِعْ

عَلَىٰ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ اذْرَأَعْنِي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ»

و مستحب است وقتی که محاذی حجرالأسود شد بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّىٰ وَ بِعِبَادِهِ الشَّيْطَانِ وَ بِعِبَادِهِ كُلِّ نِدِّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ.»

صفحه ۲۰۵

سپس نزدیک حجرالأسود رفته و در صورت امکان دست بر آن بگذارد و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخْشَىٰ وَ أَحْزَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و سلام بر پیغمبران بدهد، همان گونه که هنگام دخول مسجد سلام می داد سپس بگوید: «إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أُوفِي بِعَهْدِكَ» و در روایت معتبر وارد است هنگامی که نزدیک حجرالأسود رسیدی دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند، پس از آن در صورت امکان حَجْر را بوسیده و اگر بوسیدن ممکن نشد با دست لمس کن و اگر آن هم

صفحه ۲۰۶

ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدِّيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا

بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّتِ نَبِيِّكَ صَلَّى لَوْاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حَيْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْحَبِيبِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ عِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.»

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَيْطُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظَمْتُ رَغْبَتِي فَاقْبَلْ سُبْحَتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.»

آداب و مستحبات طواف

در حال طواف مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتِئْذِنُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يَمْشَى بِهِ عَلَى جِدَدِ الْأَرْضِ وَ أَسْتِئْذِنُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ بِهِ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَ أَسْتِئْذِنُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ الْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَ أَسْتِئْذِنُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ اتَّمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.»

صفحه ۲۰۷

و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را از خداوند متعال بخواهد. و نیز مستحب است، هنگام طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ لَا تُبَدِّلْ اسْمِي.» و صلوات بر محمد و آل او بفرستد، بخصوص وقتی که به در خانه کعبه رسید و وقتی که به حجر اسماعیل رسید به ناودان نگاه نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَ اجْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِنِي مِنَ الشُّقْمِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ.» و چون از

بگوید: «یا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ یا ذَا الْجُودِ وَ الْکَرَمِ اِنَّ عَمَلِی ضَعِیْفٌ فَضَاعِفُهُ لِی وَ تَقَبَّلَهُ مِنِّی اِنَّکَ اَنْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ.» و چون به رکن یمانی برسد دست را بلند کند و بگوید: «یا اَللّٰهُ یا وَلِیَّ الْعَافِیَةِ، وَ خَالِقِ الْعَافِیَةِ، وَ رَازِقِ الْعَافِیَةِ، وَ الْمُنْعِمِ بِالْعَافِیَةِ، وَ الْمُتَفَضِّلِ بِالْعَافِیَةِ عَلَیَّ وَ عَلَی جَمِیْعِ خَلْقِکَ، یا رَحْمَنَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِیْمَهُمَا، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَرْزُقْنَا الْعَافِیَةَ، وَ تَمَامِ الْعَافِیَةِ، وَ شُکْرِ الْعَافِیَةِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ.» سپس سر را به جانب کعبه کند و بگوید: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی شَرَّفَکَ وَ عَظَّمَکَ، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِیًّا، وَ جَعَلَ عَلَیْنا اِمَامًا، اَللّٰهُمَّ اِهْدِ لَهٗ خِیَارَ خَلْقِکَ، وَ جَنِّبْهُ شَرَّ رَارِ خَلْقِکَ.» و هنگامی که میان رکن یمانی و حجرالأسود برسد بگوید: «رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ.»

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار (۱) رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید: «اَللّٰهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُکَ، وَ الْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِکَ مِنَ النَّارِ.»

پاورقی

۱- مستجار، پشت کعبه نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه واقع شده است.

سپس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش بطلبد که انشاءالله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید: «اَللّٰهُمَّ مِنْ قَبْلِکَ الرُّوحُ وَ الْفَرْجُ وَ الْعَافِیَةُ، اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَمَلِی ضَعِیْفٌ فَضَاعِفُهُ لِی، وَ اغْفِرْ لِی مَا طَلَعَتْ عَلَیْهِ مِنِّی وَ خَفِی عَلَی خَلْقِکَ، اَسْتَجِیْرُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ.»

و هرچه خواهد دعا کند، و دست بر رکن یمانی که

قبل از رکن حجرالاسود قرار دارد بگذارد سپس نزد حجرالاسود آمده و طواف خود را تمام کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي.»

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه کعبه (چهار گوشه آن را) و حجرالاسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید: «أَمَانَتِي أَدِّيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لَتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاهِ.» (منظور از استلام لمس کردن آن است) البته انجام بسیاری از این امور در ایام حج واجب امکان پذیر نیست و مزاحمت برای زوار است، آنچه می تواند و مزاحمت نیست، انجام دهد.

صفحه ۲۱۰

مستحبات نماز طواف

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول «سوره توحید» و در رکعت دوم «سوره قل یا ایها الکافرون» را بخواند، و پس از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید، و در بعضی از روایات آمده است که حضرت صادق (علیه السلام) بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا، لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، أَلَا أُولُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ الْأَخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ هَا أَنَا ذَائِبِينَ يَدِيكَ نَاصِيَتِي

صفحه ۲۱۱

بِيَدِكَ، فَاعْفِرْ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفِرْ لِي، فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ.»

و بعد از سجده روی مبارک آن حضرت از گریه تر شده بود.

و بعد از فراغ از نماز طواف، و پیش از سعی مستحب است نزد چاه زمزم رفته و کمی آب بر سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا»

مستحبات سعی

پس از اعمال طواف نزد حجرالأسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجرالأسود است به سوی صفا برود و با آرامش بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالأسود در آن است رو نماید و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمتهای الهی را در نظر بگیرد سپس این اذکار را بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه، «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه، «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.» سه مرتبه، پس سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الدَّائِمِ» و سه مرتبه آن را تکرار کند.

صفحه ۲۱۲

پس سه مرتبه بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.» سپس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.» سپس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ.» سپس صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، صد مرتبه «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ»

صفحه ۲۱۳

بگوید. سپس بگوید: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَغِيْدَهُ وَ نَصَرَ غِيْدَهُ، وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحِيْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحِيْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ

فِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ.»

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم، پس از آن بگوید: «أَسْتَودِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا يَضِيعُ وَدَاعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَ أَهْلِي اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ اعِدَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ.» سپس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که می تواند بخواند.

و نیز مستحب است که این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغُفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي، وَإِنْ تَعِدَّدْتَنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِ عِدَابِي، وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ إِرْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تَعِدَّدْتَنِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي، أَصْبَحْتَ أَتَقَى عَذَابَكَ وَ لَا أَخَافُ جُورَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ إِرْحَمْنِي.»

صفحه ۲۱۴

مستحب است پیاده سعی نماید و از آنجا که علامت گذاری شده هروله کند یعنی کمی تندتر برود و اگر سوار چرخ باشد این حد را فی الجمله تند نماید و بعد از آن بطور عادی تا مروه راه برود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب عمل نماید و از برای زنها هروله نیست، و مستحب است بر درگاه خداوند گریه کند و در حال سعی دعاء بسیار نماید

صفحه ۲۱۵

مستحبات احرام تا وقوف به عرفات

اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حج نیز مستحب

است و پس از این که شخص احرام بسته و از مکه بیرون آمد همین که بالای بلندی اطراف مکه قرار گرفت با صدای بلند لَبَّيْكَ بگویند، و چون متوجه منی شود بگوید: «اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَاصْلِحْ لِي عَمَلِي.»

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی راه را ادامه دهد و چون به منی رسید بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ.» سپس بگوید: «اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ.»

و اگر ممکن است شب عرفه را در منی باشد و به طاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد، و چون نماز صبح را بخواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته سپس به سوی عرفات روانه شود، و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت بلکه احوط این است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی محسّر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح مکروه است، مگر از برای ضرورت مانند بیمار و کسی که از ازدحام مردم خائف باشد و چون به سوی عرفات حرکت کند این دعا را بخواند:

صفحه ۲۱۶

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَيَّمْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي.»

و تا رسیدن به عرفات لَبَّيْكَ را تکرار کند.

البته انجام بسیاری از این مستحبات

در حال حاضر مشکل است آنچه را می تواند انجام دهد، و اگر نیت انجام همه را داشته خداوند ثوابش را می دهد. انشاء الله.

صفحه ۲۱۷

مستحبات و قوف به عرفات

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است.

۱- با طهارت بودن در حال وقوف.

۲- غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.

۳- آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا قلب او متوجه درگاه الهی گردد.

۴- وقوف او در پائین کوه و در زمین هموار بوده باشد، و بالا رفتن از کوه مکروه است.

۵- نماز ظهر و عصر را اول وقت به یک اذان و دو اقامه به جا آورد.

۶- قلب خود را متوجه خدا ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای پروردگار را به جا آورد، پس از آن صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه سوره توحید را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه برد و این دعا را نیز بخواند:

صفحه ۲۱۸

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا، فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي، وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي، وَلَا تَشِيتْ دَرَجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ وَمَنَّكَ، يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ، وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي (كَذَا وَ كَذَا) وَ حَاجَتِ خُودِ رَا نَامِ بِيرِد، سِيسِ دَسْتِ بِي آسْمَانِ بَرْدَارِد وَ بَكُويد: «اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ

إِنِّي عَبْدُكَ، وَ مَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، وَ أَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوفِّقَنِي لِمَا يُرِضُ بِكَ عَنِّي، وَ أَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكَي، الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَ دَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ، وَ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ، وَ أَحْيَيْتُهُ بَعْدَ الْمَوْتِ.

صفحه ۲۱۹

۷- این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ، وَ خَيْرًا مِمَّا نَقُولُ، وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ. اللَّهُمَّ لَكَ صِلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي وَ لَكَ تُرَاثِي وَ بَعْكَ حَوْلِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَ مِنَ وَسْوَاسِ الصُّدُورِ، وَ مِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ، وَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتُلْكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ الرِّيَاحَ، وَ أَسْتُلْكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَ فِي سَمْعِي وَ بَصِيرِي نُورًا، وَ فِي لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرْوَقِي وَ مَفْعَدِي وَ مَقَامِي وَ مَدْخَلِي وَ مَخْرَجِي نُورًا، وَ اعْظُمْ لِي نُورًا، يَا رَبِّ يَوْمَ الْقِيَامِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

و در این روز تا می تواند در خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

صفحه ۲۲۰

۸- رو به کعبه کند و هر یک از این اذکار را صد مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ»، «اللَّهُ أَكْبَرُ»، «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ،

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

سپس از اول سوره بقره ده آیه بخواند، بعداً سوره توحید را سه مرتبه بخواند، و آیه الکرسی را تا آخر بخواند، سپس این آیات را تلاوت کند: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَيَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ. أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ.» سپس سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخواند.

صفحه ۲۲۱

سپس آنچه از نعمتهای پروردگار به یاد داشته باشد یک یک ذکر کرده و حمد الهی نماید. مخصوصاً به خاطر نعمت خانواده و اموال که خداوند بزرگ به او مرحمت نموده حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكْفَى بِعَمَلٍ.»

و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده است خدا را حمد نماید، و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید، و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید، و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید، و بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، و به اسماء الهی

که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

صفحه ۲۲۲

«اللَّهُ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْمَلِكُ، الْقُدُّوسُ، السَّلَامُ، الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمُنُ، الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ، الْمُتَكَبِّرُ، الْخَالِقُ الْبَارِيءُ، الْمُصَوِّرُ.»

و این دعا را بخواند: «أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَ أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ جَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ بَارَكَاتِكَ كُلِّهَا وَ بِحَقِّ رُسُولِكَ صِلَمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُزِدَّهُ وَ أَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ وَ أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ.»

و هر حاجت که دارد از خداوند بخواهد و از خداوند متعال طلب کند توفیق حج را در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» بگوید.

صفحه ۲۲۳

سپس این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ فُكِّنِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ.»

۹- نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ تَشْتِتِ الْأُمُورِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يُحْدِثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ أَمْسَى ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانَتِكَ وَ أَمْسَى ذَلِي مُسْتَجِيرًا بِعِزَّتِكَ وَ أَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سِئِلَ وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى جَلَلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَ الْبِسْنِي عَافِيَتِكَ وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ»

توجه به این نکته لازم است که دعاهای وارده در این

صفحه ۲۲۴

روز شریف بسیار است و هر قدر ممکن باشد

خواندن دعا مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز دعای صحیفه کامله و دعای حضرت سید الشهداء و حضرت زین العابدین (علیهما السلام) خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَ ارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَيْدٍ مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ اَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي، مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، وَ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَ اجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَ اعْطِنِي أَفْضَلَ مَا اعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَهَ وَ الرَّحْمَهَ وَ الرَّضْوَانَ وَ الْمَغْفِرَهَ، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَ بَارِكْ لَهُمْ فِيَّ.» و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ اعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ.»

صفحه ۲۲۵

مستحبات و قوف به مشعر

مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مزدلفه حرکت کند و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تل سرخ رسید بگوید: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَوْقُفِي وَ زِدْ فِي عَمَلِي وَ سَلِّمْ لِي دِينِي وَ تَقَبَّلْ مَنَاسِكِي.»

و در راه رفتن عجله ننماید و کسی را آزار ندهد و مستحب است نماز مغرب و عشا را تا مزدلفه به تأخیر اندازد، اگرچه ثلث شب نیز بگذرد. و میان هر دو نماز به یک آذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد، ولی باتوجه به این که گاه رسیدن به مشعر در زمان ما به تأخیر می افتد بهتر است در شرایط فعلی نماز مغرب و عشاء را در عرفات بخواند و حرکت کند. و مستحب است که آن شب را هر مقدار که ممکن

باشد به عبادت الهی به سر برد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسئَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سئَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَ أَطْلُبُ مِنْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تُقَيِّنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ.»

صفحه ۲۲۶

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و هر اندازه ممکن باشد از نعمتهای حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آن گاه دعاء نماید، و بعضی آن را واجب می دانند و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكِّرْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقِهِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبِ إِلَيْهِ وَ خَيْرُ مَدْعُوٍّ وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ وَ لِكُلِّ وَ اِفِدْ جَائِزَهُ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقَبَّلَ مَعْدِرَتِي وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي.»

و مستحب است سنگ ریزه هائی را که در منی رمی خواهد نمود از مشعر بردارد و مجموع آنها هفتاد سنگ است (و چون بعضی از سنگها ممکن است اصابت نکند بیشتر بردارد) و مستحب است وقتی که از مشعر به سوی منی می رود و به وادی «مُحَسَّر» می رسد مقدار صد قدم تند برود و بگوید: «اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَ اِقْبَلْ تَوْبَتِي وَ اَجِبْ دَعْوَتِي وَ اَخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي»

صفحه ۲۲۷

صفحه ۲۲۸

مستحبات رمی جمرات

در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

۱- با وضو بودن در حال رمی.

۲- هنگامی که سنگها را در دست گرفته این دعا را

بخواند: «اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِيْهُنَّ لِيْ وَارْفَعُهُنَّ فِيْ عَمَلِيْ.»

۳- با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید.

۴- هر سنگی را که بیندازد این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّدِ بِيَقَا بِكِتَابِكَ وَ عَلِي سُنَّتِهِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا، وَ عَمَلًا مَقْبُولًا، وَ سَعْيًا مَشْكُورًا، وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا.»

۵- اگر می تواند میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.

۶- جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.

صفحه ۲۲۹

۷- پس از برگشتن به جای خود در منی این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَيَنْعَمَ الرَّبُّ، وَ نِعَمَ الْمَوْلَى، وَ نِعَمَ النَّصِيرِ»

صفحه ۲۳۰

مستحبات قربانی

مستحبات قربانی چند چیز است:

۱- در صورت تمکن قربانی شتر باشد، و در صورت نبودن آن گاو، و در صورت نبودن آن گوسفند باشد.

۲- قربانی فرجه باشد.

۳- در صورت شتر یا گاو بودن، از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن، از جنس نر باشد.

۴- شتری که می خواهند آن را نحر کنند ایستاده و از سر دستها تا زانوی آن را ببندند و شخص از جانب راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد، و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

«وَجْهَتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ»

أَمْرَتْ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.»

صفحه ۲۳۱

۵- اگر می تواند خودش قربانی را بکشد و اگر نتواند دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

مستحبات حلق

در حلق چند چیز مستحب است:

۱- از طرف راست پیش سر ابتداء کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»

۲- آنکه موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و بهتر این است که بعد از حلق از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخنها را بگیرد.

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است، و مستحب است شخصی که برای طواف حج می آید در روز عید قربان بیاید و بر در مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

صفحه ۲۳۲

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ، وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمَهُ لِي، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذُنُوبِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَ أَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ الْبَلْدُ بَلْدُكَ، وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَ أُوْمُّ طَاعَتِكَ، مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ، وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.»

سپس اگر ممکن است نزد حجرالأسود بیاید و استلام و بوسه نماید، و اگر بوسیدن ممکن نشد دست بر حجر مالیده و دست خود را ببوسد، و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره به جا آورده بود به جا آورد.

مستحبات منی

برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی برای طواف مستحب از منی بیرون نرود، و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز، و در غیر منی بعد از ده نماز، که اول آنها نماز ظهر روز عید است، مستحب می باشد و بعضی آن را واجب دانسته اند، و اولی در کیفیت تکبیر این است که بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمِهِ الْأَنْعَامِ،
وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْزَلْنَا.»

و مستحب است مادامی که

در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را اگر ممکن است در مسجد خیف به جا آورد، و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، و هر کس در آنجا صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید ثواب آن برابر با ثواب بنده آزاد کردن است، و هر کسی در آنجا صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیاء نفس کرده باشد و هر کس در آنجا صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیاء نفس کرده باشد و هر کس در آنجا صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید، ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا صدقه دهد.

صفحه ۲۳۴

مستحبات دیگر مکه معظمه

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱- زیاد ذکر نمودن خدا و خواندن قرآن.

۲- ختم نمودن یک قرآن.

۳- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ».

و نیز بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الشُّكْرِ لِلَّهِ»

۴- نظر نمودن به کعبه.

۵- هر گاه مزاحم طواف کنندگان واجب نشود در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نماید، در اوّل شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخول صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف.

صفحه ۲۳۵

۶- هنگام توقّف در مکه به عدد روزهای سال طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه، و اگر آن هم ممکن نشد هر مقداری که بتواند.

۷- شخص ضروره، یعنی کسی که

اولین بار حج به جا می آورد، در صورت امکان داخل خانه کعبه شود و مستحب است قبل از دخول غسل کند و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمْنِي مِنْ عَذَابِ النَّارِ.»

سپس دو رکعت نماز گزارده در رکعت اول بعد از حمد سوره «حم سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن، بین دو ستون بر سنگ قرمز بخواند.

۸- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه و بعد از نماز این دعا را بخواند:

صفحه ۲۳۶

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعِيدَ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ فَالَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتُ وَ تَعَبَّيْتُ وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ فَلَا تُحَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَ لَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَ لَا شَفَاعَةٍ مَخْلُوقٍ رَجُوتُهُ وَ لَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَ الْإِسَاءِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تُعْطِنِي مَسْأَلَتِي وَ تَقْلِبِنِي بِرَغْبَتِي وَ لَا تُرَدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَ لَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.»

و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه «الله اکبر» بگوید.

سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تُجْهِدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَ لَا تُشِمِّتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ.»

صفحه ۲۳۷

بعداً پائین آمده و پله ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و

نزد پله ها دو رکعت نماز بخواند. (البته در شرایط فعلی انجام این مستحبات غالباً ممکن نیست.

طواف وداع

کسی که می خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجرالأسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد و آنچه خواهد دعا نماید، بعداً حجرالأسود را استلام نموده و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعاء را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَآمِيَّتِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرِ بَنِيكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأُودِيَ فِي جَنَبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِأَفْضَلِ مَا يَوْجُعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالتَّوْبَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ.»

صفحه ۲۳۸

و مستحب است وقت بیرون آمدن، از مقابل رکن شامی بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت بطلبد و وقت بیرون رفتن معادل یک درهم خرما خریده و آن را به فقرا صدقه دهد.

زیارت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بعد از حج

از جمله امور مستحبیه که بسیار مؤکد است این است که شخص هنگام برگشتن، به مدینه طیبه برگردد تا آن که به زیارت حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) و ائمه بقیع (علیهم السلام) مشرف شود.

صفحه ۲۳۹

زیارت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.»

زیارت حضرت صدیقه (علیها السلام)

«يَا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجِدْكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا أَنَّ لَكَ أَوْلِيَاءَ وَ مُصَيِّدُ قُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ وَ أَتَانَا بِهِ وَصِيَّتُهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَادِقِينَ إِلَّا أَلْحَقْنَا بِتَصَدِيقِنَا لِهَمَّا لُبَشِّرَ أَنْفُسِنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بَوْلَانِيَّتِكَ.»

صفحه ۲۴۰

زیارت جامعه که هر یک از ائمه (علیهم السلام) را می توان با آن زیارت نمود

«السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصْدِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمَنَاءِ اللَّهِ وَ أَحِبَّيَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفِهِ
اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقَرِّينَ فِي
مَرْضَاهِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَدِلَاءِ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ وَ مَنْ
عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ، وَ مَنْ اغْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اغْتَصَمَ بِاللَّهِ وَ مَنْ تَخَلَّى
مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ، أَشْهَدُ اللَّهَ أَنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَ حَزَبْتُ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ
كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
الطَّاهِرِينَ.»

صفحه ۲۴۱

صفحه ۲۴۲

زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام)

مستحب است که زائر بهترین لباس نظیف خود را بپوشد، و به بهترین عطر خود را خوشبو کند، و با آرامش و وقار به زیارت آنان برود، و چون نزدیک آن بارگاه شد بایستد، و چنین استیدان کند:

«یا مَوَالِیَّ یا اَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ، عِبْدُكُمْ وَ ابْنُ اَمَتِكُمْ، الدَّلِيلُ بَيْنَ اَیْدِیْكُمْ، وَ الْمُضْعِفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَكُمْ
مُسْتَجِيراً بِكُمْ، قاصِداً اِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّباً اِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلاً اِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ، ءَاذْخُلُ یا مَوَالِیَّ، ءَاذْخُلُ یا اَوْلِیَاءَ اللَّهِ، ءَاذْخُلُ
یا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّثِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ، الْمُقِمِّينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ.»

سپس قدم راست را پیش گذارد، و با خشوع و خضوع وارد شو، و بگو:

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيراً، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيراً، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ

بُكْرَةً وَاصِيلًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الْمَاجِدِ الْوَاحِدِ، الْمَتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ، الْمَتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ، الَّذِي مَنَّ بِطَوْلِهِ، وَ سَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَاتِي
بِإِحْسَانِهِ، وَ لَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ.»

صفحه ۲۴۳

و پشت به قبله و رو به آن قبور مطهر بخوان:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أُمَّةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحَجَّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَامُ فِي
الْبَرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ
نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَ كَذَّبْتُمْ وَ أَسَىءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيُّمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَ أَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ،
وَ أَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَ أَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا، وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَ أَنَّكُمْ دَعَايُمُ الدِّينِ وَ أَرْكَانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَرَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ
يَنْسِيخُكُمْ مِنْ أَضْيَابِ كُلِّ مَطَهَّرٍ، وَ يَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدْنِسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَ لَمْ تَشْرَكَ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ،
طَبْتُمْ وَ طَابَ مَسْتَبْتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَ جَعَلَ صِيَالَتَنَا عَلَيْكُمْ
رَحْمَةً لَنَا وَ كَفَارَةً لِتُدُنُونَا، إِذِ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا، وَ طَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وِلَايَتِكُمْ، وَ كُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ
بِتَصْدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَ هَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَ أَخْطَاً وَ اسْتِكَانَ وَ أَقْرَبَ بِمَا جَنَى، وَ رَجَى بِمَقَامِهِ الْخِلَاصَ، وَ أَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ
الْهَلْكَى مِنَ الرَّدى، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَ اتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا، وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا. يَا
مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنْ

بِمَا وَقَفْتَنِي، وَ عَرَّفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَ جَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ الْإِمْنَةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَّصْتَهُمْ بِمَا خَصَّصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا، مَذْكُورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ، بِحُزْمِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.»

صفحه ۲۴۴

صفحه ۲۴۵

سپس قبور فاطمه بنت اسد و ابراهیم فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و سایر بزرگان بقیع را زیارت کند و بر آنها درود و رحمت فرستد و فاتحه بخواند.

و سزاوار است مساجد هفتگانه و مسجد قبا و قبور شهدای احد را زیارت کند و به هنگام زیارت قبر حضرت حمزه، عموی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در احد بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسِيدَ اللَّهِ وَ أَسِيدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَ نَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَ كُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي، أَتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِرِيَارَتِكَ، وَ مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَزِعًا إِلَيْكَ رَجَاءً رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتَكَ مِنْ شِقْمِهِ بَعِيدِهِ، طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقِيبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ قَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَ أَتَيْتُ مَا أَسْحَطَ رَبِّي، وَ لَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْرَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَقْرِي وَ حَاجَتِي، فَقَدْ سِرْتُ

إِلَيْكَ مَخْرُونًا، وَآتَيْتَكَ مَكْرُوبًا، وَ سَيَّ كَبْتُ عَبْرَتِي عِنْدَكَ بِاِكْيَا، وَ صَبَرْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا، وَ أَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصِلَتِهِ، وَ حَثَّنِي عَلَى بَرِّهِ، وَ دَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَ هَدَانِي لِجُبِّهِ، وَ رَغَّبَنِي فِي الْوِفَادَةِ إِلَيْهِ، وَ الْهَمْنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَ لَا يَخِيبُ مَنْ آتَاهُمْ، وَ لَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ، وَ لَا يَسْعُدُ مَنْ عَادَاهُمْ.»

صفحه ۲۴۶

صفحه ۲۴۷

و هنگام وداع با پیامبر (صلی الله علیه وآله) بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، وَ أَنَّكَ قَدِ اخْتَرْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، ثُمَّ اخْتَرْتَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَّةَ الطَّاهِرِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا، فَأَحْسَبُنَا مَعَهُمْ، وَ فِي زُمْرَتِهِمْ، وَ تَحْتَ لِوَاءِهِمْ، وَ لَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.»

و پس از وداع با قبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) قبور ائمه بقیع (علیهم السلام) را زیارت کن، و با آنان وداع نما و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةَ الْهُدَى وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ، أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَ دَلَّلْتُمْ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَارْتَبِنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.»

و سپس می گویی:

«وَ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.»

صفحه ۲۴۸

دعاء امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه

قسمت اول

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَ لَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَ لَا كَصُدُوعِهِ صَنِيعٌ، وَ هُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبِدَائِعِ، وَ أَنْقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَ لَا تَضِيغُ عِنْدَهُ الْوُدَائِعُ، جَازَى كُلُّ

صانع، وَ رَأَيْشُ كُلِّ قَانِعٍ، وَ رَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ، وَ مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ، وَ الْكِتَابُ الْجَامِعُ، بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَ هُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ، وَ لِلكَرْبَاتِ دَافِعٌ، وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَ لِلجَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَ لَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ، وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

صفحه ۲۴۹

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقَرَّراً بِأَنَّكَ رَبِّي، وَ أَنَّ إِلَيْكَ مَرَدِّي، إِئْتَدَأْتَنِي بِبِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً، وَ خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ، ثُمَّ أَشَيْتَنِي الْأَضْيَالَ، آمِناً لِرَبِّ الْمُنُونِ، وَ اخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَ السِّنِينَ، فَلَمْ أَزَلْ طَاعِناً مِنْ صُلْبِ إِلَى رَحِمِ فِي تَقَادُومِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ، وَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي، وَ لَطْفِكَ لِي، وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أَيْمَةِ الْكُفْرِ، الَّذِينَ نَفَضُوا عَهْدَكَ، وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ، لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى، الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوَّفْتَ بِي، بِجَمِيلِ صُنْعِكَ، وَ سَوَابِغِ نِعْمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَيِّئِي يُمْنِي، وَ أَشَكَّتَنِي فِي ظُلُمَاتِ ثَلَاثِ، بَيْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي، وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامَماً سَوِيّاً، وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً، وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْعِذَاءِ لَبِناً مَرِيّاً، وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَ كَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمَ، وَ كَلَّاتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى إِذَا اسْتَيْهَلْتُ نَاطِقاً بِالْكَلامِ، أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ، وَ رَبَّيْتَنِي زَائِداً فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي، وَ اعْتَدَلَتْ مِرَّتِي، أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنَّ الْهَمَّتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَ رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ، وَ أَيَقُظْتَنِي

لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَاءِكَ وَارْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَتَبَهَّتِنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَأَوْجِبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، وَ لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَهُ دُونَ أُخْرَى، وَ رَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَ صَيَّنُوهُ الرِّيشَ، بِمَنْكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ، وَ صَيَّرْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ، لَمْ يَمْنَعِكَ جُهْلِي وَ جُرْأَتِي عَلَيَّ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، وَ وَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لِمَدْيِكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانُكَ إِلَيَّ، فَسُدِّ بِحَانِكَ سُدِّ بِحَانِكَ مِنْ مَبِيدِ مُعِيدِ حَمِيدِ مَجِيدِ، وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَ عَظُمَتْ آلَاؤُكَ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عَدْدًا وَ ذِكْرًا، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا، وَ هِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَ بِهَا الْعَادُّونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَيَّرْتَ وَ ذَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَ الضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَ السَّرَّاءِ، وَ أَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي، وَ عَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي، وَ خَالِصِ صَبْرِي وَ تَوْحِيدِي، وَ بَاطِنِ مَكُونِ ضَمِيرِي، وَ عَلَاقِ مَجَارِي نُورِ بَصْرِي، وَ أَسَارِيرِ صَفْحِهِ

صفحه ٢٥٠

صفحه ٢٥١

صفحه ٢٥٢

صفحه ٢٥٣

جَبِينِي وَ خُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَ خَذَارِيفِ مَارِنِ عِزِّينِي، وَ مَسَارِبِ سِتْمَاحِ سَمْعِي، وَ مَا ضُمَّتْ وَ أَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ، وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَ مَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَ فَكِّي، وَ مَنَابِتِ أَضْرَابِي، وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي، وَ حِمَالِهِ أُمَّ رَأْسِي، وَ بُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي،

وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي، وَحَمَائِلُ حَبْلِ وَتِينِي، وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَأَفْلَاحِ حَوَاشِي كَبِدِي، وَمَا حَوَتْهُ شَرَّاسِيْفُ أَضْلَاعِي، وَحِقَاقُ مِفَاصِلِي، وَقَبْضُ عَوَامِلِي، وَأَطْرَافُ أَنَامِلِي، وَلَحْمِي، وَدَمِي، وَشَعْرِي، وَبَشْرِي، وَعَصْبِي، وَقَصْبِي، وَعِظَامِي، وَمُخِي وَعُرُوقِي، وَجَمِيعُ جَوَارِحِي، وَمَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَنَوْمِي، وَيَقْطَعِي، وَسُكُونِي، وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمَرْتُهَا أَنْ أُودِيَ شُكْرَ وَاحِدِهِ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنَّكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا، أَجَلُ، وَلَوْ حَرَضْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدَى أَنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَآنِفِهِ مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا، وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا، هَيْهَاتَ أَنِّي ذَلِكَ، وَأَنْتَ الْمَخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالتَّيَّ الصَّادِقِ «وَإِنْ تَعِدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا». صَدَقَ كِتَابُكَ. اللَّهُمَّ وَإِنبِأؤُكَ، وَبَلَّغْتَ أَنبِأؤُكَ وَرُسُلِكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَجِدِّي، وَمَبْلَغِ طَاقَتِي وَوُسْعِي، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَورُوثًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ فَيُزِفِدُهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ، لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا، فَفَطَّرَتَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

صفحه ٢٥٤

صفحه ٢٥٥

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَاءِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

آنگاه حضرت شروع در دعا و ستوال از حق تعالی کردند و با دیدگانی اشکبار گفتند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ وَ لَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَ خِزْلِي فِي قَضَائِكَ وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخْرَجْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ النُّورَ فِي بَصِيرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ مَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي وَ اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصِيرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي وَ انصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ آرِنِي فِيهِ ثَارِي وَ مَيَّ آرَبِي وَ أَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي. اللَّهُمَّ اكشِفْ كُرْبَتِي وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَ اخْسِأْ شَيْطَانِي وَ فُكِّ رِهَانِي وَ اجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً وَ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقاً سَوِيّاً رَحِمَهُ بِي وَ قَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَتِيّاً رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَاحْسِنْتَ صُورَتِي رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَ فِي نَفْسِي عَافِيَتِي رَبِّ بِمَا كَلَّأْتَنِي وَ وَفَّقْتَنِي رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَيِّئْ لِي رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَ سَقَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَ أَقْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعْتَنِي وَ أَعَزَّزْتَنِي رَبِّ بِمَا الْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي وَ يَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اعْنِي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَ صُرُوفِ اللَّيَالِي وَ الْآيَامِ وَ نَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ كُرْبَاتِ الْآخِرَةِ وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي وَ مَا أَحْزَنُ فَاقْضِنِي وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي فَاحْرُسْنِي وَ فِي سَيِّفِي فَاحْفَظْنِي وَ فِي أَهْلِي وَ مَالِي فَاحْلُفْنِي وَ فِيمَا رَزَقْتَنِي فَابَارِكْ لِي وَ فِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي

وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظَّمْنِي وَ مِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ فَسَيَلِمْنِي وَ بِعَدُوِّبِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَ بِسَيِّرِي تِي فَلَا تُخْزِنِي وَ بِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي وَ نِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي وَ إِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَبْجَهْمُنِي أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي، وَأَنْتَ رَبِّي وَ مَلِيكَ أَمْرِي، أَشْكُوا إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَ بُعِيدَ دَارِي، وَ هَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي إِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضَبْتِ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْئَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَ السَّمَاوَاتُ وَ كُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَ صَلَّحَ بِهِ أَمْثَالَ الْوَالِدِينَ وَ الْأَخْرَيْنَ، أَنْ لَا تُمَيِّنَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَ لَا تُنْزِلَ بِي سَخَطَكَ، لَكَ الْعُثْبَى لَكَ الْعُثْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَلْتَهُ الْبَرَكَهَ، وَ جَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى

صفحه ٢٥٧

صفحه ٢٥٨

صفحه ٢٥٩

صفحه ٢٦٠

الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُمِدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي. يَا إِلَهِي وَ إِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ رَبِّ جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ، وَ رَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَهِ الْمُتَتَجِّهِينَ، وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ، وَ مُنْزِلَ كَهْيَعِصَ وَ طهَ وَ يسَ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَيِّعَتِهَا وَ تَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا وَ لَوْلَا- رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَ أَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَ لَوْلَا- سَتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَ أَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَ لَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ

خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاءُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَرُونَ يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ الْمِذْلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَيِّطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمَنَةُ وَالِدُهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا يَا مُقْبِضَ الرَّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَ مُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَ جَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا يَا رَادَّةَ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَ الْبَلْوَى عَنْ أَيُّوبَ وَ يَا مُمَسِّكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَ فَنَاءِ عُمَرِهِ يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِرُكْرِيَا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى وَ لَمْ يَدْعُهُ فَزَدًا وَ حِيدًا يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ يَا مَنْ فَاتَقَ الْبَحْرَ لِبْنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَ جَعَلَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ مِنَ الْمُعْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ وَ قَدْ غَدَوْا فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَ يَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَ قَدْ حَادُّوهُ وَ نَادُّوهُ وَ كَذَّبُوا رُسُلَهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيءُ يَا بَدِيعًا لَا نِدَّ لَكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي

صفحه ٢٦١

صفحه ٢٦٢

صفحه ٢٦٣

فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ عَظَّمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَ رَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِيَ فَلَمْ يَشْهَرْنِي يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي
يا

مَنْ أَبَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى وَ نِعْمُهُ لَا تُجَازَى يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَ عَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِيمَانِ يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضاً فَشَفَانِي، وَ عَزِياناً فَكَسَانِي، وَ جَابِعاً فَاشْبَعَنِي، وَ عَطْشَاناً فَأَرْوَانِي، وَ ذَلِيلًا فَاعَزَّنِي، وَ جَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَ وَحِيدًا فَكَثَّرَنِي، وَ غَائِبًا فَزِدَّنِي، وَ مُقِلًّا فَاعَانَنِي وَ مُتَّصِرًا فَانصَرَّ رَنِي وَ غَتِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَ أَمْسِيكَتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلَمِكَ فَابْتَدَأْتُ أَنْيَ فَلَمَكَ الْحَمِيدُ وَالشُّكْرُ يَا مَنْ أَقَالَ عَيْثُرَتِي وَ نَفَسَ كُرْبَتِي وَ أَجَابَ دَعْوَتِي، وَ سَتَرَ عَوْرَتِي وَ غَفَرَ ذُنُوبِي، وَ بَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَ نَصَرَ رَنِي عَلَى عَوْدِي، وَ إِنْ أَعَدَّ نِعَمَكَ وَ مَنَّكَ وَ كَرَامَتَكَ مِنْحِكَ لِأُحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَيْمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي اعَزَزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ، فَلَمَكَ الْحَمِيدُ دَائِمًا وَلَمَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا. ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَيَّهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، وَ أَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَّتُ، أَنَا الَّذِي أَفْرَزْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا

تَضَرُّهُ ذُنُوبٌ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَالْمَوْفِقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي، إِلَهِي
أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ وَ

صفحة ٢٦٤

صفحة ٢٦٥

صفحة ٢٦٦

نَهَيْتَنِي فَأَزْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَاصْبِرْ بَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةَ لِي فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذَا قُوَّةَ فَأَنْتَصِرُ، فَبَايَ شَيْءٍ اسْتَقْبَلُكَ يَا مَوْلَايَ، اِبْسَمِعِي أُمَّ بَبْصَرِي
أُمَّ بِلِسَانِي أُمَّ بِيَدِي أُمَّ بِرِجْلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ، يَا مَوْلَايَ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرْتَنِي مِنَ
الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي وَ لَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا
أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَ لَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي فَهَذَا أَنَا ذَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا
ذُوبَرَاءَةَ فَأَعْتَذِرُ وَلَا ذُو قُوَّةَ فَأَنْتَصِرُ وَلَا حُجَّةَ فَاحْتِجُّ بِهَا وَلَا قَائِلَ لَمْ أَجْتَرِحْ وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا وَمَا عَسَيْتُ الْجُحُودُ وَلَوْ جَحِدْتُ يَا
مَوْلَايَ يَنْفَعْنِي، كَيْفَ وَ أَنِّي ذَلِكُ، وَ جَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمَلْتُ، وَ عَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ إِنَّكَ سَأَلْتَنِي مِنْ
عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَ أَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ وَ عَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَ مِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ
حُبَّتِكَ عَلَيَّ وَ إِنْ تَغِيْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَ كَرَمِكَ. لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَخَّرِينَ، لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الْخَافِينَ، لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لا إِلَهَ إِلَّا

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِيَيْنِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهَلَّلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوْلِينَ. اَللّٰهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا وَاخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا وَاقْرَارِي بِآلَائِكَ مُعَدِّدًا وَإِنْ كُنْتُ مُقْرَأًا إِنِّي لَمْ أُحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَ سُبُوغِهَا وَ تَظَاهُرِهَا وَ تَقَادُُمِهَا إِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَ بَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَ كَشْفِ الضَّرِّ وَ تَسْيِيبِ الْيُسْرِ وَ دَفْعِ الْعُسْرِ وَ تَفْرِيجِ الْكَرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الْبِدَنِ وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَ لَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِينَ وَ الْآخِرِينَ مَا قَدَّرْتُ وَ لَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَ تَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصِي الْأَوْكَ وَ لَا يُبَالِغُ ثَنَاؤُكَ وَ لَا تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَتَمَّ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَ أَسَدْنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَ تَكْشِفُ السُّوءَ وَ تُغِيثُ الْمَكْرُوبَ وَ تَشْفِي السَّقِيمَ وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ وَ تَجْبُرُ الْكَسِيرَ وَ تَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ تُعِينُ الْكَبِيرَ وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَ لَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطْلِقَ الْمَكْبَلِ

قسمت دوم

صفحه ۲۶۷

صفحه ۲۶۸

صفحه ۲۶۹

صفحه ۲۷۰

الْأَسِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطَانِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَ أَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُوَلِّيَهَا وَ الْإِثْمَ تُجَدِّدُهَا وَ بَلِيَّةً تَصْرِفُهَا وَ كُرْبَةً تَكْشِفُهَا وَ دَعْوَةً تَسْمَعُهَا

وَ حَسْبِنَهُ تَتَقَبَّلُهَا وَسَيِّئُهُ تَتَعَمَّدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ وَأَسْرِعُ مَنْ أَجَابَ
وَ أَكْرَمُ مَنْ عَفَى وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَ أَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَ لَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ،
دَعْوَتِكَ فَاجْتِنِنِي وَسَلِّتْكَ فَأَعْطِنِي وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ فَارْحَمْنِي وَ وَثِقْتُ بِكَ

صفحة ٢٧١

فَنَجِّتِنِي وَ فَرِّغْتُ إِلَيْكَ فَكَفِّتِنِي. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ عَلَى إِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَ تَمِّمْ
لَنَا نِعْمَاتِكَ وَ هُنَّ عَطَائِكَ وَ اكْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَ لَا لِأَيْدِيكَ ذَاكِرِينَ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ قَدْرَ، وَ قَدَرَ
فَقَهَرَ، وَ عَصَى فَسَدَّتْ، وَ اسْتِغْفَرَ فَغَفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ، وَ مُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ وَسَّعَ
الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ حِلْمًا. اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ وَ خَيْرَتِكَ
مِنْ خَلْقِكَ وَ آمِنِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى إِلِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَ
تَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُرُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ نَفْسِي مَهْ بَيْنَ
عِبَادِكَ، وَ نُورٍ تَهْدِي بِهِ وَ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَ بَرَكَهٍ تُنْزِلُهَا وَ عَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا وَ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ أَقْبِلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ
مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْفَانِطِينَ، وَ لَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَحْرِثْنَا مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ،

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَايِكَ قَانِطِينَ، وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجُودَ
الْأَجُودِينَ وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ وَلِيَّتِكَ الْحَرَامَ آمِينَ قَاصِدِينَ، فَأَعِنَّا عَلَى مَنَابِتِنَا وَ أَكْمِلْ لَنَا حَاجَتَنَا وَاعْفُ عَنَّا وَ
عَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا، فَهِيَ بِذَلِكَ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ، اللَّهُمَّ فَأَعْظِنَا فِي هَذِهِ الْعَيْشَةِ مَا سَيَلْنَاكَ، وَ أَكْفِنَا مَا سَيَتَكْفِينَاكَ فَلَا
كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَ لَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ،

صفحة ٢٧٢

صفحة ٢٧٣

نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَيْدٌ فِينَا قَضَاؤُكَ، إِفْضَالٌ لَنَا الْخَيْرَ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ
الْأَجْرِ وَ كَرِيمَ الدُّخْرِ وَ دَوَامَ الْيُسْرِ، وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَ لَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ،

صفحة ٢٧٤

وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَيَسئَلُكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَ شَكَرَكَ فَزِدْتَهُ وَ ثَابَ
إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ وَ نَقِّنَا وَ سَيِّدْ دُنَا وَ اعْصِمْنَا، وَ أَقْبِلْ تَضَرُّعَنَا يَا
خَيْرَ مَنْ سئِلَ وَ يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِعْمَاضُ الْجُفُونَِ وَ لَا لِحْظُ الْعُيُونِ، وَ لَا مَا اسْتَتَقَّرَ فِي الْمَكُونِ، وَ لَا مَا
انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضَمَّرَاتُ الْقُلُوبِ، الْاَكْمَلُ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَ وَسَّعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا
كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ وَ مَنْ فِيهِنَّ، وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ

صفحة ٢٧٥

الْحَمِيدُ وَ الْمَجِيدُ وَ عُلُوُّ الْجِيدِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ وَ الْآيَادِي الْجَسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُفُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ
أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ عَافِنِي فِي بَدَنِي وَ دِينِي وَ آمِنْ خَوْفِي وَ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ

لا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ.»

سپس حضرت سر و دیده خود را به سوی آسمان بلند کردند و با چشم گریان و صدای بلند گفتند:

«يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصِرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدِ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخَدَّكَ لِشَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ.»

صفحه ۲۷۶

و جمله «یا رب» را بسیار تکرار کردند. و کسانی که دور آن حضرت بودند به دعای ایشان گوش داده و آمین می گفتند، آنگاه صدایشان به گریه بلند شد تا آن که خورشید غروب کرد و روانه مشعر الحرام شدند.

تا این جا دعای امام حسین (علیه السلام) طبق روایت مرحوم کفعمی تمام می شود؛ ولی سید ابن طاووس (علیه الرحمه) این ذیل را نیز اضافه نموده است:

صفحه ۲۷۷

«إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي. إِلَهِي إِنْ اِخْتَلَفَ تَدْبِيرُكَ وَ سِرُّعِهِ طَوَاءَ مَقَادِيرِكَ مَنَعًا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءِ وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءِ إِلَهِي مِنِّي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَ مِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكِرْمِكَ. إِلَهِي وَصِيْفَتْ نَفْسِيكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي، أَفْتَمُنَعْنِي مِنْهُمَا بَعِيدَ وُجُودِ ضَعْفِي. إِلَهِي إِنْ ظَهَرَتِ الْمَحَاسِنُ مِنِّي فَبِفَضْلِكَ وَ لَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ، وَإِنْ ظَهَرَتِ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ وَ لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ، إِلَهِي كَيْفَ تَكِلْنِي وَ قَدْ

تَكْفَلْت لِي، وَ كَيْفَ أَضَامُ وَ أَنْتَ النَّاصِرُ لِي، أَمْ كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ الْحَفِيُّ بِي، هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَ كَيْفَ أَتَوَسَّلُ
إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌّ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَ هُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أُتْرَجِمُ بِمَقَالِي وَ هُوَ مِنْكَ بَرَزُ
إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ آمَالِي وَ هِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لَا تُحَسِّنُ أَحْوَالِي وَ بِعَكَ قَامَتْ. إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ
جَهْلِي، وَ مَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي، إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَ أَبْعَدَنِي عَنْكَ، وَ مَا أَرَأَفَكَ بِي فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ، إِلَهِي
عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْآثَارِ وَ تَنَقُّلِ الْأَطْوَارِ أَنْ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ، إِلَهِي كُلَّمَا
أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرْمُكَ، وَ كُلَّمَا أَيْسَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعَنِي مِنْكَ، إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ

صفحة ٢٧٨

صفحة ٢٧٩

مَسَاوِي، فَكَيْفَ لَا تُكُونُ مَسَاوِيَهُ مَسَاوِي، وَ مَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي، فَكَيْفَ لَا تُكُونُ دَعَاوِيَهُ دَعَاوِي، إِلَهِي حُكْمَكَ النَّافِذُ وَ
مَشِيئَتَكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكَا لِذِي مَقَالٍ مَقَالًا، وَ لَا لِذِي حَالٍ حَالًا. إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتَهَا وَ حَالَهُ شَيَّدْتُهَا هَرِدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا
عَدْلِكَ، بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلِكَ، إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَ إِنْ لَمْ تَدَمْ الطَّاعَةُ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةً وَ عَزْمًا، إِلَهِي كَيْفَ أَعَزِمُ
وَ أَنْتَ الْقَاهِرُ، وَ كَيْفَ لَا أَعَزِمُ وَ أَنْتَ الْأَمْرُ، إِلَهِي تَرَدُّدِي فِي الْآثَارِ يُوجِبُ بُعِيدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِحِدْمِهِ تَوْصِي لِنِي إِلَيْكَ،
كَيْفَ يُسَيِّدُ عَلَيَّ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونُ هُوَ الْمُظْهِرَ لَكَ، مَتَى
غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَ مَتَى بَعُدَتْ حَتَّى

تَكُونُ الْإِثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا، وَخَسِرَتْ صِفْقَهُ عَيْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا. إِلَهِي
أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْإِثَارِ فَأَرْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ وَهَدَايَةِ الْإِسْتِْبْصَارِ حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونٌ
السِّرِّ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا، وَمَرْفُوعَ الْهَمِّ عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا حَالِي لَا
يُخْفِي عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ، وَاقْمِنِي بِصَدَقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ.
إِلَهِي عَلَّمَنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ وَصَدَّقَنِي بِسِرِّكَ الْمَصُونِ، إِلَهِي حَقَّقَنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ وَأَسْأَلُكَ بِي مَسْأَلَةَ أَهْلِ الْجَذْبِ.
إِلَهِي أَعْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ عَنْ اخْتِيَارِي، وَأَوْقِنِي عَنْ مَرَاكِزِ اضْطِرَارِي. إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَ
طَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي وَشَرِّكَ قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَانْصُرْنِي، وَعَلَيْكَ اتَّوَكَّلُ فَلَا تَكِلْنِي، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي
فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي، وَبِجَنَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي، وَبِبَابِكَ أَقِفُ فَلَا تَطْرُدْنِي، إِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ
مِنْكَ، فَكَيْفَ تَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّْي. إِلَهِي أَنْتَ الْغَنِيُّ بِجَدَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي، إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ
وَالْقَدْرَ يُمْنِنِي، وَإِنَّ الْهَوَى بِوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسِيرَنِي، فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبْصِرَنِي، وَأَعْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَعْنِيَ
بِكَ عَنْ طَلَبِي. أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَدُوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ
أَحْبَائِكَ حَتَّى لَمْ يُجِبُوا سِوَاكَ وَ لَمْ يَلْجِئُوا إِلَى غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْ حَشَتُهُمُ الْعَوَالِمُ، وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ
اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ،

مَاذَا وَحَيْدَمَنْ فَقَدَكَ، وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَحَيْدَكَ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مَتَحَوَّلًا، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ يُطَلَّبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا يَدُلُّتُ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ أَذَاقَ أَحْيَاءَهُ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرَضِينَ.

إِلَهِي أَطْلُبْنِي

صفحه ۲۸۰

صفحه ۲۸۱

صفحه ۲۸۲

صفحه ۲۸۳

بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاحْيِ ذَنْبِي بِمَنِّكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ. إِلَهِي إِنْ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعِوَالِمَ إِلَيْكَ وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ، إِلَهِي كَيْفَ أَخِيْبُ وَأَنْتَ أَمَلِي، أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ

صفحه ۲۸۴

مُتَّكِلِي، إِلَهِي كَيْفَ اسْتَعَزُّ وَفِي الدِّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي أَمْ كَيْفَ لَا اسْتِعْزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي، إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي، أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهَلَكُ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتُ إِلَيْهِ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتُكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّةِ فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحْفَتِ الْإِثَارِ بِالْإِثَارِ وَمَحْوَتِ الْأَعْيَارِ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ، يَا مَنْ اخْتَجَبَ فِي سُيَرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوَاءَ، كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ نَعِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ

صفحه ۲۸۵

صفحه ۲۸۶

چند سؤال و جواب درباره قربانی

سؤال ۱- در شرایط فعلی که همه یا

قسمت مهمی از گوشت قربانی از بین می رود و زیر خاک می کنند وظیفه مقلدین شما در مورد قربانی چیست؟

جواب: در این شرایط قربانی کردن در آنجا مجزی نیست، باید پول آن را کنار بگذارند و در ماه ذی الحجّه در محلّ دیگری که مصرف می گردد قربانی کنند، امیدوارم روزی فرا رسد که مسلمانان بتوانند در منی قربانی کنند و به جایی که در آنجا مصرف می شود منتقل سازند.

سؤال ۲- اگر کسی در شرایط فعلی که قربانیها معمولاً از بین می رود، در منی قربانی کند تکلیفش چیست؟

جواب: باید به آن قناعت نکند و قربانی دیگری در محلّ خود بنماید.

سؤال ۳- اگر شك دارد که قربانی تلف می شود یا نه، تکلیفش چه می باشد؟

جواب: با توجه به این که دیگران به مقدار کافی قربانی می کنند باید از آن صرفنظر کند و پول آن را کنار بگذارد تا هنگام بازگشت در محلّ خود قربانی کند و طبق دستور آن عمل نماید.

صفحه ۲۸۷

سؤال ۴- آیا تحقیق در این باره که مصرف می شود یا نه، لازم است؟

جواب: در شرایط فعلی تحقیق لازم نیست.

سؤال ۵- مسأله ترتیب اعمال بعد از قربانی چگونه حل می شود؟

جواب: کافی است پول آن را کنار بگذارد و بقیه اعمال منی را انجام دهد و از احرام بیرون آید.

سؤال ۶- مقدار پولی را که کنار می گذارد به حساب قربانی در محل باشد یا قربانی در مکه؟

جواب: به حساب قربانی در محل.

سؤال ۷- آیا می تواند پول را در محلّ خود هنگام عزیمت به حج، کنار بگذارد؛ یا این که سفارش کند برای او پول را کنار بگذارند

و یا در آن روز قربانی کنند؟

جواب: هر سه صورت مانعی ندارد.

سؤال ۸- اگر هماهنگ کند که در همان روز و در محلّ خودش به جای او قربانی کنند آیا معیار روز عید قربان

صفحه ۲۸۸

در مکه است یا در محلّ خودش؟

جواب: معیار عید قربان در مکه است.

سؤال ۹- هرگاه بر اثر تأخیر در بازگشت از حج موفق نشود در ماه ذی الحجّه قربانی کند چه باید کرد؟

جواب: در ذی الحجّه سال آینده قربانی کند.

سؤال ۱۰- اگر موقع بازگشت قربانی کند آیا می تواند با گوشت آن دوستان و آشنایان را اطعام نماید؟

جواب: اشکالی ندارد ولی واجب است جمعی از فقرا در آن سهیم باشند.

سؤال ۱۱- کسانی که مقلد مراجع گذشته بوده اند و اکنون به فتوای حضرتعالی بر تقلید آنها باقی می باشند آیا می توانند در

خصوص این مسأله از شما تقلید کنند؟

جواب: هرگاه سفر اوّل حج آنها باشد لازم است در تمام مسائل حج به فتوای ما عمل کنند و اگر سفر اوّل آنها نباشد بر تقلید

آن بزرگواران باقی می مانند.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

